

ایران شهر

رقص تو امان عشق و حزن



رقصان در امتداد  
جاده ابریشم



مقدمه‌ای بر رقص



ماهنامه ایران شهر فرهنگی، شماره ۱۸ - مجله جدول ایران شهر، شماره ۷۲ - ایران شهر پزشکی، ضمیمه شماره ۱۲ و ایران شهر اقتصادی شماره ۱ - چاپ آمریکا، قیمت ۵۳ دلار  
سال نوزدهم - جون ۲۰۱۴

**جدول ۷۲**  
**ایران شهر یزتسکی ۱۲**  
**ایران شهر اقتصادی ۱**

۱۸

# ایران شهر

Vol:18 JUNE 2014, 19th Year

IRANSHAHR MONTHLY CULTURAL, POLITICAL, ART, SOCIAL, MEDICAL & CROSSWORDS MAGAZINE, USA \$3.00

اسامی پذیرفته شدگان ایرانی تبار آزمون دریافت پروانه وکالت در ایالت کالیفرنیا



**حضور تیم ملی فوتبال در جام جهانی فرصتی است  
تا ایران را غرق شادی و رقص کنیم**



## دکتر جعفر شجره - کایروپراکتیک

پیروزی تیم ملی فوتبال ایران را در تمام میدان‌های ورزشی آرزو می‌کند



از پیشرفته‌ترین و جدیدترین دستگاه‌های کشش ستون فقرات بدون جراحی  
با همکاری پزشکان متخصص در استخوان پزشکی (Orthopedics)  
با متخصص فیزیکیال تراپی Shiao - Lan Li, P.T.  
درمان دردهای مزمن دیسک کمر و گردن (بدون جراحی)  
قبول اکثر بیمه‌های درمانی - مدیگر

با متوقف کردن درد از دیسک‌های گردن و کمر (بدون جراحی) رنج را به شادی تبدیل کنید

**(949)333-2224**

SouthCountySpinecare.com

Airport Business Center  
18102 Sky Park Circle South  
Suite D, Irvine 92614

26921 Crown Valley Pkwy, #203  
Mission Viejo CA 92691

در این شماره

ایران شهر فرهنگی - شماره ۱۸

- ۴ سرمقاله / بیژن خلیلی: پیگیری قدمت رقص تادرباره هخامنشیان  
 ۶ پرونده / فیروزه خطیبی: میراث ماندگار جانبازان در رقص ایران  
 ۸ پرونده / شاهرخ مشکین قلم: رقص نماد نمایش یک فرهنگ  
 ۱۰ پرونده / آرام بیات: رقصان در امتداد جاده ابریشم  
 ۱۴ پرونده / فرید عباسی: فولکلور بر طاقچه، رقص هم رویش  
 ۱۸ پرونده / سها شریف: مقدمه‌ای بر رقص  
 ۲۲ پرونده / نگار ثابتی: رقص هنر عرضه بدن نیست  
 ۲۶ پرونده / فیروزه رمضانزاده: رقص در ایران نمرده است  
 ۲۹ پرونده / امین اکبریان: شادی همچنان ممنوع  
 ۳۰ داستان کوتاه / فرهاد کاشفی: گراند کنییون  
 ۳۲ نقد و نظر / گلاویژ معتمدی: قصه ضحاک در عصر ما...  
 ۳۴ وب نوشت‌های مادرانه / آتوسا راوش  
 ۳۶ روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران  
 ۴۲ در قلمرو فرهنگ / س. ملیکیان: غزل اول و حرف آخر  
 ۴۶ مکتوبات فدوی / حمیدرضا رحیمی  
 ۴۸ در قلمرو فرهنگ / محمدرضا شریف: هنر و تاریخ

ایران شهر اقتصادی و سیاست بین الملل - شماره نخست

- ۵۰ رقابت اقتصادی چین، روسیه و آمریکا  
 ۵۲ دزدان واقعی در جمهوری اسلامی  
 ۵۳ اقتصاد مقاومتی چیست؟  
 ۵۳ هزینه سنگین «حق مسلم ماست»  
 ۵۴ برزیل سرزمین فوتبال رقص و اقتصاد ضعیف  
 ۵۵ پرزیدنت اوکراین - میلیارد در شکلاتی  
 ۵۶ چرا این همه ظلم به دختران؟  
 ۵۸ اسامی پذیرفته شدن ایرانی تبار آزمون وکالت در کالیفرنیا  
 ۵۹ بازی‌های ایران در جام جهانی فرصت رقص و شادی...

ایران شهر پزشکی - ضمیمه رایگان یازدهم

- ۶۲ ساعات مناسب خواب برای انسان  
 ۶۴ بهداشت خواب

جدول ایران شهر - شماره ۷۲

- ۶۸ جدول‌های کلاسیک، شرح در متن، سودوکو، زنجیره و...  
 ۱۲۲ حل جدول‌های ایران شهر شماره ۷۰  
 ۱۲۶ راهنمای حل جدول  
 ۱۲۹ مسابقه همراه با جایزه



ایران شهر

شماره هجدهم، جون ۲۰۱۴

IRANSHAHR Magazine

Is published by Ketab Corp.

بنیانگذار و مدیر مسئول: بیژن خلیلی

زیر نظر شورای نویسندگان

ناشر: شرکت کتاب

مشاور ارشد بازرگانی: شیدخت حکیم زاده

KETAB Corporation

1419 Westwood Blvd,

Los Angeles, CA 90024. USA

818.908.0808

800.908.0808

Fax: 818.908.1457

www.iranshahrweekly.com

ketab1@ketab.com

© Copyright

- مطالب منتشر شده در ایران شهر نشانگر عقیده و آرای نویسندگان آن است و الزامی و نظر ایران شهر محسوب نمی‌شود.
- مسئولیت صحت محتوای آگهی‌های منتشر شده در این ماهنامه با صاحبان آگهی است و ایران شهر در این خصوص مسئولیتی ندارد.
- استفاده از مقالات، طرح‌ها و ایده‌های منعکس شده در این مجله فقط با اجازه کتبی امکان پذیر است.
- ایران شهر در حکم و ویرایش مطالب وارده مختار است.
- مطالب و تصاویری که برای ما می‌فرستید مسترد نمی‌شود.

در گذشت مهندسی هوشنگ سیحون پدر معماری

نویسنده ایران را به خانواده ایشان، شاگردانش و همه

ایرانیان تسلیت می‌گوییم.

عکس روی جلد این شماره، آخرین تصویر رسمی تیم ملی در مرحله مقدماتی جام جهانی برزیل را نشان می‌دهد. به احتمال قوی ترکیب تیم ملی در مسابقات پیش رو با ترکیب در دوره مقدماتی متفاوت خواهد بود. اما آنچه برای ما در انتشار این تصویر حائز اهمیت است، نفس حضور نمایندگان ملت ایران در این مسابقات مهم جهانی است.

ما باور داریم آگاهی مقدمه آزادی است

برای پشتیبانی از ما، ایران شهر را مشترک شوید



# پیگیری قدمت رقص تادربار هخامنشیان

بیژن خلیلی

"...پادشاه امر فرمود که وشتی ملکه را با تاج ملوکانه به حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به خلاق و سروران نشان دهد زیرا که نیکو منظر بود. اما وشتی ملکه نخواست که به فرمانی که پادشاه به دست خواجه سرایان فرستاده بود بیاید، پس پادشاه بسیار خشمناک شد..."

به راستی پادشاه برای چه وشتی را خواسته بود. آیا چون فقط نیکو منظر بوده است بیاید و پادشاه، زیبایی او را به رخ دیگران بکشد. آیا این استدلال کافی است؟!

با توجه به این که نام‌هایی که برای افراد در کتاب مقدس آمده‌اند با معنا هستند، باید به دنبال معنای نام وشتی بگردیم، فرهنگ دهخدا را ورق می‌زنیم

و معنایی که "وشتی" می‌تواند داشته باشد را با یکدیگر نگاه کنیم:

**وشت:** خوب و خوش و نیکو - رقص - جست و خیز کردن

**وشتن:** جستن، رقص کردن، رقصی کردن

**وشتیدن:** رقصیدن و رقصی کردن

بدون تردید ملکه وشتی، هم صاحب جمال و نیکو منظر بوده است و هم رقص و رقصیدن را می‌دانسته است و دربار آن روزگار نیز از استفاده از این هنر برای شادی و شادمانی فروگذار نمی‌کرده است.

حال نکته اینجاست که سردمداران مستبد و متحجر امروز جمهوری اسلامی با انکار چنین پیشینه روشن و تاریخی مدون و مکتوبی می‌کوشند تا فرهنگ شادمانی، رقص و پایکوبی را از ملتی که همواره با تاریخش را با شادی و پایکوبی پیوند زده است بگیرند و دلیل آنکه روضه خوانان جز در پناه مرگ و مویه دلیلی برای بقا نخواهند داشت. بیایید با شادی و رقص فرصت ادامه حیات رژیم ننگین جهل و جنایت و جنون را کوتاه کنیم.



رقص و شادی دو واژه‌ای که سردمداران جمهوری اسلامی از خمینی تا خامنه‌ای و از صدر تا ذیل هم از گفتن آن و هم از عمل به آن خوف داشته و دارند بنابراین حضور ملی پوشان ایران را در جام جهانی بهانه‌ای کنیم برای پایکوبی و دست افشانی. در میان همه هنرها هنر رقص بیشترین صدمه را از آخوندها و ملاحا دیده است و آن چه که این روزها خانم مسیح علی‌نژاد به درستی با عنوان "آزادی‌های یواشکی" مطرح کرده است رقص و رقصیدن از جایگاه ویژه‌ای در بین ایرانیان برخوردار است.

رقص، آواز، شادی، دست افشانی و پایکوبی در فرهنگ همه ملت‌ها بیش و کم هست

چرا که اصلی از اصول بقا است. اما بدبختانه ملت ایران خود را دچار تبهکارانی کرده است که خود در نهان از لذایذ دنیوی از بام تا شام بهره می‌برند و به قول حافظ در خلوت آن کار دیگر می‌کنند و همان زمان برای خلق الله نسخه غصه و رنج و آه و ناله و گریه می‌پیچند. اینان ملتی را در بند کرده‌اند که در تاریخ باستانش ۳۷ جشن ثبت شده در طول سال دارد و رقص و شادی و دست افشانی و پایکوبی از اصول نخستین زندگی شهری و روستایی او بوده است.

در کتیبه‌های هخامنشی بارها از شادی و آفریده شدن شادی سخن رفته است ولی از رقص و رقصیدن یادگاری گذاشته نشده است ولی این بار نیز کتاب مقدس یهود به یاری ما آمده و یکی از مهمترین دست آوردهای بشری - که بخشی از میراث فرهنگی ایران است - را برای ما به یادگار گذاشته است و شاید نخستین سند مکتوب درباره این که رقص و رقصیدن سابقه باستانی در ایران دارد را ارائه می‌دهد.

بخشی از کتاب استر را با هم می‌خوانیم:

نکته به نکته مو به مو

# پاسخ دکتر منوچهر گنجی به سر مقاله شماره قبل ایران شهر

در شماره پیشین ایران شهر (فرهنگی، سیاسی - شماره ۱۷ آپریل ۲۰۱۴) می‌کنند یک استناد شفاهی است و هیچ منبع دیگری آن را مورد تایید قرار نگارنده مقاله‌ای را قلمی کرده‌بودم با عنوان «نصف جهان در محک رعایت حقوق بشر» و در آن جا، مخالفان تدفین ریچارد نلسون فرای را فهرست کردم که ششمین آن آقای دکتر منوچهر گنجی بودند. عین مطلب به شرح زیر بود:

ب- دکتر گنجی که به مدت ۳۴ سال فرصت داشتند که این موضوع را زمان حیات ریچارد فرای مطرح کنند که او بتواند شخصا پاسخگوی این اتهام باشد. پس از درج این مقاله و سخنرانی نگارنده در شب بزرگداشت ریچارد فرای در کتابخانه وست وود، آقای دکتر گنجی به اینجانب تلفن کردند و مطالب زیر را اظهار کردند:

الف- من همان زمان موضوع را به شهبانو بازگو کرده‌ام و آن را در کتاب «آتش نهفته» - چاپ اول صفحه ۳۸۵ ذکر کرده‌ام.

ب- در مورد ریچارد فرای و مطلبی که اظهار کرده بود در همان کتاب و همان صفحه نیز از وقاحت او و پیشنهاد استرداد شاه فقید به جمهوری اسلامی را نوشته‌ام. صفحه ۳۸۵ کتاب را هم این جا گراور می‌کنم. آقای گنجی کاملا درست می‌گویند هر چند با آن که کتاب ایشان را در همان اوان انتشار خوانده بودم به هیچ وجه به خاطر نمی‌آید که این مطلب را آن‌جا خوانده‌ام که البته دلیل آن شاید بیشتر از این جهت بوده که دکتر گنجی از نام بردن ریچارد فرای در کتاب خود خودداری کرده‌اند.



۶- دکتر منوچهر گنجی وزیر سابق آموزش و پرورش در دوران پهلوی دوم طی یک برنامه تلویزیونی در روز شنبه ۱۹ آپریل ۲۰۱۴ این اطلاعات را مطرح کرده است:

دکتر گنجی می‌گوید که فرای پیشنهاد کرده در زمانی که محمدرضا شاه به امریکا آمده بود او را در ازای آزادی گروگان‌های امریکایی به ایران پس بفرستد که به جمهوری اسلامی خوش خدمتی کند. بنابراین تدفین جسد او در ایران با توجه به این گفته و پیشنهاد او خلاف انسانیت بوده و نباید در ایران قرار بگیرد و کسانی که به استقرار جسد او در ایران اصرار دارند آب به آسیاب جمهوری اسلامی می‌ریزند و اما پاسخ به ایشان:

الف- دکتر گنجی استنادی که در مورد پس فرستادن شاه به ایران

## فرم تقاضای اشتراک

تاریخ:.....			
<b>جدول هزینه اشتراک مجله فرهنگی ایران شهر</b>			
اروپا	کانادا	داخل آمریکا	۱۲ شماره
\$ 150	\$ 120	\$ 60	
----	-----	-----	-----
NAME: _____			
LAST NAME: _____			
ADDRESS: _____			
SUITE#: _____			
CITY: _____			
STATE: _____			
ZIP CODE: _____			
TEL: _____			

شما می‌توانید با انتخاب گزینه مورد نظرتان در جدول اشتراک وجه آنرا از طریق چک به حساب KETAB CORP. پرداخت نمایید و یا با تماس با ما از طریق کارت های اعتباری خود وجه مورد نظر را انتقال دهید. لازم به ذکر است شرایط ارسال و زمان دریافت مجلات تابع شرایط پست ایالات متحده خواهد بود.

اینجانب ..... ضمن مطالعه اطلاعات فوق، متقاضی اشتراک مجله جدول ایران شهر از شماره ..... برای مدت ۱۲ شماره می‌باشم.

امضا

برای اشتراک، فرم فوق را تکمیل نموده و به همراه چک به آدرس مجله ارسال فرمایید و یا با دفتر مجله تماس بگیرید

پرونده

# میراث ماندگار جانبازیان: رقص تومان عشق و هنر

فیروزه خطیبی (بی‌بی‌سی فارسی)

سختی‌ها و مشکلات زندگی به نمایش بگذارم.»  
آنا جانبازیان، که فوق لیسانس خود را در رشته طراحی رقص مدرن از دانشگاه لس‌آنجلس دریافت کرده است، به دلیل رقص‌های آستره، انتزاعی و متفاوتش، جایگاهی یگانه در صحنه طراحی باله مدرن ایران دارد.  
خانم جانبازیان می‌گوید: «رقص برای من در قدم‌های طراحی شده خلاصه نمی‌شود، بلکه چشمی است که با آن می‌بینم و زبانی است که با آن تکلم می‌کنم و از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می‌کنم.»  
آناهید (آنا) جانبازیان از سه سالگی در هنرستان پدرش، استاد باله، سرکیس جانبازیان، به یادگیری رقص پرداخت. در ۵ سالگی در تالار فرهنگ شهر تهران به اجرای برنامه پرداخت، در ۷ سالگی رسماً به فراگیری فنون باله کلاسیک پرداخت و بعدها تا هنگام ترک ایران علاوه بر تعلیم و تربیت شاگردان و مربیان بی‌شمار، بیش از ۱۰۰ باله تئاترال را روی صحنه برد.  
سرکیس جانبازیان که برای نخستین بار امکاناتی به وجود آورده بود تا زنان ایرانی بتوانند در کلاس‌های رقص حرفه‌ای شرکت کنند و اصول باله کلاسیک را بیاموزند، در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در آرماتور ارمنستان به دنیا آمد. او در لنینگراد (سن پترزبورگ) به فراگیری فنون باله پرداخت و پس از فارغ‌التحصیلی از آکادمی رقص و آگانوا و دانشگاه لژگاف با پیوستن به گروه باله کیرف و تدریس رقص به شهرت چشمگیری دست یافت.  
در سال ۱۳۱۷ در نتیجه فشارهای دولت شوروی سابق بر مردم ارمنستان، بسیاری از آنها راهی کشورهای دیگر شدند. سرکیس جانبازیان هم به همراه خانواده‌اش به ایران مهاجرت کرد. اما در آن زمان ارمنه اجازه نداشتند در تهران زندگی و یا کار کنند و در نتیجه خانواده جانبازیان در قزوین ساکن شدند.

سرکیس جانبازیان از همان زمان تصمیم داشت با تاسیس کلاس‌های رقص و آموزش شاگردان در قزوین به اجرای باله بپردازد. اما وقتی برای طرح این پیشنهاد و گرفتن مجوز به شورای شهر رجوع کرد با مخالفت و توهین اعضای آن‌ها روبرو شد.

در آن زمان کشیش کلیسای ارمنه شهر قزوین هر چند از قدرت و توانایی لازم برخوردار نبود، اما توانست به طور پنهانی امکاناتی را به وجود بیاورد که سرکیس بتواند به تدریس و ترویج رقص بپردازد: «پدرم در آن روزها روی پشت بام کلیسا به علاقمندان درس باله می‌داد. استاد و شاگردانش از نردبان چوبی که کشیش در اختیارشان گذاشته بود بالا می‌رفتند. بعضی از شاگردان آنقدر کوچک بودند که پدرم ناچار آنها را بغل می‌کرد و از نردبان به پشت بام می‌برد.»

سرکیس جانبازیان پس از اجرای چند باله و تشویق مردم قزوین در سال



در طول سال‌ها، میراث ارمنی - ایرانی سرکیس جانبازیان، پدر باله ایران، عشق به طراحی رقص و طبیعت از عوامل اثرگذار بر تم رقص‌های آناجانبازیان بوده است. اما آخرین اثری که این طراح رقص برنده جایزه و پایه گذار و کارگردان هنری آکادمی باله جانبازیان در لس‌آنجلس روی صحنه برد، اثری فاخر بود با نام باله تئاترال (ترکیبی) «گوهر روح».

خانم جانبازیان درباره این مولتی مدیا که مجموعه‌ای از رقص مدرن، تک‌گویی تئاتری، موسیقی زنده و نمایش عکس و اسلاید بود می‌گوید: «در این کار خواسته‌ام قدرت و توانایی‌های بشر را در رویارویی و مقابله با





۱۳۲۰ به تهران رفت و اولین هنرستان باله را در این شهر پایه‌گذاری کرد. او بعدها گفته بود: «در روسیه درس باله یاد گرفتم اما ایران به من درس زندگی آموخت.»

آنا جانبازیان می‌گوید: «پدرم انرژی بی‌حد و حساب و پایان‌ناپذیری داشت. او روح بزرگی بود که هنگام رقص هرگز حتی برای یک لحظه هم نمی‌توانستید چشم از او بردارید. بیشتر اوقات کودکی من به تماشای رقص در کلاس‌های پدرم می‌گذشت. وقتی که کلاس تمام می‌شد، آن وقت نوبت من بود که روی زمین چوبی بازی کنم و رقص‌های خودم را طراحی کنم. من در چنین محیطی بزرگ شدم. شنیدن موسیقی، تماشای اجراهای کم نظیر و ادای رقصندگان دیگر را در آوردن.»

سرکیس جانبازیان در طول دوران ۲۷ سال فعالیت‌های حرفه‌ای در ایران شاگردان و مربیان بی‌شماری تربیت کرد، جوایز و مدال‌های زیادی به دست آورد و به دلیل علاقه

زیادی که به زبان و داستان‌های ایرانی داشت چند باله بر اساس آثار ادبی ایرانی از جمله «رستم و تهمینه» را به کمک احسان یارشاطر، استاد زبان و ادبیات فارسی، به روی صحنه برد.

پس از مرگ ناگهانی سرکیس جانبازیان بر اثر سکته قلبی در ۵۰ سالگی، همسرش، فلور، به اداره هنرستان رقص او ادامه داد.

آنا جانبازیان که هنگام مرگ پدر یازده ساله بود در اواخر دهه ۶۰ میلادی برای ادامه تحصیل در رشته باله به دانشگاه و انستیتوی آموزش و پرورش رقص و طراحی ایروان در ارمنستان شوروی رفت.

«من به خودم قول داده بودم که هنرستان پدر را به بهترین شکل ممکن بازسازی کنم اما متأسفانه وقوع انقلاب اسلامی به من اجازه نداد تا کاری را که آغاز کرده بودم به پایان برسانم. چون یکی از اولین قوانین دولت جدید ممنوعیت رقص در سطح کشوری بود.»

آکادمی باله جانبازیان مدتی هم کار خود را به صورت زیرزمینی در تهران ادامه داد: «مجبور شدیم شیشه‌های پنجره استودیو را با کاغذ بپوشانیم تا کسی متوجه فعالیت‌های ما نشود. موسیقی را به قدری آهسته پخش می‌کردیم که حتی رقصندگان هم به سختی می‌توانستند آن را بشنوند.»

زمانی که بالاخره محدودیت‌ها در ایران به مراحل دشوارتر و غیرقابل تحمل‌تری

رسید، آکادمی باله جانبازیان هم از تهاجم مرتب نیروهای انقلابی مصون نماند و نهایتاً آنا جانبازیان در سال ۱۳۶۳ تصمیم به ترک ایران گرفت: «دوران وحشت آوری بود و من هیچ آینده‌ای برای کارهای هنری‌ام در ایران نمی‌دیدم.»

خانم جانبازیان مدت کوتاهی پس از مهاجرت به آمریکا بنیاد باله جانبازیان را در شهر گلندل پایه‌گذاری کرد. او همزمان در دانشگاه لس‌آنجلس به تحصیل مشغول شد و فوق‌لیسانس خود را در رشته طراحی رقص مدرن دریافت کرد. او در طول سال‌ها در فستیوال‌های مختلف و برنامه‌های فرهنگی گوناگون باله مدرن و رقص‌های محلی و فولکلوریک ایران و ارمنستان را به نسل تازه‌ای از ایرانیان و آرامنه‌مهاجر و تماشاگران غیر ایرانی معرفی کرده است.

امروز، بیش از هفتاد سال پس از تأسیس اولین هنرستان باله در ایران، آنا جانبازیان، راهی را که پدرش سرکیس جانبازیان سال‌ها پیش و علی‌رغم مشکلات موجود پیمود، در دیاری دیگر ادامه می‌دهد:

«آکادمی ما امروز هنوز هم بر اساس باله کلاسیک پایه‌ریزی شده و کار می‌کند. چرا که بعد از فراگیری صحیح باله هر نوع رقص دیگری را هم می‌توانید به آسانی یاد بگیرید. هدف دیگر ما، همان مقابله با طرز تلقی عموم از رقص است که در جامعه ایرانی هنوز هم به آن به عنوان یک سرگرمی و نه یک هنر نگاه می‌شود.»



خانم جانبازیان پنج سال بعد و پس از فارغ‌التحصیلی در رشته‌های باله و رقص‌های محلی صحنه‌ای به تهران بازگشت و به تدریس در هنرستان باله جانبازیان پرداخت:

«چندین سال طول کشید تا بالاخره توانستیم به آکادمی باله پدرم سر و صورتی بدهیم و آن را به وضعیت قبلی برگردانیم.»



# رقص را نماد نمایشی یک فرهنگ می‌دانم

شاهرخ مشکین قلم سال‌ها است در زمینه رقص، فعالیت می‌کند و در میان ایرانیان سراسر جهان محبوبیت بسیاری داشته است. او که ساکن شهر پاریس در کشور فرانسه است، از اعتبار قابل توجهی در تئاتر آن کشور نیز برخوردار است و نیز در مراکز متعددی در جهان اجراهای هنری درخشانی از تئاتر و رقص را روی سن برده است که تحسین همگان را برانگیخته.

در سال‌های اخیر مشکین قلم چه در جامعه ایرانیان برون مرز و چه برای مخاطبان غیر ایرانی نمادی از هنر و رقص ایران بوده است. دو اجرای تاثیرگذار او در سه سال گذشته یکی تئاتر موزیکال «زهره و منوچهر» و دیگری «عاشقانه‌های شاهنامه» - در همکاری مشترک با گردآفرید نخستین زن نقال ایرانی - او را به چهره ای مطرح در عرصه هنر نمایش و رقص در ایالات متحده آمریکا مبدل کرده است.

او در خصوص دلایل موفقیت خود معتقد است: «آنچه که سبب شده من به اینجا رسیده باشم این است که من گذشته خودم را نخواستهم فراموش کنم و فراموش هم نکرده‌ام.

تمام آن گذشته من این امکان را برای من فراهم کرد که بتوانم از آنها استفاده کنم. جایی مثل «کمدی فرانسز» که همه چیز در آن به صورت کلاسیک انجام می‌شده، از آنچه که تفاوت‌های من با دیگر هنرمندان فرانسوی هست، توانسته استفاده و بهره برداری کند.»

مشکین قلم زندگی هنری خود را به دو قسمت تقسیم کرده و می‌گوید: «زندگی هنری من را شاید بشود به دو دوره تقسیم کرد. دوره ی اول، دوره عشق غریزی من بود به رقص که از کودکی ام آغاز می‌شود. مادرم تعریف می‌کند که از همان ۳ یا ۴ سالگی می‌رقصیده‌ام و برایم مهم بوده که از اول تا آخر موسیقی را برقصم. همچنین اینکه تحمل کس دیگری در کنارم، وقتی می‌رقصیده‌ام برایم غیر ممکن بوده است. یعنی می‌خواستهم همه نگاه‌ها به سمت من باشد و همچنین می‌ترسیده‌ام که طرف مقابل حرکت من را خراب کند. به عبارت دیگر در صحنه تک رو بوده‌ام. البته بعدها در این روش تغییر دادم و خودم را به کار دسته جمعی صحنه ای عادت دادم. خلاصه اینکه هیچ دوره‌ای را در زندگی‌ام بخاطر نمی‌آورم که نرقصیده باشم. از طرف دیگر به خاطر علاقه شدید پدرم به موسیقی سنتی، با این موسیقی بزرگ شده‌ام. آنچه در این موسیقی برای من همیشه جالب بوده، نه خود موسیقی، بلکه بیشتر شعری بوده که همراه آن خوانده می‌شد. این کنجکاوی من برای اینکه متن آواز را بفهمم، کنجکاوی من را نسبت به ادبیات فارسی برانگیخت. بعد برای من جالب بود که حس خواننده چیست و چرا این حس بوجود می‌آید و بعد اینکه من در رقص چگونه می‌توانم این





## پرونده

های نمایشی گوناگونی را بر اساس ادبیات کلاسیک ایران ثبت کرده است که در آن میان اجرای نمایش‌های «خسرو و شیرین»، «هفت پیکر»، «سهراب و گردآفرید» و «زهره و منوچهر» درخششی چشمگیر دارد که اثر «زهره و منوچهر» با توجه به نگارش ادبی آن که پرداخته ذهن ایرج میرزا شاعر عصر مشروطه است و با نقش آفرینی شاهرخ مشکین قلم در نقش «زهره» علاوه بر کارگردانی آن از وجوه متمایزی در میان کارهای همتراز برخوردار است.

مشکین قلم درباره این اثر می‌گوید:

«صراحت کلام و شهادت ایرج میرزا در نگارش ستودنی است، به این دلیل که به نقد فرهنگ خودمان پرداخته است. ایرج میرزا با شهادت خود را مثال چالش‌ها و مشکلات فرهنگی می‌کند و برخلاف دیگر نویسندگانی که با طرح موضوع و مشکل، خود را مبری دانسته و از بیرون به معضلات می‌نگرند؛ او خود را در دل ماجرا و به عنوان دلیل به نقد می‌گذارد. در حقیقت ایرج میرزا خود را مثال جامعه خود می‌کند و با صراحت و در عین بهره‌گیری از سادگی گفتار و روانی نوشتار که در مقایسه با دیگر هم‌عصران او همچون ملک‌الشعراى بهار و غیره قابل توجه بوده و نقطه تمایز محسوب می‌شود به ارایه حقیقی مطلب می‌پردازد.»

روایت جاندار و اجرای خوب هنرپیشگان روی صحنه این سوال را در ذهن بیننده متبادر می‌کند که چه پایه‌ای می‌توانسته است این اثر را، تا این حد دراماتیک و نمایشی کند. مشکین قلم در این خصوص توضیح می‌دهد:

«اگر نگاهی به پیشینه این اثر ببینیم، این داستان از ابتدا بر اساس مفاهیم تئاتر شکل گرفته است. ماجرا از اسطوره‌های یونان آغاز می‌شود که تئاتر هنر پایه آنها محسوب می‌شده و بعدها شکسپیر که یک نمایشنامه‌نویس تواناست آنرا به صورت منظوم درآورده است. در حقیقت این اثر همچنان که از ابتدا برخاسته از فرهنگ نمایش پرور یونان باستان بوده در طول تاریخ هم، این قابلیت برای آن حفظ شده. ایرج میرزا نیز با معادل‌گذاری صحیح توانسته است یک روایت شرقی از این قصه ارایه کند که ما را به محیط خودمان باز می‌گرداند. زهره وقتی روی زمین است از کسوت افلاکیان خود را مبرا می‌کند و به زنی تبدیل می‌شود که چونان همه زنان جهان است و با اینکه خود الهه عشق و جلوه‌گری است، اما در دام عشق مردی گرفتار می‌آید. در حقیقت این ترکیب که آیا زهره یک الهه است یا یک انسان به درک صحیح‌تر ما از موضوع کمک می‌کند. در فرهنگ ایران متأسفانه این حق برای زنان در نظر گرفته نشده است که همانند مردان بتوانند در انتخاب یار و طلب عشق از تعادل جنسیتی برخوردار باشند. در حقیقت زهره نماد تلاش زن ایرانی برای کسب حقوق مساوی است. ایرج میرزا سعی داشته تا با نمایش افلاکی یک زن خاکی و یا به عبارتی نمایش خاکی یک الهه افلاکی، به نقد باور غلطی بپردازد که معتقد است اگر زنی عشوه‌گری کرد، طلب عشق و بوسه و جسم کرد، انگ روسپی‌گری و بدنامی به آن بچسباند.»

مشکین قلم که در پاریس پایتخت هنری اروپا اقامت دارد در سال‌های اخیر کوشیده است با ارائه‌ای متفاوت از هنر رقص و نمایش نماینده خیل کثیری از جوانان مستعد ایرانی در اقصی نقاط جهان باشد.

حس را منتقل کنم. من از همان موقع وقتی می‌رقصیدم، شدیداً حساس بودم که کسی دست نزنند یا سر و صدا نکند. چون ما در ایران فرهنگ "دست زدن" نداریم. تماشاگر خارج از دست می‌زند. وحشت من این بود که این خارج دست زدن، باعث بشود که من در ریتم خودم به اشتباه بیافتم.

دوره ی دوم، یعنی دوره آغاز جدی و حرفه‌ای از همان زمان آموزش و تحصیل در دانشگاه در رشته‌های تاریخ هنر و تئاتر بود که من توانستم رقص را در یک کادر قرار دهم و از حرکت به پیام یا صدا تبدیل کنم و از حالت رقص بودن صرف بیروم بیاورم. یادگیری تئاتر به من کمک کرد که همه این فرم‌ها به معنا تبدیل شوند. این مدرسه هنوز هم ادامه دارد و تا ابد هم ادامه خواهد داشت. خوشبختانه اسنادهای من در رشته تئاتر کسانی بودند که یک "اکتور" را بعنوان یک اکت می‌دیدند یعنی از حرکت او استفاده می‌کردند. یکی از شانس‌های من این بود که پس از تحصیل بلافاصله وارد یکی از بزرگترین و مهمترین جوامع تئاتری این قرن شدم، یعنی با کار آریان موشکین آشنا شدم. تمام فضایی که در ذهن من از کودکی شکل گرفته بود، در آنجا دیدم. آریان توانست تمام وجود من را کنترل کند و از آن لحظه بود که رقص من دگرگون شد. ما آنجا باید دوره‌های آموزشی رقص را هم می‌گذراندیم. آشنایی با فولکلور مثل رقص‌های نمایشی اندونزی "باریس" (Barris) و "توپنگ" (Topeng) و همچنین هند مثل "کتک" (Katak)، کاتاکالی (Katakali) و همچنین حرکت در تئاتر "نو" (No Theater) و کابوکی (Kabuki) از ژاپن را آموختم. تمام این‌ها حرکاتی بودند که روی یک داستان می‌گردند. ریشه تئاتر و رقص اما در حقیقت "کاتاکالی" است ...»

شاهرخ مشکین قلم تضاد فرهنگی با رقص را در جامعه ایرانی را ریشه‌دار دانسته و آنرا منبعث از برخی آموزه‌های هنر ستیز قلمداد کرده و تعریف شرایط سخت کار یک رقصنده مانند خود گفته‌است: «من در زندگی شخصی از همان کودکی همیشه مورد تهاجم دیگران بوده‌ام. مثلاً برادرانم یا جامعه شرقی مرا مسخره می‌کردند که مثلاً من "مرد" (به آن معنایی که آنها می‌فهمند) نیستم. ایرانیانی که با من برخورد شخصی داشته باشند یعنی قبل از اینکه مرا روی صحنه دیده باشند، نگاهی تحقیر آمیز به من دارند. مثلاً از من می‌پرسند: "کارتون چیه آقا شاهرخ". وقتی می‌گویم: "رقص". می‌گوید: "یعنی کار دیگه‌ای نمی‌کنی؟" یعنی در ذهنش کار من، کار پستی است یا در نظر او توانایی کار "مهمتری" را ندارم. یعنی این هم شد کار؟ اروپایی‌هایی که مرا در زندگی شخصی می‌بینند نگاهی متفاوت دارند و سریع حدس می‌زنند که یک آرتیست باشم. اما از نگاه یک ایرانی که کاری از من ندیده و اتفاقی با من برخورد می‌کند، با وجود اینکه لباس‌هایی که من می‌پوشم کاملاً ایرانی است، مثلاً ترکمنی است یا گیوه است یا لنگ است یا عباس، با من مثل یک موجود عجیب و غریب برخورد می‌کنند.»

با این حال شاهرخ مشکین قلم همچنان هنر رقص را یکی از مظاهر تعالی هنر و همگرایی دانسته و معتقد است می‌توان در بسیاری از زمینه‌ها ریشه‌های اصیل این هنر را جستجو کرد. شاهرخ مشکین قلم در کارنامه هنری خود طراحی و اجرای رقص

گفتگو با آرام بیات مدرس ایرانی رقص در کانادا و موسس گروه خورشید خانم:

# رقصان در امتداد جاده ابریشم

آرام بیات مدرس و پایه‌گذار گروه رقص خورشید خانم در کشور کانادا است که در سال‌های گذشته موفق به تربیت نسلی از رقصندگان حرفه‌ای در جامعه ایرانیان مهاجر شده است و البته در معرفی این هنر ارزنده ایرانی به جامعه جهانی تاثیر چشم‌گیری داشته است. او را به بهانه انتشار ویژه‌نامه هنر رقص ایران‌شهر و درست در هفته منتهی به روز جهانی هنر رقص (۲۹ آپریل) به گفتگو خواندیم که ماحصل آنرا در زیر مطالعه می‌کنید.

\* لطفا خود را معرفی کنید و سابقه فعالیت‌های تحصیلی، اجتماعی و هنری خود در ایران و کانادا بگویید.

\*\* با سلام و درود. آرام بیات هستم سرپرست و مسئول گروه رقص خورشید خانوم در مونترال کانادا. من رقص را در هنرستان رقص‌های ملی و محلی سازمان فولکلور ایران زیر نظر استادانی همچون رابرت دوارن آموختم. در زمانی که من وارد این هنرستان شدم موسیقی و نقاشی هم به آن اضافه شد و به دانشسرای هنر تغییر نام داد. این مدرسه زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر قبل از انقلاب کار می‌کرد. متأسفانه این هنرستان و کلیه موسسات آموزش رقص با انقلاب اسلامی تعطیل شد و رقص به عنوان هنر (رقص صحنه) که در ایران بسیار جوان بود از صحنه خارج شد.

بعد از اتمام هنرستان مدتی در ایران نبودم و بعد از بازگشتم به ایران با سمت معلم رقص در دبیرستان‌های تهران مشغول به کار شدم تا رقص‌های سنتی و محلی ایران را به نوجوانان و جوانان آموزش دهم. البته در همان زمان هم رقص‌هایی را که به هنرجویانم برای اجرا در جشن‌ها و مناسبت‌ها آموزش می‌دادم طراحی می‌کردم. این دوره کاری من بسیار کوتاه بود و با انقلاب اسلامی من به همراه مدیران موسوم به ساواکی و رستاخیزی کار خود را از دست دادم. در حقیقت با انقلاب اسلامی همه چیز تمام شد. در خارج از ایران برای آشنایی با سبک‌ها و روش‌های مختلف و بالا بردن آگاهی‌های تکنیکی در زمینه رقص دوره‌های متعددی را گذرانده‌ام. در یک سالی که در اسپانیا بودم مدرک تدریس فلامینکو را گرفتم، در مونترال جاز باله، تپ دنس، سوشال دنس و کلاس‌های کورآگرافی مدرن و همچنین دوره‌هایی برای مسائل تکنیکی و شناخت صحنه و... که در کنار این‌ها در کانادا، تحصیل در رشته عکاسی حرفه‌ای را هم تمام کرده‌ام.

\* دلیل تاسیس گروه خورشید خانوم چه بوده است و تا کنون چه اقداماتی در راستای اهداف این موسسه به انجام رسانده‌اید؟





وجود آمده و کلاس‌ها دیگر فقط برای بچه‌ها نیست و کلاس‌های جوانان و بزرگسالان هم داریم و غیر ایرانی‌ها هم در برخی کلاس‌ها شرکت می‌کنند.

### \* تاثیر فعالیت‌های هنری و فراگیری رقص در رشد کودکان و نوجوانان چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روحی چیست؟

\* آنچه از کاربرد هنر در ذهن اکثر ما هست، کاربری تفریحی و سرگرمی آن است و متأسفانه به موارد بسیار مهمی از جمله نقش تربیتی و آموزشی هنر کمتر توجه می‌شود. در مورد کودکان مهاجرین نقش هویتی هنر هم بسیار برجسته می‌باشد. آشنایی با هنر قدرت تخیل و تحلیل را در کودکان بالا می‌برد. در هنر همه چیز امکان‌پذیر است و بالاتر از همه، آفرینش زیبایی. آفرینش از راه تخیل و همانطور که می‌دانیم همه دستاوردهای علمی و هنری و انسانی بشر در ابتدا، رویا و تخیلی بیش نبوده.

رقص یعنی نظم و ترتیب و رقصنده کسی است که تمرین می‌کند و یاد می‌گیرد با نظم و ترتیب حرکت کند، و اثر مثبت این یادگیری در تمام عرصه‌های زندگی همیشه با رقصنده خواهد بود.

در رقص‌های گروهی کودکان احساس تعلق داشتن و امنیت با گروه بودن (دست در دست رقصیدن) را همراه با رعایت حقوق دیگران، توجه به دیگران و هماهنگ کردن خود با دیگران (با یک ریتم حرکت کردن) به

\* از همان اوایل بعد از انقلاب با روند اقدامات و موضع‌گیری‌های رژیم اسلامی در مورد هنر به ویژه هنر رقص و نقش زنان در جامعه می‌شد حدس زد که این مسیر به کجا ختم خواهد شد. ولی همیشه وقتی مصیبتی رخ می‌دهد زمان می‌خواهد تا انسان‌ها واقعیت را بپذیرند. شاید دلیلش اینست که از دست دادن امید سخت است.

به هر حال من زمانی که دریافتم که رقص نه تنها از صحنه نمایش و آموزش بلکه از ذهن نسل‌های بعد هم پاک خواهد شد و همچنین از امکان برپایی کلاس‌های آموزش رقص در ایران ناامید شدم، این فکر به ذهنم آمد که باید این کلاس‌ها را در جایی دیگر که امکانش باشد تشکیل داد. به هر حال شرایط روز به روز سخت‌تر می‌شد و من هم مثل بسیاری از ایرانی دیگر به این نتیجه رسیدم که باید ایران را ترک کنم.

تصویری که از زندگی در مکان جدید که نمی‌دانستم کجا خواهد بود، این بود که هر جا که بروم و در هر شرایطی باید آنچه را که بلدم به بچه‌های ایرانی یاد بدهم. این تنها راهی بود که برای فراموش نشدن رقص‌های ایرانی به عقلم می‌رسید و از دستم بر می‌آمد.

بالاخره در ماه می ۱۹۸۸ در مونترال ساکن شدم و در سپتامبر همان سال آموزش رقص ایرانی را برای بچه‌ها شروع کردم و تا به امروز این کلاس‌ها به کار خودش ادامه داده‌است. البته در طول این مدت تغییراتی هم به



برای بچه‌هایی که در خارج از ایران به دنیا آمده اند «دوگانگی فرهنگ خانه و جامعه» با پیچیدگی همراه است.

حتی کودکان نسل دوم و سوم هم با قسمتی از هویت ایرانی خود شناخته می‌شوند. انسان همچنین احتیاج دارد به هویت خود افتخار کند. اینجاست که فرهنگ و هنر به کمک ما می‌آید. به باور من رقص هر ملتی بهترین وسیله برای شناخت آن مردم است. رقص هم در فرم هنری و هم آئینی آن تصویری است از هویت یک ملت. مجموعه‌ای از موزیک، لباس، حرکت، آرایش، ریتم، حالت صورت، تاریخ، اسطوره و خیلی عوامل دیگر را می‌توان در یک رقص دید که هر یک از آن گوشه‌ای از هویت یک ملت است و باز به باور من رقص‌های ایرانی آنچنان زیبایی غنی و گوناگون و یگانه است که می‌تواند نمونه افتخار آفرینی از فرهنگ و هویت ملی ما باشد. کودک و نوجوان ایرانی با ارائه آن می‌تواند به هویت ایرانی خود افتخار کند، به همین دلیل است که جمهوری اسلامی از همان ابتدا رقص را ممنوع می‌کند و به همین دلیل است که ما وظیفه داریم رقص ایرانی را با آموزش به نسل آینده حفظ کنیم.

**\* از برنامه‌های آینده و دستاوردهای پیشین گروه خورشید خانوم برای خوانندگان ایرانشهر گزارش مبسوطی ارایه نمایید؟**

گروه رقص خورشید خانوم از رقصندگانی که در کلاس‌های خورشید خانوم آموزش دیده‌اند تشکیل شده است و همراه با آموزش، نمایش‌های رقصی را در کانادا، آمریکا و اروپا بر روی صحنه برده است. این رقص‌ها دو گروه هستند. رقص‌هایی که ما با عنوان نماینده گروه رقص ایرانی

خیلی مسائل دیگر را تجربه می‌کند. بر روی صحنه رفتن و اجرای رقص در مقابل تماشاچیان به کودکان و نوجوانان اعتماد به نفسی را می‌دهد که در شکل‌گیری شخصیت آنها بسیار موثر می‌باشد.

در هنر رقص، وسیله هنرمند بدنش است. در واقع یکی از مهمترین کارهایی که رقصنده انجام می‌دهد ساختن این وسیله و حفظ آن با تمرینات پیوسته و ویژه می‌باشد. می‌شود گفت رقصنده ورزشکاری هنرمند است. یا به عکس. در تمرینات رقص، جسم و جان توامان کار می‌کند و به آرامش و شادی می‌رسند. نقش رقص در تکامل و کمک به رشد طبیعی و سلامتی کودکان و نوجوانان هر روز بیشتر شناخته شده و توصیه می‌شود. در واقع تا بی‌نهایت می‌توان از مزایای رقصیدن در رشد جسمی و روانی کودکان و نوجوانان و تأثیرات مثبت آن در زندگی اجتماعی و فردی آنها در آینده گفت.

**\* آشنایی با رقص تا چه اندازه حافظ هویت و فرهنگ ملی کودکان ایرانی تبار در کشورهای آمریکای شمالی و اروپا است؟**

**\*\* اریکسون روان‌شناس معروف قرن حاضر می‌گوید: «هویتی که نوجوان می‌خواهد به روشنی با آن مواجه شود این است که او کیست؟» انسان احتیاج دارد که خود را بشناسد و شناسانده شود. سرزمین، نژاد، زبان، فرهنگ و هنر و آداب و رسوم بخشی از هویت ماست.**

نقش هویت در سلامت روانی کودکان و نوجوانانی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند با وجود دوگانگی فرهنگی به ویژه با تضادی که در فرهنگ این دوره خاص در تاریخ ایران و دنیای غرب وجود دارد، حتی



ایران و همه خوبی‌ها، روشنایی، گرما، وفار، در دور دست و نزدیک، فراگیر و بخشنده بوده است. خورشید در فرهنگ غرب مرد است ولی در باور ایرانیان زن است و به درستی هم زن است. زیرا خورشید به زمین زندگی و به زندگی گرما می‌بخشد.

در کنار همه اینها من به دنبال اسمی بودم که بار سیاسی نداشته باشد. اگرچه به باور من همه انسان‌ها سیاسی هستند و هر عمل و حرکتی که ما انجام می‌دهیم و یا حرفی که می‌زنیم نهایتاً در جایی به نفع گروهی یا ایده‌ای و به ضرر دیگری است. من هم باورهای خودم را دارم. ولی می‌خواستم که این گروه رقص برای همه باشد اسمی که هر کس با هر باوری بتواند آنرا خودی بداند. همانطور که رقص ایرانی متعلق به همه ایرانیان است با هر باوری. متأسفانه اسم‌ها هم بعد از انقلاب از این آسیب در امان نماند و هر یک بار سیاسی ویژه‌ای به خود گرفت.

در پایان از مجله ایرانشهر بسیار سپاسگزارم که این گفتگو را درباره هنر رقص انجام دادند و در ایام روز جهانی رقص (۲۹ آوریل) این روز را به همه دوست داران رقص به ویژه رقص ایرانی تبریک می‌گویم و درود بر همه کسانی که در یادگیری و اجرای رقص ایرانی در راه زنده نگاه داشتن این هنر یگانه که در خانه خود مورد بی‌مهری فراوان است زحمت کشیدند و خوب است یادی کنیم از آنهایی که دیگر در بین ما نیستند. کسانی که هنر رقص حرفه شان بود در زمان انقلاب و سال‌های بعد از آن بسیار لطمه دیدند. چون این کار با جانشان عجین بود و هست و متأسفانه بعضی از دوستان نتوانستند اینهمه بی‌مهری را تحمل کنند و خیلی زود از میان ما رفتند.

در فستیوال‌ها و جشن‌ها انجام می‌دهیم که در این برنامه‌ها چون هدف معرفی رقص ایرانی به تماشاچی کانادایی و ایرانی می‌باشد سعی می‌کنیم رقص‌های سنتی و محلی ایران را با کورآگرافی‌های به روز شده به نمایش بگذاریم. گروه دوم رقص‌های بلندی است که معمولاً داستان دارد و یا موضوعی را مطرح می‌کند و آنرا مستقلاً انجام می‌دهیم. در این رقص‌ها فرم کلی رقص معاصر می‌باشد با هویت ایرانی و قدم‌ها و حرکات بر پایه قدم‌ها و حرکات رقص ایرانی بنا به ضرورت داستان به روز شده و گاهی هم از حرکات رقص‌های دیگر برای درک بهتر داستان استفاده شده است. در رقص‌های داستانی در مواردی از رقصندگان و نوازندگان مهمان هم دعوت می‌کنیم.

سوژه طراحی‌های من اکثراً مسائل اجتماعی، انسانی و هویت، به ویژه در خصوص زنان می‌باشد.

از رقص‌های بلندی که در این سالها طراحی کرده‌ام که اجراهای متعددی در آمریکا و اروپا داشته‌اند، می‌توانم به این موارد اشاره کنم:

پرواز ۱۹۹۱، قصه مارال ۱۹۹۸، رویای ترمه آبی ۱۹۹۹، از عشق صلح و شادی ۲۰۰۲، سنگ، خاکستر و حسرت ۲۰۰۵، بی‌بی باف ۲۰۰۷ و رقص در امتداد جاده ابریشم ۲۰۱۱.

**\* دلیل انتخاب نام خورشید خانوم برای این گروه و موسسه آموزشی شما چه بوده است؟**

**\*\*تصویر خورشید با صورت گرد و مهربان زنی زیبا با چشم‌های درشت و ابروان پیوسته و تاجی بر سر از دوران کودکی برای من سنبل**

# فولکلور بر طاقچه، رقص هم‌رویش!

فرید عباسی



وقتی سخن از فولکلور به میان می‌آید؛ وقتی جایی حرفی از سنت‌های آیینی زده می‌شود؛ وقتی کسی جایی از رسومات گذشته سخن می‌گوید؛ و یا وقتی کلماتی از قبیل روستا، مراسم سنتی، هنر بومی-محلی و از این قبیل چیزها می‌شنویم، خواه‌ناخواه پارچه‌های رنگی و زنان خنده رویی که لباسهایی با همین پارچه‌ها بر تن دارند، و یا شیشه‌های رنگی ابنیه تاریخی - بامشقت - حفظ شده، و یا بوی فتیری که پیرزنی روستایی بر زمین نشسته و در حال پختش است، و یا دم‌نوش‌های کوهی تازه چیده شده از دل طبیعت، و یا آلاچیق‌های رنگارنگ اما مستحکم عشایر همیشه در سفر، و یا صدای سرنا و دهل دو نوازنده سیه چرده - که در تعامل با خورشید صحرا خود دانسته‌اند که سیاهند -، و یا جماعتی ناآگاه از هرگونه سیستم آکادمیک موجود برای «رقص» که در حال بالا و پایین پریدن با همان پارچه‌های رنگین هستند و هیچ از مفصل و ستون فقرات و... نمی‌دانند؛ اما خوشحالند، و یا قصه‌های مادربرزگان پیر و فرتوت و شاید هم لالایی‌های شان به ذهن مخاطب متبادر شود. آنچه که نگارنده از آن در رنج است و سعی در سهیم کردن خواننده خود در آن دارد، دقیقاً همین «تبادر» است. «تبادر و دیگر هیچ». تمام اتفاقی که می‌افتد لحظه‌ای درنگ مخاطب آن رنگ‌ها و بوهاست؛ لحظه‌ای درنگ با تجسمی از آنچه که «گویا» بوده‌ایم و تبسمی از سر روشنفکری علاقه‌مند نمایانه در بازگشت به اصالت‌ها... اما... جنس جرج آرمانی - به احتمال زیاد تقلبی - بر تن و اصرار به دیده شدن این نام بر روی خود؛ چه اورجینال باشد چه تقلبی، مهم نیست؛ جرج آرمانی باشد... کوفت باشد. و سهم آن همه رنگ و بو و رقص و ساز، تنها تبسمی است از بالا به پائین که این آرمانی پوش، نثار گذشته خود می‌کند.

دارندگان و پوشندگان همین رنگ‌ها و بوها و رقص‌ها، دهاتی، نفهم، مسخره، امل، عقب مانده، بی فرهنگ، بدبو و - در ادبیات مثبت تر- ساده لوح انگاشته می‌شدند؟! مگر نه اینکه قهرمان همان کسی بود که با صدای دورگه، زبان استاندارد رسمی پایتخت را قرقره می‌کرد و همیشه شیک پوش بود و زکی و دانا؛ فهمیده بود و تمیز؛ با فرهنگ بود و تودل برو؛ و مگر غیر از این بود که همیشه زیردستانی هم بودند جلیقه بر تن و نم‌به سر و کم فهم و بی فرهنگ و خنده

مضحک آنکه همین تبسم در نوع خود انقلابیست بس شگرف. مگر چند تن از این آرمانی پوشان حاضرند همین تبسم (بخوانید اندکی توجه) را خرج گذشته و امتداد خود از آن دوران تا کنون کنند؟! مگر نه اینکه تا همین چندی پیش و به برکت پدیده‌ای بنام وسائل ارتباط جمعی و ورود آن به کشور گل و بلبل ایران، برخورد



به خورد مردم عزیز کشور همیشه گل و بلبل ایران داده است. و نظر به اینکه انسان اساسا کمال گرا خلق شده است، در طبیعت گشت می‌زند و هر آنچه که «خوب» است را برای خود بر می‌دارد. حال خود را بگذارید به جای این «مردم عزیز ایران همیشه گل و بلبل». کدام نقش را که رسانه برایتان تصویر می‌کند، انتخاب خواهید کرد؟ آن قهرمان بی ریشه که معلوم نیست از کجای تاریخ ما سروکله اش پیدا شده و اساسا همه چیزش رنگ و بوی جرج آرمانی می‌دهد اما به روایت رسانه اوست که «استاندارد» است؟ یا آن نمده به سر جلیقه پوش بازمزه (بخوانید مسخره) را؟ اگر کسی نمده به سر را انتخاب می‌کند یا دیوانه است یا بیش از حد آگاه و مطلع (به دلیل منابع متنوع اطلاعاتی که از آنها تغذیه می‌کند) که در هر دو صورت این بحث را باید خاتمه دهیم چون نیازی نیست. اما اگر بگویید که آن آقا و خانم استاندارد آرمانی پوش را انتخاب می‌کنید، آنجاست که بحثمان

دار؟ زیردستانی که مسلط نبودند بر استانداردهای گویشی پایتخت و مثل گوینده‌های اخبار نمی‌توانستند در مواقع مقتضی اتو کشیده حرف بزنند. همیشه تبسمی از سر ذلالت بر گوشه لب دارند و منتظر آن که شیک پوش و فهمیده و در کل سوپرمنی (هرچند کاغذی) از جنس همان‌ها که رسانه هر روز به ما معرفی می‌کند، وارد شرکت شود و جلوس فرماید تا بدو با کمری دوتا شده یا چایی جلوش بگذارند، یا دری برایش بگشایند؛ باشد که به درگاه آن بزرگان و شیک پوشان مقبول افتد!

اینکه چنین تفکیک و چنین دسته بندی ای در حقیقت جامعه بوده یا خواهد بود، اساسا از حیث انتفاع بحث نگارنده خارج است. اما آنچه که مسلم است سازمان‌هایی تحت عناوین صدا و سیما و فرهنگ و ارشاد و یا فرهنگ و معارف و غیره بوده و هست که تا جایی که جا داشته باشد چنین گفتمان‌هایی را از سال‌های بسیار دور تاکنون



داریم و بدانیم که با ارزش است، ترجیح می‌دهیم ابتدا غریزه اش بکنیم تا بتوانیم با طیب خاطر مصرفش نماییم. تنها به ذکر چند نمونه کفایت می‌کنم.

تجسم کنید عطاری‌های از رونق افتاده و کهنه را که مطمئناً از بوتیک‌ها و فست فودها بی‌نام و نشان ترند اما همین صنف عطاری ایرانی بزرگترین تامین کننده مواد اولیه داروهای طبی آلمانی است که گاه برای یافتن آن داروها به خیلی‌ها رو بیاندازیم. این‌ها همان دم‌نوش‌های خودمان است که در روزمره‌مان جایی ندارند اما کفایت دست آن آلمانی بور چشم آبی لمسش کند، می‌شود در و گهر و یکی از کالاهای لوکس بالا شهر.

و یا به ذهن بیاورید آن پارچه‌های گل گلی تشک و لحاف و ملحفه مادر بزرگ‌هایمان را. همانها که دیگر به دکوراسیون خانه‌های امروزمان نمی‌خورد و مدرن نیست. همان‌هایی که گه‌گاه چون بوی پشم گوسفند می‌دهد، دیگر کثیف قلمدادش می‌کنیم (حال آنکه پارچه را چه دخلی است به پشم درون تشک!). حال بیابید کمی معجون غرب بر آن بیافزاییم. می‌شود کالکشن سال گذشته هر مس فرانسه تحت عنوان «تبریز». یعنی همان کالکشنی که طراح این برند با استفاده از همان پارچه‌های گل گلی مادر بزرگ تبریزی مان طراحی کرد. مانکن‌هایی که با فخر و وقار، پارچه‌های مادر بزرگم را بر تن می‌کنند و دلربایانه قدم بر می‌دارند. حالا دیگر آن گل‌گلی‌ها قدر و منزلت خود را یافته‌اند چرا که آن دلربایان آبی چشم برتشان کردند. بگذارید یک مثال شرقی-غربی عجیب‌تر هم بزنم. شاید بگویید

را می‌توان پی گرفت.

حال با فرض دوم بازگردیم به داستان تبسم آن آلمانی پوش. به احتمال زیاد حالا دیگر می‌توانید بپذیرید که تبسم آن آلمانی پوش به آن رنگ‌ها و بوها و بالا‌پایین پریدن‌های «ارگانیک» و در یک کلام، تبسم به آن «گذشته نمادین خود»، انقلابی بس شگرف است؛ چراکه با وجود سم آلمانی در تن توانسته اندکی - ولو چند میلی‌متر - سر از بمباردمان اطلاعاتی محیط برآورد و با آنکه اثرات آن بمباردمان را به جد در زندگی خویش یدک می‌کشد، حظی ولو نسبی از روبرو شدن با «گذشته نمادین خود» در درون خود به حس بنشیند.

بگذارید کمی شفاف‌تر و ملموس‌تر بگویم. چرا امروزمان در امتداد دیروزمان نیست؟ چرا دیگر نانی به نام فتیر برایمان پخت نمی‌شود؟ نان فانتزی و باگت چرا و چگونه توانست گوی سبقت از دست‌پخت مادر بزرگان برآید؟ چرا نتوانستیم «به موسیقی غرب گوش کنیم اما به موسیقی خودمان بیاندیشیم»؟ چرا موسیقی غرب - چه قوی، چه ضعیف - شد همه چیزمان در موسیقی؟ چرا لباس‌های مفرحمان را دادیم و سیاه سفیدهای غرب را بر تن کردیم و با هم به رقابت در آن بر تن کردن‌ها پرداختیم؟ چه شد که آنقدر نرقصیدیم آن رقص راجی را که آخرین رقصنده‌اش هم از میانمان رخت حیات بریست و دیگر حتی نمی‌دانیم چه بوده و که بوده؟ اما به جایش فدراسیون هیپ هاپ در امروز ایران داریم؟! چه شد آن همه تدبیر در مورد دیپلماسی فرهنگی (بخوانید شبیخون فرهنگی) دوستان مقامدار؟ جالب آنجاست که اگر چیزی هم داشته باشیم و بدانیم که





تصویر کاریکاتوریزه و مضحکی که ترسیم شد، دقیقاً همین قدر مضحک است. آیا زمان آن نرسیده که این «گذشته» را از طاقچه‌های خانه‌هایمان پایین آورده و فوتی کرده و در زندگی روزمره خود به کار گیریم؟ آیا زمان آن نرسیده که توت فرنگی‌های گنده و بی‌مزه را به کناری نهاده و از خیر زیبایی‌های بدرد نخور بگذریم و باز به همان میوه‌های کرم خورده خودمان بازگردیم؟ البته برای آنهایی که همچنان آرمانی پوشند، مژده‌ای هم در این اثنا باید بدهم و آن اینکه «هم اینک در غرب بهای همین میوه‌های کرم خورده چندین برابر آن کرم نخورده هاست... پس با طیب خاطر بشتابید که حادثه «ارگانیک» در راستای فلسفه آرمانی قرار گرفته». آیا زمان آن نیست که دم نوش‌های عجیب و غریب و مرموز عطاری‌ها را جایگزین چای دارچیلینگ انگلیس کنیم؟ و آیا زمان آن نرسیده که در مراسمات خاص خود درصد بیشتری از زمان موسیقی فرهنگ‌های بومی تر – و نه استاندارد مورد تایید مرکز نشینان – اندکی بیشتر کنیم؟ باشد که کودکی ۵ ساله و از دنیا بی‌خبر با گوش فرا دادن به اصوات نامفهوم آن سازها، برای ناخودآگاه خود اغذیه‌ای به منظور مصرف در سال‌های آتی زندگی‌اش فراهم آورده باشیم؛ باشد که مجبور نباشیم پیر شویم تا پی به توخالی بودن آن بمباردمان «استانداردها» ببریم؛ امید من اما، به همان تبسم آن جرج آرمانی پوش دهه هفتادی و هشتادی است که نفوذ استانداردها در بهترین حالت خود نتوانسته کار را یکسره کند. ببین! او به گذشته کم‌رنگ خود می‌نگرد و هنوز «تبسمی» بر لب دارد ...

خوب این چیزها هر روز جلو چشممان است و نمی‌توانیم بصورت مستقل به این داشته‌های غنی خود بنگریم و شروع به استفاده از آنها در روزمرگی‌هایمان بکنیم. در اینجا است که مثال خوب یوگا را می‌توان برشمرد. یوگا از آن دنیای شرق است ولی روایتها در مورد زادگاه دقیقش متفاوت می‌باشد. اما آنچه که قطعی است آنست که یوگا پدیده‌ای شرقی است نه غربی. حال تصور کنید ما ایرانی‌ها چرا از طریق هندوستان که چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ فرهنگی بسیار نزدیکتر است به ما، با آن آشنا نشدیم و منتظر ماندیم تا غرب به فیوضات آن نائل آید و «استاندارد جهانی» برایش صادر کند سپس ما نیز صرافت بهره‌برداری از آن به عنوان کالایی لوکس بیافتیم؟ آیا باید منتظر آن هم باشیم که روزی فرارسد و ذره بین کاشف غرب، فرهنگ «شمن‌ها»ی قفقاز را نیز به زیر خود بکشد و در پی آن به رسومات معنادار و شفابخش آن پی برده و بدان روی آورد و در نهایت توجهش به رقص‌های آذربایجانی و قفقازی جلب گردد و در نتیجه روزی از روزها دکتر کریستین مک فلان اعلام کند که «رقص‌های مناطق قفقاز چیزی فراتر از رقص است و ای مردم غرب که از هیچ چیز طبیعت برای بهبود «خود» تان غفلت نمی‌کنید! بشتابید بشتابید...»؛ و تازه آن موقع است که «ما» به چیزی که همین نزدیکی‌ها بود و از آن بی‌اطلاع بودیم واقف می‌گردیم و طبق معمول در بالاشهرهای کشور «همیشه گل و بلبل و مهد تمدن و خیلی چیزهای دیگر» ایران زمین به قیمت‌های گزاف شروع به انجام می‌شویم.



# مقدمه‌ای بر رقص

## تعریف رقص

در گذر تاریخ و در ادبیات فرهنگ‌های گوناگون، معانی مختلفی به رقص داده شده است و مولفان، هر کدام به فراخور نیت و دانش خود، تعریفی متفاوت از رقص ارائه نموده‌اند. برای ایجاد وحدت رویه و حصول درکی یکدست از نوشتار پیش رو، به نظر می‌رسد بهتر است ابتدا به تعریف رقص پرداخته شود. برای نیل به این هدف و ایجاد زبانی یگانه به بررسی رقص بر اساس الگوی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی پرداخته می‌شود:

**تعریف زیستی رقص:** رقص شامل مجموعه‌ای از حرکات بدنی است که هدف خاصی را دنبال می‌کند.

**تعریف روانشناختی رقص:** رقص شامل مجموعه رفتارهای هدفمند برای بیان غیر کلامی ماجراها، رخدادها، هیجانات و احساسات است. رقص در تعادل یابی روانی به انسان کمک می‌کند و حتی یک راهکار درمانی برای برخی از مسائل شناخته شده است.

**تعریف اجتماعی رقص:** رقص مجموعه کنش‌های هدفمند به قصد برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم و مضامین است که به واسطه اجرا جاری می‌شود. همچنین رقص به عنوان وظیفه و کنشی اجتماعی در جوامع محسوب شده و بخشی از آیین‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

**تعریف معنوی رقص:** به عنوان مجموعه فعالیت‌های آیینی حول پرستش، نیایش، نذر، استغفار و ... می‌باشد. در بسیاری از فرهنگ‌ها بخش اعظم روابط افراد با منبع هستی به واسطه ی رقص انجام می‌گیرد.



## اهداف و کاربردهای رقص

رقص در زندگی روزمره بشری، در ابعاد چهارگانه اشاره شده نقش بسزا دارد.

**دیدگاه زیستی:** با توجه به گسترش لحظه به لحظه مرزهای آگاهی و دانش بشر، روش‌های پیشگیری و درمان در علم پزشکی نیز رو به رشدند و توجه به فعالیت بدنی به عنوان راهکار اصلی پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها و ایجاد سلامت عمومی و کاهش سطح ناتوانی محسوب می‌شوند. این شاخه از دانش پزشکی امروزه تحت عنوان طب جسمانی و طب پیشگیرانه شناخته شده و نمونه‌های محسوس آن را می‌توان در تبلیغات رسانه‌ای در مورد تغییر بهینه در سبک زندگی مشاهده کرد. در جامعه فراصنعتی امروزین، توجه به فعالیت جسمانی مداوم و روزانه (ورزش) به عنوان سودمندترین راه پیشگیری از بیماری‌ها و مشکلات جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی در نظر گرفته می‌شود.

رقص، به عنوان یکی از ابتدایی‌ترین روش‌های ارتباط بشر شناخته می‌شود. این جنب و جوش که علاوه بر تأثیرات حرکات بدنی، از دیدگاه زیبایی‌شناختی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد، بر روح و روان انسان تأثیری ژرف می‌گذارد و رقص می‌تواند در یک محیط اجرایی، به صورت روحانی یا اجتماعی اجرا شود. واژه رقص همچنین برای نشان دادن جنبش‌های موزون و ترازمند جانداران و اشیاء دیگر نیز به کار می‌رود؛ همچون رقص برگ‌ها، رقص جفت‌گیری در جانوران یا رقص باد و...

در ارزشمندی رقص همین بس که رقص یکی از هنرهای هفتگانه محسوب می‌شود. این هنر شامل حرکاتی موزون برای سنجش و تبادل پیام است که باعث ادراک، ارتباط و تجربه می‌شود. رقص را می‌توان یک روش یادگیری دانست که توسعه توانایی‌های ارتباطی، تکنیک‌های حل مسئله و مهارت‌های تفکر خلاق و انتقادی را همراه با توانایی‌های حرکتی فراهم می‌کند. در هسته اصلی رقص، هدف، تعامل و ابراز هیجان‌ها و حالاتی درونی است که معمولاً به صورتی دیگر، توان بیان و یا ابراز آنها وجود ندارد.





اکسیژن راحت تر و سریعتر به مغز می‌رسد. همچنین یادگیری حرکات مختلف و گام‌های دشوار رقص، باعث می‌شود ذهن نیز به تکاپو بیفتد. محققین دریافته‌اند که رقص از بروز بیماری آلزایمر و جنون جلوگیری می‌کند. نه تنها زوال مغز را کندتر می‌کند، بلکه قدرت مغز را نیز افزایش می‌دهد. تجربه نشان داده است که گوش دادن به موسیقی حین رقص، این توانایی را چند برابر می‌کند. به عنوان نمونه:

- \* افزایش توان حافظه بلند مدت و کوتاه مدت
- \* افزایش تمرکز
- \* افزایش و بهبود توجه
- \* افزایش و بهبود ساز و کارهای ادراکی
- \* افزایش آرامش
- \* پیشگیری از افسردگی و نیز کاهش سطح آن در مبتلایان
- \* افزایش ظرفیت و توان یادگیری
- \* افزایش هیجانانگیز مثبت شامل شادی، سرگرمی، لذت، علاقمندی
- \* افزایش میزان ارتباط بین دو نیمکره مغز و در نتیجه افزایش بازده ظرفیت کارکردهای اجرایی مغزی

**دیدگاه اجتماعی:** یکی دیگر از فواید عالی رقص، در مورد زندگی اجتماعی است. در عین حال که رقصیدن در تنهایی، خود بالذات، فواید زیادی دارد، اما رقص گروهی (دو و یا چند نفره) نیز در نوع خود، دارای

بر این اساس، توصیه مداوم متخصصان سلامت این است که اگر سبک زندگی شامل تمرینات بدنی باشد، فواید چشمگیری در بهبود کیفیت زندگی، افزایش رضایتمندی و کاهش بیماری‌ها و مشکلات به همراه خواهد داشت. یک برنامه مناسب و مداوم ورزشی (شامل حداقل ۵ وعده در هفته) سلامت انسان را تضمین نموده و خطر بسیاری از بیماری‌های متداول قلبی و عروقی و نیز زوال عقل را کاهش می‌دهد. در اینجا به چند مورد از فواید بدنی و زیستی رقص اشاره می‌شود:

- \* تاثیر مثبت بر دستگاه گردش خون
- \* تاثیر مثبت بر دستگاه عصبی
- \* تاثیر مثبت بر طول عمر
- \* تاثیر مثبت حرکات بدنی بر کاهش خطر ابتلا به سرطان و نیز افزایش شانس و سرعت درمان
- \* تاثیر مثبت حرکات بدنی بر اکسیژن رسانی
- \* تاثیر مثبت بر تناسب اندام
- \* تاثیر مثبت بر افزایش قدرت عضلانی
- \* جلوگیری از پوکی استخوان

و ...

**دیدگاه روانی:** رقص به عنوان فعالیت حرکتی پیچیده‌ای که مستلزم هماهنگی کامل اندام‌های مختلف بدن است، مغز را نیز همانند جسم، فعال نگاه می‌دارد. رقص، گردش خون را افزایش می‌دهد و به این ترتیب

## پرونده



تأثیرات مضاعفی می‌باشد؛ به عنوان نمونه:

- \* تمرین کار گروهی
- \* بهبود روابط اجتماعی
- \* افزایش مهارت‌های اجتماعی
- \* کاهش اضطراب و هراس اجتماعی
- \* کاهش کم‌رویی
- \* بهبود مهارت‌های ابراز وجود
- \* برون فکنی احساسات
- \* حریم شناسی
- \* بالا رفتن اعتماد به نفس
- \* ارتباط بهتر با اطرافیان
- \* افزایش ارتباط و همبستگی با محیط و اجتماع پیرامونی

نشان می‌دهد که رقصنده برای رسیدن به اوج عملکرد خود با ترکیب فرآیندهای فکری و شناختی مغز و با استفاده از حافظه ی عضلانی در مخچه و حسی عمیق، حرکات را انجام می‌دهد.

### بدن:

هنر رقص در بدن هنرمند جای می‌گیرد. رقص هنری است که بدون نیاز به قلم یا قلمو، بدون نیاز به ساز یا ابزای بیرون از انسان شکل می‌گیرد. بدن به عنوان ابزار برون فکنی رقص از بدو تولد و در واقع پیش از آن همراه انسان است.

بدن متحرک که قابل دیدن است، احساسی است که رقص نمایش می‌دهد؛ مجرای است بین قلمرو داخلی نیات، ایده ها، احساسات، هویت و قلمرو بیرونی بیان و ارتباط. بدن رقصنده بین این دو قلمرو جاری میشود تا ارتباط آن دو را ناگسستگی کند.

### حرکت یا کنش:

حرکات می‌توانند علاوه بر تغییر مکانی اعضای بدن، شامل نقش پذیری نیز باشند. شخصی که می‌رقصد می‌تواند از کنش های ی که قبلا تولید شده استفاده کند یا به برون فکنی درونش پرداخته، حرکتی نو تولید نماید. رقص، تشکیل شده است از جریان حرکت و مکث، بنابراین رقص نه تنها مراحل و توالی حرکات است، بلکه به مکث و لحظه های سکون نسبی نیز اشاره دارد. حرکت، سفری است در فضای گسترده ی جنبش (در مقابل حرکت محوری است) که در یک نقطه رخ می‌دهد.

### فضا:

رقصنده به وسیله راه‌های بی شمار با فضا تعامل دارد. ممکن است در یک مکان بماند و قسمت‌هایی از بدن خود و یا تمام بدن خود را حرکت دهد و یا ممکن است آنها را از یک مکان به مکان دیگر سفر دهد. ممکن است جهت، سطح، اندازه، و مسیر حرکت خود را تغییر دهد. رقص ممکن است توجه خود را به سمت خارج، به فضای تمرکز و یا از درون سمت به خود حرکت دهد. ممکن است این یک خط کاملا مستقیم نسبت به یک یا چند نقطه در فضا و یا نامحدود و مدور باشد.

**دیدگاه معنوی:** در فرهنگ‌هایی که رقص به عنوان آیین محسوب می‌شود، رقص‌ها، آداب عبادت بوده و کسی که می‌رقصد درجات بالایی از معنویت را تجربه می‌کند. دعا می‌کند و یا نذر رقصی خاص می‌کند. این افراد بیشتر به اخلاقیات پایبند هستند، چرا که چهارچوب‌های معنوی را در سطحی بالاتر می‌شناسند؛ به عنوان مثال توجه کنید به رقص چائو در هند و ...

### عناصر رقص

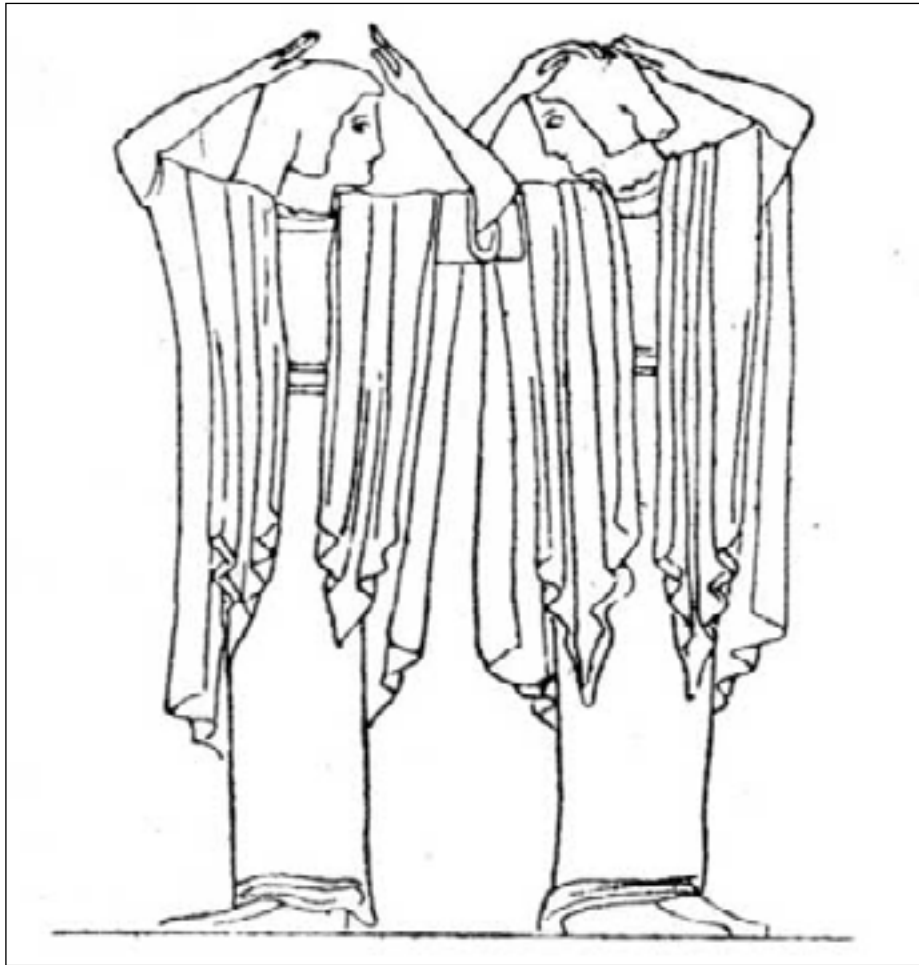
رقص گنجایش وسیعی دارد. باید با توجه به نوع رقص، عناصر و واژگان بنیادی مانند لغات، مهارت‌ها و تکنیک‌ها درک شوند تا بتوان به عنوان مهارت هنری به رقص نگاه کرد. همه این المان‌ها در یک عبارت جنبشی کوتاه به طور همزمان در زمان اکنون هنر رقص را می‌آفریند. بعضی از این عناصر عبارتند از:

### ذهن:

رقص باعث بهبود عملکرد همه سطوح مغز می‌شود. مطالعات اخیر



## پرونده



همچنین رقص ممکن است در یک گوشه و یا در یک دایره باز بزرگ یا کل محیط اطراف انجام شود.

### زمان:

واژه کلیدی در مورد زمان «کی» می‌باشد. به طور طبیعی انسان بر اساس یک ریتم فعالیت می‌کند، استراحت می‌کند. تنفس یک مثال طبیعی است. موج‌ها مثالی دیگر. کلمه در گفتگو ریتم و دینامیک خاصی دارد، اما الگوهای شخصی کلام متفاوت و غیر قابل پیش بینی است. در رقص نیز از ریتم های متفاوتی استفاده می‌شود که گاه تکرارپذیرند. گاهی کند هستند و گاهی سریع؛ درست مثل لهجه‌های متفاوت در صحبت.

### انرژی:

انرژی از چگونگی می‌گوید. به نیروی حرکت اشاره دارد. ترکیب هر دو انرژی بدن و روان است. شامل متغیرهای جریان حرکت، نیرو، تنش، وزن و هر آنچه بدن و روان را همزمان درگیر می‌کند. سطح انرژی ممکن است در هر لحظه تغییر کند، ترکیب یا گسسته شود.

### بعضی کاربردهای رقص

یکی از بدوی‌ترین کاربردهای سازمان‌یافته رقص در بازگویی نمایشی داستان‌های اساطیری بوده است. در واقع قبل از معرفی زبان‌های نوشتاری، رقص یکی از روش‌های اصلی انتقال این داستان‌ها از نسلی به نسل دیگر بوده است.

یک کاربرد اولیه دیگر رقص، استفاده از آن در آداب شفا دهنده بوده است. هنوز هم در فرهنگ مردم جنگل‌های بارانی برزیل و صحرای کالاهاری برای این کار از رقص استفاده می‌شود. رقص درمانی، که همچنین آن را حرکت یا جنبش درمانی نیز می‌نامند، کاربرد روان‌درمانی حرکت و جنبش بعنوان فرایندی برای ترکیب و یکپارچه کردن فرایندهای عاطفی، شناختی، اجتماعی و جسمانی درمانجویان است. رقص، اساسی‌ترین بخش هنرهای بیانی است که شامل بیان مستقیم احساسات و حالات روانی از طریق حرکت فیزیکی یا جسمانی بدن می‌باشد. بر اساس این فرض که بدن و ذهن یا جسم و روان به هم مرتبط می‌باشند، رقص درمانی را به صورت کاربرد روان‌درمانی حرکت بعنوان یک فرایند تعریف میکنند که به یکپارچگی و انسجام عاطفی، شناختی و جسمانی فرد کمک میکند. رقص درمانی تغییراتی را در احساسات، شناخت، عملکرد جسمانی، رفتار و دیدگاه و گرایش فرد به وجود می‌آورد و به درمان جویان کمک میکند.

### تاریخچه رقص

بررسی شروع رقص کاری دشوار است چرا که بیش از هزار سال از زمانی که بشر با ابزارهای فلزی و شکار، نگاره‌هایی بر دیوار غارها کشیده است می‌گذرد و بسیاری از آنها آسیب‌های جدی دیده‌اند و تغییرات زیست محیطی مانند اثر یخ‌بندان، تشخیص اینکه از چه زمان وارد فرهنگ انسان شده را دشوار کرده است. رقص قطعاً بخش مهمی از آداب و رسوم، جشن‌ها و ... از قبل از تولد نوزاد، از اولین تمدن‌های بشری بوده است. باستان‌شناسی‌ها نشان از حضور بیش از ۹۰۰۰ ساله رقص، بر روی دیواره پناهگاه‌های نقاشی شده در فلات ایران دارند و در نقاشی‌های مقبره‌های مصری، چهره‌های رقص از ۳۳۰۰ سال قبل از میلاد به تصویر می‌کشند.

### رقص و موسیقی

هر چند معمولاً رقص همراه با موسیقی است، می‌توان آن را به طور مستقل ارائه کرد یا از آهنگ تولید شده در خود رقص استفاده نمود، مثل صدای کوبیدن پا بر زمین. رقص‌های همراه با موسیقی، بسته به سبک رقص ممکن است با موسیقی هم‌زمان باشند یا نباشند. رقصی که بدون موسیقی اجرا می‌شود، «رقص با ریتم خود» نامیده می‌شود.

# رقص، هنر عرضه بدن نیست

نگار ثابتی



معرفی آن به دیگران، بی دریغ زحمت می‌کشند. سالومه و گروه رقصش، کرشمه، یکی از این افراد است. او که سی و پنج سال دارد، ده سال است که در کنار تحصیل و تدریس ایرانشناسی به رقص مشغول است. او رقص را در شاخه کلاسیک و رقص‌های نواحی ایران دنبال می‌کند. «تمرکز ما بر احیای رقص‌هایی است که برای ایرانیان کمتر شناخته شده‌اند و سعی می‌کنیم در کنار برنامه رقصی که اجرا می‌کنیم به معرفی فرهنگ و آداب رسوم آن منطقه هم بپردازیم.» سالومه در ایام نوروز سه اجرا را در سه شهر مختلف آلمان، فرانکفورت، گیسن و گوتینگن روی صحنه برد. از این رو سعی کردم که با او دیداری داشته باشم و درباره هنر رقص به گفتگو بپردازم. برای من که کلاً خطم از رقص کور است، جالب بود که در ابتدا مختصری درباره تاریخچه این هنر بدانم. بخصوص که سالومه درباره گذشته فرهنگی ایران، تحصیلات آکادمیک دارد.

## رقص‌های باستانی

او در این باره می‌گوید: «درباره رقص در دوران باستان ما اطلاعات دقیقی نداریم. نقش و نگار سفالینه‌های شوش و سیلک افرادی را در

غالباً تصویر ذهنی ما از هر پدیده‌ای برمی‌گردد به خاطره اولین برخورد ما با آن. تصویر ذهنی من از رقص، زنانی سبز و نارنجی پوش را با رگ و ریشه‌ای ایللیاتی نشان می‌دهد. زنانی با حجم سنگینی از سکوت و پارچه. گردی از سکوت بر چهره و توده‌ای از پارچه بر تن. صحنه به گونه‌ای آراسته است که گویی حرکات چون وحی از آسمان به رقصندگان نازل می‌شود.

افسوس که عده‌ای، جهت وصله محیط خودخواهانه خویش، با زور سرنیزه ایدئولوژی سعی در تخریب آن فرهنگ داشتند. ذخایر فرهنگی هزاران ساله را به خیال سعادت‌ی جاودانه به عاریه دادند و در حذف این هنر کوشیدند. غافل از اینکه نمی‌توان با جریان طبیعی فرهنگ مبارزه کرد. مردم بالاخره خوراک خود را در جایی دیگر پیدا خواهند کرد.

اما چیزی که در این میان مهم است، منبعی است که جایگزین آن فرهنگ غنی خواهد شد. این روزها آنچه به عنوان رقص، تصویر ذهنی کودکان مان می‌شود، حرکاتی چون رقص باسن مایلی سائرس است. متأسفانه دوری و غریبگی با گذشته غنی خودمان، و وفور رقص‌های عرضه بدن، چنان است که حق انتخابی برای نسل جدید باقی نمی‌گذارد. با این وجود هستند افرادی که به جد، برای حفظ میراث گذشته گان و



کشیدن آن نیز چندان رایج نبوده و آنچه به تصویر کشیده شده نیز از خطر نابودی به دور نبوده است.

### زنده نگه دارندگان رقص

نکته قابل توجه درباره رقص این است که، بزرگترین نقش در زنده نگه داشتن آن، بر عهده اقلیت های قومی و مذهبی بویژه ارامنه مهاجر ایران بوده است. سه نفر از پیشگامان رقص یا بهتر بگوییم باله در ایران مادام کرنلی، مادام یلنا آودیسسیان و سرکیس جانبازیان بودند. در آن زمان یعنی حدود ۱۹۲۰ میلادی، هنوز به رقص به چشم کاری سبک و غیر اخلاقی در ایران نگاه می شد و به همین دلیل اغلب هنرجویان این سه نفر، فرزندان مستشاران خارجی بودند که در ایران حضور داشتند و یا فرزندان خانواده هایی با ریشه غیر ایرانی. یکی از این افراد، هایده احمدزاده بود که از مادری تاتار و پدری آذری متولد شده بود. او توسط مادرش در مدرسه رقص مادام کرنلی ثبت نام می شود.

هایده با استعدادترین این هنرجویان بود و به سرعت پله های ترقی را طی نمود تا جایی که سولست زن و استاد شماره یک باله ایران شد. در آن سال ها که هنرجویان اندکی با آموزش رقص مشغول بودند، کم کم دربار به حضور این هنرمندان در تشریفات خود روی خوش نشان می دهد. تا پیش از آن تنها گروه مردان با نمایش های آکروباتیک به هنرنمایی می پرداختند.

حال رقص و حرکت نشان می دهند. تاریخ این آثار به هزاره دوم قبل از میلاد برمی گردد. مشخص ترین اثری که ما از رقص داریم، نقش برجسته طاق بستان است که متعلق به دوره ساسانی است. در این تصویر، خسرو پرویز را به همراه عده ای نوازنده و رقصنده، سوار بر کشتی می بینیم. شاهان حتا در لشکرکشی های شان هنرمندان، از جمله رقصندگان را با خود همراه داشتند. این برای ایجاد فضای شاد و آرام در اردوی جنگی بوده است و برای برپایی جشن پیروزی احتمالی.»

سالومه درباره رقص در دوره اسلامی می گوید: «در دوره اسلامی بهتر است در ابتدا به حکومت امویان و عباسیان اشاره کرد که بهترین مثال آن، نقاشی دیواری در بنای جوسق الخاقانی (مغرب شده کوشک خاقانی) است. این نگاره دو رقصنده را در حال ریختن شراب در جام نشان می دهد. در دوره صفوی نقاشی های زیادی وجود دارد که رقصندگان را به تصویر می کشند. در کاخهای دوره صفوی از جمله عالی قاپو نقاشی های دیواری را می بینیم که رقصندگان را در حال هنرنمایی در مجلس بزم به نمایش می گذارند.

به نظر می رسد که در آن زمان رقص ابزاری بزمی جهت سرگرمی شاهان بوده و به چشم هنر به آن نگاه نمی شده است. در دوره قاجار نقاشی هایی روی بوم داریم که حرکات گوناگون رقصنده های زن بر آن تصویر شده است.

تابلویی دیگر، رقص بزک (آرایش زنانه) را نشان می دهد. بطور کلی باید به این نکته اشاره کنیم که به دلیل حرام بودن رقص، به تصویر



### زوج رقص ایران

مادام کرنلی کم کم گروه هنری خود را که البته در میان آنها برای نخستین بار هنرجویان دختر مانند هایده احمدزاده بودند، گسترش داد. هایده احمدزاده بعدها نام هنری «آیدا» را برای خود بر می‌گزیند و با یکی از همکاران خود به نام نژاد احمدزاده، ازدواج می‌کند. کسی که بعدها ریاست آکادمی باله، کمپانی باله ملی و گروه رقص و موسیقی فولکلور ایران را به عهده گرفت.

از این زوج باید به عنوان کسانی یاد کنیم که رقص را روی نقشه هنری ایران جا دادند. آنها برنامه‌های مختلفی را در سازمان‌های دولتی برگزار کردند از جمله نزد خانواده سلطنتی. بعدها برنامه‌هایی را در کشورهای دیگر روی صحنه بردند. کم کم این گروه بزرگ و بزرگتر شد. خانم و آقای احمدزاده برای ثبت و ضبط رقص‌های محلی به شهرهای مختلف سفر کردند؛ کاری که بعداً روبرت دووارن، به شکل مفصل‌تر پی‌گیری کرد. خانم احمدزاده همین اواخر کتاب زندگی نامه خودشان را با نام «زندگی من به عنوان یک بالرین ایرانی» در منچستر به چاپ رساندند.

در سال ۱۳۴۶ نژاد احمدزاده و همسرش هایده آکادمی باله را در ایران تاسیس کردند. رابرت دووارن از اساتیدی بود که به این آکادمی دعوت شد. او در طول حدود هشت سال حضور در ایران، کارهای بسیار ارزنده‌ای را روی صحنه برد. حضور دووارن مصادف بود با تاسیس تالار رودکی توسط آقای احمدزاده. دووارن برای جمع‌آوری رقص‌های محلی ایران و مطالعه آن به سراسر نقاط ایران سفر کرد. او در ادامه فعالیت‌هایش، گروه رقصنده‌های محلی را با هنرمندان سازمان فولکلور و رقصندگان هنرستان فرهنگ و هنر، تشکیل داد. در این گروه است که ستاره‌ای به نام فرزانه کابلی ظهور می‌کند.

از دیگر هنرمندان این گروه می‌توان به دو سولیست توانای مرد روانشاد احمد علیمددی و رضا سخایی اشاره کرد. رضا سخایی نقش بهرام گور را در اجرای هفت پیکر به عهده داشت و این نقش را مانند دیگر کارهایش با توانمندی بسیار اجرا کرد. او هم اکنون ساکن استکهلم است.

### سازمان فرهنگ و هنر

در دوره پهلوی دوم تلاش بسیاری در احیای هنرهای مختلف از جمله رقص شد. منجی این امر سازمان فرهنگ و هنر بود. بودجه مورد نیاز در اختیار سازمان فولکلور و هنرستان فرهنگ و هنر قرار گرفت که هدفشان شناسایی و نجات آیین و رسوم محلی از جمله رقص بود. در همین حین گروه رقصندگان محلی تشکیل شد که بودجه زیادی برای تهیه لباس، دکوراسیون و سفرهای پژوهشی، در اختیار داشت.

بدین ترتیب به همراه هیأت سیاسی ایران در سفرهای خارجی همیشه گروه رقص و موسیقی سازمان فولکلور شرکت می‌کرد. این گروه در فستیوال‌های سراسر دنیا شرکت کرده و کم کم در خاورمیانه به عنوان برترین گروه فولکلور مطرح شد. در بسیاری از دیدارهای رسمی مقامات کشوری از کشورهای دیگر این گروه به عنوان مبلغ فرهنگی همراه هیئت ایران بود و چون کارشان بسیار قوی بود، مورد استقبال جهانی قرار می‌گرفت.

### حرکات موزون انقلاب

بعد از انقلاب طبیعتاً وزارت فرهنگ و هنر و سازمان فولکلور تعطیل شدند. بسیاری از مواد و اطلاعاتی که درباره هنر و به ویژه رقص با صرف هزینه





از نقشه هنری ایران حذف شده است. نام رقص همچنان حساسیت های بسیاری به دنبال دارد، چنانکه من هم که در خارج از ایران زندگی می‌کنم ناخواسته آن را «حرکت» می‌نامم. اما بطور کلی باید بگویم که این هنر در واقع بیان عواطف و احساسات است از طریق اعضای بدن و بدون کلام. حال خواه این عواطف شاد باشند یا محزون، راوی آیین های مذهبی باشند یا مربوط به کار و معاش زندگی. هنرمندانی مانند خانم کابلی در تمامی این سالها کوشیده اند که نشان دهند این هنر عرضه بدن نیست و مفهومی والا تر و آسمانی تر دارد.

اصولا رقص های آیینی ریشه ای عمیق تر در فرهنگ ایران دارند. همین که اکنون نیز می‌توانیم کم و بیش آثاری از آن را مشاهده کنیم نشان دهنده قدمت آن است؛ مثل رقص برداشت محصول در خراسان از مرحله کاشت بذر تا برداشت محصول، توسط رقصنده های مرد اجرا می‌شود. رقص شالی که در گیلان توسط رقصنده های زن انجام می‌شود. رقص خنجر یا چاقو که در مناطق جنوبی ایران، توسط مردان انجام می‌شود. رقص چاقوی کولیان خوزستان که توسط زنان انجام می‌گیرد. رقص به آیین های مذهبی هم رسوخ کرده است. رقص سماع نمونه خوبی از اینگونه رقص هاست و نیز مراسم زار که به نظر من به نوعی حرکات موزون است و رقص های اهل حق، که مسلما ریشه بسیار کهن دارند.

یکی از هنرمندان سابق سازمان فولکلور ایران، آقای نادر رجب پور پس از انقلاب به موضوعات مذهبی روی آوردند و این هنر را شکلی تازه بخشیدند. خانم کابلی نیز کاری با عنوان سینه زنی را طراحی کردند و در خانه هنرمندان به روی صحنه بردند. با همه این اوصاف لغو مجوز یا کنسل شدن اجرای رقص اتفاقی معمول در ایران است. مثلا در جشنواره فجر ۹۲ قرار بود یک گروه از رقصنده های مرد که تحت سرپرستی خانم کابلی بودند، به اجرای حرکت بپردازند، که متاسفانه لغو شد.

و وقت بسیار گردآوری شده بودند، از بین رفت. بسیاری از فیلم هایی که از مراسم آیینی و آداب و رسوم پیشینیان ما بود، خوراک آتش شد. آنچه از بین رفت گذشته فرهنگی ما بود که متعلق به هیچ رژیم یا حکومتی نیست. حکومت ها می‌آیند و می‌روند اما چرا هنر قربانی این تغییرات باشد؟ اتفاقی که در تاریخ ایران بارها تکرار شده است، از عهد باستان تا کنون.

بعد از گذشت دو دهه از انقلاب و با روی کار آمدن دولت اصلاحات، کور سوی امیدی برای بازگشت این هنر به صحنه، به وجود آمد. هنرمندان سابق این رشته که به تئاتر روی آورده بودند، این بار در قالب حرکت به رشته هنری اصلی خودشان بازگشتند. حتا در بخش مذهبی، هنر حرکت ورود پیدا می‌کند. «حماسه ی انقلاب سنگ»، با طراحی حرکت فرزانه کابلی، با پوشش کاملا اسلامی، به روی صحنه می‌رود.

هنرمندان با قدرت هرچه تمام تر در حالی که هر کدام چند کیلو پارچه به تن داشتند، اثر شاهکاری را اجرا می‌کنند. آخرین کار جدی خانم کابلی، جشنواره آمین بود. که رقص محلی نواحی مختلف را شامل می‌شد. اما خانم کابلی از معدود کسانی است که شانس با او یار بود که هم در ایران باشد و با دشواری بسیار به کار خود ادامه دهد. اکثر ستاره های این هنر، بعد از انقلاب مجبور به مهاجرت شدند و گه گاه خبر فرو افتادن شان به گوش مان می‌رسد. همین چند روز پیش فرخ علیپور، یکی از رقصندگان سازمان فولکلور ایران که مقیم برلین بودند از بین ما رفتند.

### رقص زمینی، رقص آسمانی

سالومه درباره این که چگونه بعد از انقلاب افرادی چون فرزانه کابلی توانستند روی صحنه باقی بمانند و خود را با شرایط وفق دهند، می‌گوید: شرایط کار در زمینه حرکات موزون در ایران بسیار دشوار است. مشکل تنها محدودیت های قانونی نیست بلکه متاسفانه به گونه ای این هنر دوباره

# رقص در ایران نمرده است

فیروزه رمضان زاده



در آستانه فرارسیدن ۲۹ آوریل، نهم اردیبهشت، روز جهانی «رقص» قرار داریم. «رقص» که از آن به عنوان زبانی جهانی برای نزدیک کردن انسان‌ها برای ایجاد صلح و دوستی یاد می‌کنند، سال‌هاست در جمهوری اسلامی، به عنوان جرم و جزو کارهای قدغن و ممنوعه اعلام شده است. به نظر می‌رسد «رقص» در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل تداعی کردن مفاهیمی چون «رهایی‌بخشی» و «شادی‌آفرینی» ممنوع شده است، اما با وجود ممنوعیت و حرام بودن رقص در ایران، همچنان شور رقصیدن و آموزش آن در کلاس‌های غیررسمی ادامه دارد.

مسئولان جمهوری اسلامی که از چند سال پیش، عنوان «رقص» را به «حرکات موزون» تغییر داده‌اند حتی با تبلیغات آموزش پنهانی رقص در قالب کلاس‌های ورزشی نیز برخورد کرده‌اند. با وجود همه این محدودیت‌ها، بسیاری از خانواده‌های ایرانی از سه دهه پیش تاکنون در خانه‌هایشان، آلبوم‌های موسیقی را تکثیر و توزیع می‌کنند و از هر بهانه‌ای برای رقصیدن و شادی کردن بهره می‌برند.

گردآفرید، نقال و پژوهشگر میراث معنوی در این زمینه به ایرانشهر می‌گوید: «در مملکت ایران زمین، رقص نه تنها در احکام شرعی قدغن و حرام است که از نظر قانونی نیز جرم است. حساسیت بر روی رقص تا به آنجاست که حتی در مهد کودک‌ها و مراکز بهزیستی نیز ممنوع کرده‌اند. خاطر ماست که سال‌ها پس از انقلاب اسلامی هنرمندان تئاتر به مرور و در پی یک راه چاره نام حرکات موزون را معادل «رقص جایگزین» کردند با این تعریف که حرکات موزون در واقع حرکات و جنبش‌های هماهنگ بدنی است با هدف آفرینش یک اثر نمایشی. اما ماجرا به همین سادگی نبود. یعنی همین جنبش‌های هماهنگ بدنی و حرکات موزون، باز هم دستخوش سانسور یا ممنوعیت اجرا می‌شد و هنرمندان به ناچار و به مرور برای القاء رقص و حرکات موزون از حرکت و جنبش پارچه‌های رنگی بهره می‌بردند. در واقع این پارچه‌های رنگی بود که به روی صحنه می‌رقصیدند نه بدن‌ها».

در این میان، برخی از فقهای شیعه در ایران، حتی ورزشی که رقص جزئی از آن باشد را حرام اعلام کرده‌اند.

برخی از این فقها در تعریف رقص می‌گویند: «رقص حرکات موزونی است که به منظور لهو و لعب انجام می‌شود و گروهی معتقدند، هر عملی که عرفان بدان رقص بگویند، احکام رقص بر آن بار می‌شود».

در این میان، برخی از خطیبان نماز جمعه تهران و شهرهای بزرگ نیز بارها نسبت به اختلاط دختران و پسران و ایجاد شادی در بین آن‌ها هشدار داده‌اند.

از جمله می‌توان به احمد خاتمی اشاره کرد.

امام جمعه موقت تهران در سی‌ام فروردین ماه ۱۳۹۲ با اشاره به اینکه شادی مستانه که بوی غفلت از خدا در آن موج زند، پسندیده نیست و نتیجه آن عذاب است گفته بود: «اختلاط محرم و نامحرم و موسیقی‌های مبتذل حرام در عروسی‌ها مصداق غفلت از خداست و حریم خدا را می‌شکنند».

در طول سال‌های اخیر، آموزش رقص حتی در مهد کودک‌ها نیز ممنوع شده است.

در این زمینه، سازمان بهزیستی ایران در سال ۱۳۹۰ اعلام کرد: «به دنبال طرح انتقادات چند نفر از نمایندگان مجلس علیه آموزش رقص در مهد کودک‌ها، این نهاد بر آن شده است تا با رقص در مهد کودک‌ها مبارزه کند به طوری که مهد کودک‌هایی که در آن رقص آموزش داده شوند، تعطیل گشته و مجوز آن‌ها باطل خواهد شد».

رئیس سازمان بهزیستی نیز در گفتگو با خبرگزاری فارس تهدید کرده بود که مهد کودک‌هایی که در آن رقص آموزش داده شوند، تعطیل و مجوزشان باطل خواهد شد.

«آموزش‌های دینی از طریق مهدهای مساجد» آلت‌رناتیوی بود که سازمان بهزیستی برای جایگزینی رقص و شادی کودکان در مهدهای کودک پیشنهاد کرد. این مهدها به قرآن خوانی برای کودکان خواهند پرداخت.

## در یغانسلی که سوخت

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، تاکنون، فتوای بسیاری در مورد رقص داشته است. وی معتقد است: «اصل رقصیدن اشکال ندارد مگر اینکه مستلزم فعل حرامی مانند تحریک شهوت حرام، استماع موسیقی باشد و در

## پرونده

رقصندگان مرد و به قاعده‌ای که ایجاد طرب و لهو نکند. به گمانم در فحوای کلام برخی از حضرات، رقص گونه‌ای دشنام یا هتک حرمت نیز هست و چنانکه پیش بیاید و بخوانند که هنرمندی را تحقیر کنند به او رقص یا رقصه می‌گویند.»

فرزانه کابلی به عنوان یکی از مشهورترین رقصندگان در داخل ایران، شناخته شده است. او که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دوره باله را گذراند، پس از پیروزی انقلاب، به بازیگری در تئاتر و سینما روی آورد و فعالیت هنری خود در زمینه رقص را با عنوان «آموزش حرکات موزون» ادامه داد. او کسی است که به دلیل فعالیتش در زمینه رقص، بارها با بازداشت و برخورد‌های مختلف روبه‌رو شده اما همچنان از پای ننشسته است.

وی پیش‌تر، در یک گفتگو با تارنمای رادیو زمانه گفته بود: «من همیشه به آینده رقص در ایران امیدوارم و واقعاً دلم می‌خواهد این مفهوم شکل واقعی‌اش را پیدا کند. ولی خب باید صبر کنیم دیگر. من که از پا نمی‌نشینم. من آن قدر علاقه دارم و عشق به این کار و سعی می‌کنم به شکل درستش این را نمایش بدهم که هیچ‌وقت ناامید نمی‌شوم. بسیار بسیار امیدوارم و بسیار محکم ایستاده‌ام تا این را به مخاطبم بگویم و نشان بدهم که رقص یک هنر است و عرضه بدن نیست. ولی بسیار سخت است ماندن در این شرایط و این‌طور کار کردن. خیلی هم دوست دارم که بالاخره روزی همه متوجه بشوند این هنری است که اصلاً به آن توجه نمی‌شود.»

گردآفرید در ادامه به ایرانشهر می‌گوید: «خاطرم هست در سال ۱۳۸۶ به رسم سالیان قبل در جشنواره بزرگ شاهنامه خوانی در روستای سیمیلی خوزستان (از توابع شهرستان هفتکل) در سوم نوروز برای اجرای نقالی و شاهنامه خوانی دعوت شدم. بزرگان و ریش سفیدان طایفه ارجمند مکوندی



این مسئله فرقی بین انواع رقص‌ها نیست.» به گفته رهبر جمهوری اسلامی، «اگر رقص به گونه‌ای باشد که منجر به تحریک شهوت شود یا مستلزم فعل حرام یا ترتب مفسده‌ای باشد یا زن بین مردان نامحرم برقصد، حرام است و اگر رقص زن برای شوهرش یا برعکس، هم‌راه ارتکاب حرامی نباشد، اشکال ندارد.»

فتوای ۱۱۷۶ خامنه‌ای در پاسخ به پرسشی در مورد رقص کودکان است. او گفته است: «کودک غیربالغ چه پسر و چه دختر تکلیفی ندارد ولی سزاوار نیست افراد بالغ او را تشویق به رقص کنند.» او در مورد رقصیدن در مجلس عروسی فتوا داده «اگر از نوع رقص حرام باشد، حرام است. هر چند توسط پدران و مادران در مجالس عروسی فرزندان‌شان باشد.»

در رساله روح الله خمینی نیز آمده است: «بنا بر احتیاط واجب رقصیدن خانم‌ها در هر کجا اعم از مجلس عقد و عروسی و یا مولودی‌ها جایز نیست مگر رقصیدن زن برای همسر خود.»

صافی گلپایگانی نیز در این باره گفته است: «ورزشی که مشتمل بر رقص باشد، حرام است.»

گردآفرید در ادامه سخنان خود به ایرانشهر می‌گوید: «ماجرای حضور رقص‌های محلی و قومی مثل رقص کردی و لری و تربت جامی و چوب بازی و دستمال بازی و چوپان بازی و رقص‌هایی از این دست در جشنواره‌های آیینی سنتی و موسیقی مقامی خود ماجرابی دیگر بود و فتواها ضد و نقیض. از نظر برخی علما و آیات عظام رقص در همه انواع آن اشکال داشت و اصولاً کلمه «رقص» در اشکال مختلف حرام بود اما بر اساس فتوای برخی دیگر چنانکه این قبیل رقص‌ها ایجاد تحریک شهوت نمی‌کرد بلامانع بود اگرچه لهو جایز نیست. بدین ترتیب رقص‌های محلی و قومی با شرط و شروط و تأکید بر رعایت ملاحظات متعدد، اجازه حضور در جشنواره‌ها را یافت و بی‌تردید فقط با حضور





در خیابان، پارک، خوابگاه و خانه نشان می دهد.

افشین غفاریان، رقصنده ایرانی ۳۰ شهریورماه ۱۳۹۲ در تارنمای خود با عنوان «رفورمانسر» نوشت: «در ایران جریان های فکری و سیاسی مختلفی وجود دارد، برخی از این جریان ها با برداشت تنگ نظرانه و اشتباه که کلیت رقص را مترادف با فحشا و تن فروشی و منافی عفت می داند باعث این مهجوریت شده است و بروزهای گوناگون رقص را تنها زیر نامی دیگر به جز رقص مانند «حرکات موزون» یا «ورزش های ایروبیک» و یا «تئاتر جسمانی» تحمل می کند و می پذیرد، به زبانی دیگر با «عنوان رقص» مترادف شده با فحشا و تن فروشی مخالف است نه با «خود رقص» و انواع مختلف بروز آن، برای مثال رقص «هیپ هاپ» همین امروز زیر عنوان ورزش ایروبیک تمرین می شود و حتی جشنواره و فدراسیون هم دارد، من خودم به یاد دارم روزی را که در ایستگاه ترمینال خیابان انقلاب، منتظر اتوبوس بودم و ناگهان جوانی کوله به پشت آمد، خیلی آرام و متین کوله پشتی اش را زمین گذاشت، کاپشن اش را درآورد و شروع کرد به رقصیدن رقص هیپ هاپ، هنگامی که حسابی عرقش درآمد بدون اینکه کلامی حرف بزند، کاپشن اش را پوشید و کوله پشتی اش را هم برداشت و به راهش ادامه داد و رفت، می خواهم بگویم که اینطور نیست که اگر در خیابان انقلاب قربه کمر کسی بیاید با هلی کوپتر سراغش بیایند و دستگیرش کنند، نه اینطور نیست، امروز در هر گوشه و کنار پارک های ایران، می توانیم گروه های رقص هیپ-هاپ و آموزشگاه های ایروبیک و سه نقطه... را به راحتی پیدا کنیم که البته این (...). سه نقطه همان جای خالی «رقص» می باشد.»

رقص جوانان ایرانی در فضاهای باز و خیابان ها از جمله مسائلی است که هستی و ماهیت جمهوری اسلامی را به زیر سوال برده است. از دیدگاه مسئولان جمهوری اسلامی، رقصیدن و شادی کردن دختران و پسران با یکدیگر از جمله آب بازی که بارها از اجرای این گونه رفتارها جلوگیری کرده اند، می تواند بیانگر نوعی نافرمانی مدنی باشد. همگان به یاد دارند که حاکمیت از رقصیدن و شادی کردن جوانان در چهارشنبه سوری سال ۱۳۸۸ چگونه به خود لرزید. شاید این روش می توانست تجربه خوبی برای ادامه نافرمانی های مدنی در زمان اعتراض های خیابانی سال ۱۳۸۸ باشد

تمام مجوزهای حضور مرا از پلیس و اداره ارشاد و اماکن و غیره به مانند سالیان قبل گرفتند. اما در واپسین روزهای آخر سال امام جمعه هفتکل، ناگهان حضور مرا در این همایش منع و حکم ممنوع الوردی مرا به این روستا صادر کرد. جل الخالق، ممنوع الخروجی از کشور شنیده بودیم ولی ممنوع الوردی آنهم به روستایی از کشورم، خود پدیده ای بود. القصه، ایشان در حضور جمع فتوادادند که «این دختره رقصه حق پا گذاردن به این روستا ندارد.» پیرو این فتوا، بزرگان محترم طایفه مکوندی همگی به خانه امام جمعه رفتند و اینکه چه ریش سفیدی ها کردند و چه پیشکشی ها دادند تا دوباره حضور من در آن روستا بلا مانع شود بماند. «بعدها دانستم که دلیل منع اجرای من در آرامگاه فردوسی آن بوده که امام جمعه مشهد نیز مرا رقصه دانسته چندی بعد امام جمعه اصفهان نیز با همین اتهام رقصه بودن، مرا از حضور در برنامه ای سستی منع کرد. باری، اینکه شاه می بخشد و شاغلام نمی بخشد یعنی اینکه پلیس و اماکن و اداره های ارشاد هر منطقه مجوز می دهند اما ناگهان امام جمعه ها در این میان ظاهر می شوند و فتوایی دیگر از خود به در می کنند خود مطلب دیگری ست. غرض آنکه اینان هر آنچه را که مایه شور و شغف و شادی باشد حرام می کنند. ایران زمین، امروز ملک حرام است که ملک حرامیان است. به گواه تاریخ ظلم نمی باید و ظالم نمی ماند. اما در یغانسلی که سوخت و عمرش بر باد رفت. حکیم فردوسی می فرماید: «گرت هست جام می زرد خواه... به دل خرمی را میدان از گناه، نشاط و طرب جوی و سستی مکن... گزافه مپرداز مغز سخن»

### رقصیدن مردم کمتر از گذشته نشده است

در جامعه شیعی ایران دو ماه محرم و صفر به عنوان ماه های عزاداری شناخته شده اند. در این دو ماه شادی های آشکار و برگزاری جشن عقد و عروسی مرسوم نیست و در این مدت، هتل ها و تالارهای عروسی نیز از خدمات رسانی به مردم منع شده اند.

حسین، معلم ۳۵ ساله ساکن تهران معتقد است، «سنت های دین اسلام، اعتنایی به موسیقی، رقص و پای کوبی نمی کنند. از سوی دیگر نظام جمهوری اسلامی نیز که خود را حافظ ارزش های اسلامی می داند به هنرمندان اجازه فعالیت آزادانه نمی دهد. افزون بر این، در جامعه سنتی بسیاری از پدرهای ما خواندن، نواختن و رقصیدن را شغل مناسبی نمی دانستند، آن ها نوازنده یا رقص را مطرب می دانند، در طول سال های بعد از انقلاب، زنان رقصندگان بسیاری در کنج آشپزخانه ها ماندند و مجال بروز پیدا نکردند. انتشار ویدیوهایی از رقص های دختران در خانه ها و میهمانی ها و جوانان در پارک ها نشان می دهد که مردم ما تا چه اندازه به دنبال خوشی و شادی هستند.»

با وجود حساسیت ها و محدودیت های ایجاد شده از سوی مسئولان جمهوری اسلامی، رقصیدن مردم ایران کمتر از گذشته نشده است. تنها با یک جستجوی ساده در یکی از ماشین های جستجوگر در فضای مجازی نظیر یوتیوب، می توانید صدها ویدئو را ببینید در حالی که ایرانیان را در حال رقص

# شادی همچنان ممنوع!

امین اکبریان



متأسف است، زیرا ترانه پرفردار او **شاد (Happy)** نام دارد و قرار نبود موجب غم و اندوه شود.

به دنبال بازتاب گسترده ماجرای دستگیری این جوانان، مقامات قضایی آن‌ها را پس از تشکیل پرونده‌ای مملو از اتهامات آزاد کردند. اما کارگردان و تهیه کننده این موزیک ویدئو پس از تاخیری چند روزه با وثیقه‌ای سنگین موقتا از بازداشت خارج شد.

اقدام رییس پلیس تهران در انتشار خبر بازداشت این جوانان که با تکیه بر سرعت عمل پلیس ایران همراه بود، موجی از انتقادات را درباره عملکرد نیروی انتظامی به همراه داشت که برای دستگیری چند جوان چنین امکانات عظیمی را بسیج می‌کند. اما در خصوص مبارزه با جرایم و یا در مورد برخی پرونده‌های خاص مانند شناسایی و دستگیری قاتل ندا آقا سلطان پس از گذشت نزدیک به شش سال هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده‌است.

ترانه آمریکایی «شاد» یکی از محبوب‌ترین آثار موزیک پاپ در جهان به شمار می‌رود و طرفداران بسیار زیادی دارد.

بله، در ایران دولت اصلاحات و تدبیر و امید به قدرت رسیده، ولی همچنان خیلی از ممنوعیت‌های سابق به قوت خود باقی است. در ایران «شادی» همچنان ممنوع است!

اقدام چند دختر و پسر جوان ایرانی که یک نوار ویدیویی از رقص و شادی خود ضبط کرده و در اینترنت منتشر کردند آن‌چنان جنجالی بنا کرد که حتی جنبه‌های بین‌المللی یافت.

این شش جوان ایرانی مانند سایر هم‌سن و سال‌های خود در سایر کشورها فیلم کوتاهی از رقص با ترانه معروف شاد (**Happy**) اثر پرفردار **فارل ویلیامز**، خواننده آمریکایی تولید و در شبکه اینترنتی یوتوب منتشر کردند. این امر البته موجب دردسر بزرگی برای شش جوان ایرانی شد و مامورین نیروی انتظامی و پلیس اینترنت در تهران آن‌ها را دستگیر کردند. ظاهرا این جوانان

پر انرژی و ساده‌دل که فراموش کرده بودند چگونه حکومتی در کشورشان حاکم است فعلا به طور مشروط آزاد شده‌اند، اما مشکلات تمام نشده و معلوم نیست سرنوشت پرونده قضایی آن‌ها به کجا ختم شود.

این ماجرا بازتاب وسیعی در سطح جهانی داشت و تقریبا تمامی شبکه‌های خبری، تلویزیونی و روزنامه‌های مهم آمریکا و اروپا خبرهای آن را منعکس ساختند.

حتی **فارل (Pharrell)** هم رسماً اعلام کرد که از این ماجرا بسیار



# Grand Canyon



خیمه زده بودند. اگر چشم‌ها را تنگ می‌کردی و به عمق آن خیره می‌شدی از فاصله ده میلیون سالی رودخانه‌ای را می‌دیدى که بسان ماری بر بستر آن چمبره زده بود و همه آنهایی را که در باختر و جنوب آن برای همیشه می‌زیستند سیراب می‌کرد.

آنچه زن را مسخ کرده بود و از گیرایی آن دستش با قلم بر روی دفتر قفل شده بود، تنها زیبایی و پهناوری بی همتای آن مکان نبود، چیز دیگری بود ماورای حس بینایی و تنومندتر از شکاف یگانه پوسته زمین که بجای دوری، آدم‌ها را به هم نزدیک می‌کند. و آن سکوت شگرف و راز گونه‌ای بود که حس شنوایی برای درک آن سراسر وجود را فرا می‌گیرد. مثل خون جوشنده در شریان‌ها روان است و حواس دیگر را پس می‌زند، تمام تن گوش می‌شود تا بلکه سر از راز این آرامش جادویی و پیچیده در آورد. خوب که گوش کرد دریافت آنچه از این سکوت حس می‌کند

نمی‌دانست نامش را چگونه ترجمه کند، هیچ واژه‌ای برایش کار نمی‌کرد که گویای بزرگی و شکوه چشم اندازی باشد که بر آن خیره شده بود.

یکسال بیشتر بود که دست بر قلم نبرده و انگیزه نوشتن را با مرگ نابهنگام همسر بگور برده بود.

نشسته بود بر روی تخته سنگی و پرواز عقابی را تماشا می‌کرد که بر فراز دره بی

انتها با گستره بالها بی تکاپو و آسوده در چرخش بود. فضا، فضای غریبی بود، زمین صاف بسان بدنی که به بلوغ می‌رسد پوست ترکانده بود و دره‌ای شگرف شاید به ژرفنای اندوه زن آن‌را دو نیم کرده بود. کوه‌های رنگین با هر نگاره‌ای که در اندیشه بگنجد بر سراسر دره



فرهاد کاشفی

suptron@hotmail.com



## داستان کوتاه

بیدار نشدی. گاهی با خود می‌گویم یک‌کاش تو را هم مثل بقیه رها نکرده بودند تا من همان خاطرات شیرین قبل از بندت را با خود بگورم می‌بردم و جان‌کندن آخرت را نمی‌دیدم. آفتاب که می‌زد بیدار می‌شدی، کنار حوض روی صندلی زیر درخت می‌نشستی، چایی می‌خوردی، سیگار میکشیدی، سرفه می‌کردی و قلم می‌زدی. برای مادران، پدران، خواهران و همسران هجده نفر از یارانت که زودتر از تو پر شدند می‌نوشتی. تک تک خاطرات و لحظات در بند با یارانت را برای آنان باز گو می‌کردی. هر کدام که تمام می‌شد دسته می‌کردی و از من می‌خواستی که آنها را پست کنم. ولی یک خط از خودت نه برای من نوشتی و نه جمله‌ای گفتی. می‌دانم اگر زنده بودی می‌گفتی دارم غر می‌زنم. اما بدان اگر هر بار بود این بار غر نیست، این فریاد حسادت من است به قلب بزرگ تو که حتی در آخرین دقایق هم به چیزهایی بزرگ‌تر از خواست‌های من و خودت فکر می‌کرد.

امروز آمده‌ام به گوشه‌ای که بیاموزم چگونه با یادت نیمه‌ی بازمانده خاکستری رنگ راه را طی کنم. امروز برای اولین بار جانی گرفته‌ام و اگر باید بدانی چرا، جایی را یافته‌ام که بیاد نبودت آنرا دره بزرگ سکوت می‌نامم.....»

چیزی نیست مگر قدرت و هنر نمایی مادر زمین در رُخ نمایی به افتادگی خویش که «نگاهم کن ای فرزند پُر گو و بی قرار، پند بگیر که چگونه با این بزرگی و شکوه میتوان آرام بود، آرام زیست و زبان بر کام نهاد».

آنجا بود که قلم بر روی کاغذ نوشتن آغاز کرد و رودخانه‌ای سرشار از کلمات بر آمده از سکوت پندار زن بر روی دفتر جاری شد. «روز ترخیص بود، هر نیم ساعت در آبی آهنی باز می‌شد و یکی می‌آمد. همه یک شکل بودند مُرده‌های متحرکی در جامه‌های نیم‌مدار که همه نیم لنگ گام بر می‌داشتند.

یادت می‌آید که نشناختم وقتی آمدی بیرون. آخر من دُنبال تو می‌گشتم نه اسکلتی پیچیده در لباسی ابلق با چشم‌هایی تکیده در کاسه سر با موهایی نیمه ریخته و سفید که انگار هزار سال بر پوست جمع‌مه غبار خورده بود. من دُنبال آن آخرین لبخند و گونه‌های شکفته‌ای بودم که برادرها در ۶۱ بر آن گونی کشیدند و کتف بسته پشت نیسان پاترول انداختند.

آمدی و ایستادی جلوم، بهار ۶۹ بود می‌خواستم بگویم برو کنار که نگاهت را دیدم. فقط آنرا نتوانسته بودند از تو برابند و بعد هرگز برابرم نگفتی که چگونه گذشت ولی لازم هم نبود. وقتی کفش‌های قدیمت را دور ریختم و یک نمره بزرگ‌تر خریدیم که برای آن پوستهای اضافی که روی تاول‌های کف پا در آمده بود جا باز کند. وقتی چرک ریه‌ات نفست را بُریده بود با آن سُرَفه‌های زخم دار که آخر سر هم کار خود را کرد چه نیازی به گفتن بود.

نمی‌دانستی، وقتی گفتم که برادرت را هم در ۶۷ پر پر کردند و مادر دق کرد دیگر چه چیزی را می‌توانستی برابرم بگویی. همانجا بود که دانستم در بیرون زندان هم چیزی را از من ربودند که کلام گرم بود و بجای آن سکوت نشست و چه سنگین بود.

یادت می‌آید بعد از عروسی تا شش ماه برابرم گل می‌آوردی. وقتی پول داشتی می‌خریدی اگر نداشتی در سر رهاست از جایی می‌زدیدی، شاخه یاس یا نسترنی از پارک یا دسته شکوفه‌ای از درخت همسایه. اما بعد از رهاییت به من دست هم نمی‌زدی، حتی به چشمانم نگاه هم نمی‌کردی. انگار از زنده بودم شرم داشتی یا می‌خواستی من احساس جرم کنم. شاید هم مرا همدست جلادانت می‌دانستی. نمی‌دانم شاید هم احساس گناه می‌کردی، نمی‌خواستی زنده باشی و هر چه نشانه شور و عشق داشت برایت نفرت انگیز بود چرا که تقریباً همه یارانت را به غیر از تو کشته بودند. شاید تو را از قصد نکشتند چون می‌دانستند از مرگ هم بدتر وجود دارد. وقتی که روحت را می‌کشند و بدن نیمه جانست را رها می‌کنند تا چند صبحی مثل مرغ سرکنده دست و پا بزنی و بقیه را هم با خودت نابود کنی. شاید هم می‌دانستی که وقت زیادی نداری، هنوز به یکسال نرسیده بود... آخرین نوشته‌ات که تمام شد دو روز بعد دیگر از خواب

درب و ست  
کتاب  
شنبه شب تا آتش  
پذیرای خریداران و دیدار کنندگان است.  
یکشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۸ شب  
شنبه تا ۱۰ صبح تا ۱۱ شب  
هر هفته  
حراج کتاب - جدول  
DVD و CD  
310-477-7477  
1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024

۳

# قصه ضحاک در عصر ما جاری است



مخوان» او می‌گوید که خلفای عباسی گرچه که با دست قلم شده سرداران ایرانی به حکومت رسیده‌اند اما به حکم تعصب جاهلی از ایرانیان نفرت دارند. امیرنصر سامانی شاهی دادگستر است و به کرامات انسانی حرمت می‌نهد، دربارش از برکت آزادمنشی و به یمن سنتی روشنگرانه مرکز روشنفکران آزاداندیش است و درش به روی همه متفکران عالم از هر طریقت و مذهبی گشوده، اما درباریان پخته کار که دین را وسیله تحکیم حکومت‌ها کرده‌اند بخوبی می‌دانستند با استفاده از نام شریعت می‌توان مجال بحث و تفکر به مردم نداد و از برکت جهل مرکب می‌شود امتی مطیع و فرمان پذیر داشت، بی‌خبری مردم از حیثیت انسانی خویش ضامن دوام حکومت فساد است و چون و چرایی اهل تفکر آفت قدرت‌های نامشروع آن‌ها، با بحث و استدلال نمی‌توان مملکت‌داری کرد، «تیغ بران می‌خواهد و قلبی قسی»، سرداران اتفاق کردند که مار را پادشاه کافر نمی‌باید او را کشته و پسرش نوح را جاننشین او نمودند، از آن پس زمانه دگر می‌شود و رفتار سران زمانه هم دیگر، نوح دستور داد هر چه در زمان پدر ملحد گشتند هم را بکشند و خواسته و نعمت ایشان جز غارت نشاید، با فرمانی چنین کریمانه، فرمانبردارانی از ارازل و اوباشی همت کردند و به یاری سرداران و مریدان خلیفه آمدند، به جان خلاق افتادند، هر خانه آبادی را پس از غارت تصاحب کردند و هر آزاده متفکری را داغ کافری بر جنین زاده و گردن زدند و گروه گروه را به دار کشیدند و اقدام فجیع‌تر آن که مقدر پنجاه خروار بله پنجاه خروار دفتر فلاسفه را زیر دارهایی که بر فرازشان پیکر خشکیده اهل فکر و تعقل باد می‌خورد سوزاندند.

نهان گشت کردار فرزنانگان  
پراکنده شد کام دیوانگان  
هنر خوار شد، جادویی ارجمند  
نهان راستی، آشکارا گزند



گلاویز معتمدی

هنر ایجاز فردوسی را دریابید که در دو بیت مختصر به توصیف جوامع استبدادی و حکومت‌های بیدادگر، فریب‌گر پرداخته است، در قلمرو چنین حکومتی فریاد اعتراض در حلقوم خلاق می‌شکفتد و مردم از فضائل بریده، از بیم جان یا به سودای نان هم صدای دیوان می‌شوند، مملکت گورستان خاموشان است و قحط فضیلت نمایان، عشرتکده کرکسان پست فطرت و جباران خودپسند مردم کش، آن‌ها سرهای آزاده به تعظیم خم نگشته‌اند کانون فتنه می‌پندارند و مزاحم قدرت مطلقه، آیا مشخصات حکومت وحشت و ترور غیر از این‌هاست؟ شاهنامه فردوسی شاهکاری که هزار سال پیش به جای سازمان‌های عریض و طویل و بی‌خاصیت مجامع حقوق بشری عمل کرده، از زجرهای مردم آزاده ایران گفته و تیغ آخته‌ای بوده است بر روی حاکمان ستمگر زمان، با توصیف اوصاف ضحاکان روزگار در قالب ضحاک اسطوره‌ای، زیرا که فردوسی هنوز زنده است بعد از هزار سال و شاهنامه ماندگار است در فرهنگ ایران و ضحاکان هنوز خوراکشان مغز جوانان اندیشمند است و هنوز هم سیرجانی‌ها هراس آورند و خطرناک پس: «تو آن را دروغ و فسانه



## نقد و نظر

با بوسیدن شانه‌های ضحاک حرص جهانخواری و خونخواری را در وجودش زنده می‌کند و مسکن آزار طاعت فرسای ماران را مغز جوانان تجویز می‌کند که چه حکومت بی‌دغدغه‌ای می‌توان کرد در غیاب جوانان آزاده کردنکش، فردوسی می‌گوید که هواداران و طالبان ضحاک هولناک ازدها پیکر بزرگان و سران مملکتند نه افراد رعیت، و سیرجانی تاکید می‌کند این اجداد و این هم وطنان من و شما اعم از این که سرداران شاه تراش باشند یا خلق ستم کشیده و اعم از این که به تلقین ابلیس باشد یا به برکت طبیعت جاهل فریب خورده، با پای خود به سراغ ضحاک می‌روند و افسار خود را بدست او می‌سپارند و جالب است که ضحاک بی‌هیچ، هیچ شوقی دعوت را می‌پذیرد و قبول رهبری می‌نماید، مردم فریب خورده از چاله غرور جمشیدی برمی‌آیند تا در چاه جنایت ضحاک معلق مانند.

آقای سیرجانی می‌گوید: من به حکم سنتی موروثی و ملی دلبسته این توهم که اگر انتخاب ضحاک محصول جهل و اطاعت از او مولود طبیعت ترسوی آن‌هاست پس تکلیف ابلیس ملعون چه می‌شود؟ مگر لازمه طبیعت ابلیس فریب خلق و بستن چشم حقایق بین و ربودن عقل عاقبت اندیش ملت‌ها نیست؟ و اصلاً مگر نه این است که ابلیس را آفریده‌اند تا بندگان غلط کار توجیه‌گر همه معاصی و کوتاهی‌های اعمال خود را بدو نسبت دهند و با لعن و سنگسارش دلی خنک کنند و شانه‌ای از بار ندامت سبک؟ (فکر نمی‌کنید نام جدید ابلیس شیطان بزرگ است و استکبار جهانی؟) اکنون که مجال تفکری است و اندیشه‌ای با چشم رل به اعماق تاریخ بنگرید و تکرار ملال‌انگیز آن را به دفعات بسیار بنگرید که ضحاک مسلط و کامروا با تصرف خزاین جمشیدی و سپاه گوش به فرمانش کمر به کین ایرانیان بسته تا با خشکاندن ریشه فرهنگ و نفی تاریخ گذشته و انکار حرمت اجدادشان آسان‌تر تحمل خواری کنند؟ و تن به ذلت بیشتر دهند؟ و تکرار تاریخ بی‌رحم را بنگرید که همه ستم‌ها و تازیانه‌هایی که بر پشت سرکشان فرود می‌آید و نابود کردن و متلاشی نمودن مغز متفکران و اندیشمندان بدست ایرانیان انجام می‌گیرد در چنین محیطی فرصت طلبانی دست بیعت به ضحاک داده‌اند و آزادگان در کنج عزلت خزیده‌اند و با شعار مرد میدان رضاییم و تسلیم تیر قضا، حکومت ضحاک و ضحاکیان را سرنوشت ابدی خود و خواسته ابلیس پنداشته دست از هر تلاشی کشیده‌اند و عجباً که پیام‌های بدین روشنی و رسایی در هر زمانه‌ای ناشنیده مانده است زیرا که دل ستمگران با خواب غفلت انسی دیرینه دارد اما... قهر خدایی بی‌مقدمه بر جباران فرو نمی‌بارد، اعتراض اندیشمندان پیام غضب الهی است و مقدمه سقوط ستمگران، در قلمرو نفرین شده ضحاک بجز فرصت طلبان و دژخیمان ملتی هم وجود دارد، ملت ستم کشیده جان به لب آمده، اگر خونخواری و خونریزی جباران حدی ندارد، تحمل مردم ستم پذیر دارد، کاوه آهنگر را بنگرید که علمش و فریادش نعره انقلاب ملتی فریب خورده است و به جان آمده به فردوسی و به کاوه‌اش، به سیرجانی و به همه آزادگانی که سر بر سودای آزادی ایران نهادند و به همه پاسداران فرهنگ ایران و ملیت ایرانی و به همه پاسداران زبان فارسی از جمله ایرانشهر.

نباشد همی نیک و بد پایدار  
همان به که نیکی بود یادگار

فردوسی محصول دوران استبداد و اختناق عربان و ترکان است که شرافت ملی ایرانیان را پامال ستم کرده‌اند و تحریر و تکلم به زبان عربی را شرط بزرگی پنداشته و لعن بر نیاکان خویش را از فریاض دین، فردوسی و داستان‌های اساطیری ایران باستان را که میراث نیاکان است مجموعه دلنشین حکمت آمیز عبرت آموزی دیده که هم بازگفتنش در آن روزگار سیاه خدمتی وطن پرستانه است و هم به پارسی سرودنش ضامن دوام زبان فارسی، در همچو استبداد سخت و سیاه به یاد گذشته ایران افتادن و نسل جوان ایرانی را با سوابق درخشانش آشنا کردن و مردم را با موثرترین شیوه‌های غیرمستقیم به مقایسه و داوری کشاندن جز مبارزه علیه حکومت؟ هدف دیگری؟ می‌تواند داشته باشد؟ که این کار را فردوسی شاهنشاه شاعران ایرانی با شاهنامه‌اش انجام داده و سعیدی سیرجانی از اجله نویسندگان ایرانی با نعل و اروونه زدن و بقول کیهان دهن دریده جمهوری اسلامی نثر عقب عقب نوشتن.

شاهنامه فردوسی و بخصوص فصول اساطیری‌اش قصه حسین کرد و امیر ارسلان نیست که به قصد سرگرمی بخوانیم و بگذریم. فشرده تجارب هزاران ساله و حاصل روزگار ملتی کهن است و داستان ضحاک ماردوش از فرط شهرت احتیاج به تکرار ندارد اما بازگویی آن زبان جسور و ذهن نکته سنج سعیدی سیرجانی، جان تازه‌ای به آن بخشیده که تکرار آن شنیدنی است می‌گوید ضحاک ماردوش از بطن جهالت جامعه قدم به عالم هستی نهاده است و در گهواره اذهان کنایه ساز بخردان زمانه پرورش یافته است.

شاهکار لبریز از ایجاز و حیرت برانگیز ضحاک ماردوش بطور اختصار چنین است که جمشید پس از جلوس به تخت شاهی اول به تجهیز سپاهیان و حفظ استقلال مملکت پرداخت و برای رفاه رعیت به اختراع و به ترویج صنعت نساجی و کشتی‌رانی رو کرد و پس بفرمود دیوان را که سازندگی کنند/با استخراج معادن مردم توانگر شده و بر نشاط زندگیشان افزوده گردید، با آموختن رموز پزشکی پاسدار سلامت رعیت شد، «ز رنج و ز بدشان نبود آگهی»، و چه آفت خطرناکی است دوران طولانی آرامش و رفاه و بی‌مرگی، متوجه که هستید چه می‌گوید؟ شاهی به آن خوبی و دادپروری در اوج قدرت سقوط کرد و مردم در ناز و نعمت لمبیده دستخوش طغیان شده بر او شوریدند چرا؟

«به گیتی جز از خویشتن را ندید»، نگاهی به قامت خم شده تعظیم‌گران حکومتی و نگاهی به رعیت خاموش و آنگاه واپسین قدم به سوی پرتگاه سقوط، دعوی خدایی به سرش می‌زند، دیوان یعنی همان چاپلوسان، پایه‌های تخت جواهرنشان را بر شانه‌های خود گرفتند و تنوره کشان به هوا رفتند و میان شاه و ملت از زمین تا آسمان فاصله افکندند، ملت شاه را از خود نمی‌دانند پس به دنبال پیغمبری درد آشنا به دیار تازیان می‌روند به دنبال «پر از هول شاه ازدها پیکری»، یعنی که اجداد بزرگوار ما «البته مثل خود ما» ذاتاً آقابطب بوده و دل‌داده‌ی اربابی که از برکات قدرت وحشت آفرین او مملکت را تبدیل به قبرستان خاموشان کنند و خود به چپاول و غارت بپردازند، در این اسطوره حکمت آموز، مهم‌ترین ضررها از ترس است و نادانی، فردوسی به یقین می‌داند لذت مطلوب کم خردان و بخصوص فرمانروایان فردوسی به یقین می‌داند لذت مطلوب کم خردان و بخصوص فرمانروایان بی‌مایه، قدرت‌نمایی است،



## فضای سوم زنانگی

وب نوشته‌های مادرانه همان درد و دل‌های مادرانه خودمان است در دنیای دیجیتال. جنس خاص خودش را دارد. هم سیاست درش هست هم تدبیر منزل هم بچه داری کمی هم روشنفکری. دغدغه‌های زنانه با واگوبه‌های مدرن و امروزمین با دردسرهای قدیمی یک جا جمع می‌شوند. بیان تجربه‌های زنانگی در فضایی متفاوت و البته مشترک. وب نوشته‌های مادرانه یادداشت‌های روزانه یک زن ایرانی است در یک وبلاگ شخصی. زن ایرانی که اگر چه سالها درس خوانده و دانش آموخته لیکن فضای سیاسی حاکم در ایران از یک طرف و حس و عرق مادری از طرف دیگر دست به دست هم دادند تا او را در فضای خانه جای دهند. این جایگزینی اما سرنوشت محتوم نیست، نوشته‌های وبلاگ او حاکی از بیان تلاش‌ها و تجارب زنانه است برای ایجاد فضایی سوم فضایی متفاوت از تحمیلات بیرونی و تعهدات درونی، تجاربی مشترک با فضایی بیرون و نقش‌های درون. با سپاس از شرکت کتاب و آقای بیژن خلیلی که امکان چاپ این تجربه متفاوت را فراهم نمودند.

## پست سیزدهم

# خیلی دور خیلی نزدیک

## آتوسا راوش

به مسیر بالا از طریق یک پل چوبی پیوند خواهد خورد در همین فکر بودم که ناگاه جا پاهایی را در برف دیدم که به مسیر پایینی یعنی کنار رودخانه می‌رفت بدون اینکه به عمق جای پاها که حدود یک متر بود (که نشان از برف عمیقی بود که شب قبل آمده بود) فکر کنم مسیر آماده را در پیش گرفتم وقتی به کنار رودخانه رسیدم جای پاها مسیری خلاف مسیر مورد نظر من را در پی می‌گرفت یعنی از سمت دیگر رودخانه به بالا و به طرف خانه‌ی زیبایی که در بالای رودخانه و در جهت روبرویی مسیر اصلی قرار داشت می‌رفت بنابراین مجبور شدم تا بقیه‌ی مسیر را از میان برف که کاملاً یک دست و بسیار عمیق بود ادامه دهم، از پایین مسیر و بچه‌ها مشخص بودند سعی می‌کردم خودم را از آنها پنهان کنم و هر گاه آنها برمی‌گشتند تا به پشت سر خود نگاه کنند و فاصله‌ی خود را با من دریابند من در آن پایین خودم را لابه‌لای برف‌ها و درختانی که تقریباً تمامی تنه‌ی آنها در برف فرو رفته بود و تنها شاخ‌های لخت آنان بیرون بود پنهان می‌کردم چند متری نرفته بودم که احساس کردم که مسیر سخت تر از آنی است که من تصورش را می‌کردم با هر قدمی که بر می‌داشتم تا بالای زانو در برف فرو می‌رفتم و برای بیرون کشیدن خودم به انرژی بسیاری احتیاج داشتم تا قدم بعدی را بردارم کوله‌ای هم که به پشت داشتم مزید بر علت شده بود و اگرچه تا قبل از آن سنگینی آن را حس نمی‌کردم کم‌کم داشت برایم تبدیل به وزنه‌ای سنگین و غیر قابل تحمل می‌شد.

ولی باز فکر می‌کردم که مسیر ساده‌تر از آن چیزی است که بخواهد من را نگران کند، تصمیم گرفتم از حاشیه رودخانه رد شود تا مجبور نباشم در برف‌ها فروم اگر چه گاه مجبور می‌شدم تا از یک سمت رودخانه به سمت دیگر آن روم و این رفت و آمدها باعث شده بود تا حسابی خیس شوم و پاهایم یخ بزند، اما در حاشیه رودخانه نیز گاه تخته سنگ‌های بزرگی نمود پیدا می‌کردند که لایه‌ی ضخیمی از یخ آنها را فرا گرفته بود و اگر چه در شرایط عادی می‌شد به راحتی از آنها عبور کرد ولی در این شرایط یخ زده عبور از آنها تقریباً محال می‌نمود و امکان نداشت تا پاروی آنها گذاشت و یا اینکه با دست به آنها آویخت. بنابراین دوباره مسیر را کمی دورتر از رودخانه ادامه می‌دادم اما گذر از آن برف عمیق در توان تحمل‌ام نبود. درختان خود روی کنار رودخانه که

خیلی دور خیلی نزدیک نام فیلمی است، اما من می‌خواهم از آن برای عنوان این پست استفاده کنم، اول ماجرای را که چندی قبل برایم اتفاق افتاد خلاصه شرح می‌دهم بعد هم حسی که آن ماجرا در من ایجاد کرد و ربط آن به شرایط تاریخی اجتماعی که ما ایرانیان در آن به سر می‌بریم برای من تجربه‌ی جالبی بود، شما بخوانید و نظر بدهید.

چندی قبل به اتفاق بچه‌ها رفتیم کوه، کن، سولقان و بعد هم روستای سنگان قصد داشتم منظره‌ی آبشار زیبای پهنه حصار را در فصل زمستان به بچه‌ها نشان دهم این آبشار در هر فصلی زیباست به خصوص زمستان که با بستن یخ و قندیل بسیار باشکوه و تماشایی است از بعد از امامزاده که در سنگان بالا قرار دارد مسیر باریک همیشگی را که بر فراز دره‌ای نه چندان عمیق قرار دارد در پیش گرفتیم دره‌ای که رودخانه‌ای که در فصل زمستان پرشکوه تر به نظر می‌رسد از ته آن جاری است اگر چه مسیر را برف گرفته بود اما بر اثر رفت و آمد کوهنوردی‌ها قبل ما مسیر باریک همیشگی همچنان قابل استفاده و رفت و آمد بود این مسیر را بارها در تابستان و زمستان پیموده بودم از چم و خم آن به خوبی آگاه بودم نقطه‌ی خطرناک خاصی در آن وجود ندارد و با کمی احتیاط می‌توان به راحتی از آن عبور کرد.

در اطراف دره‌ی پایین که چندمتری بیشتر با مسیر فاصله ندارد زمین‌های کشاورزی است که با تلاش کشاورزان در آن نهال‌های و درختان میوه کاشته شده است اطراف رودخانه نیز درختان خودرویی وجود دارد که در بهار و تابستان بر زیبایی مسیر می‌افزاید.

طبق معمول بچه‌ها شروع به نق‌نق کردند و طبق معمول من بنای مسابقه را با آن‌ها نهادم و مطابق معمول خواستم به اصطلاح غیرت نداشته‌ی مردانه‌شان را به جوش آورم شاید این جوش در پاهایشان جاری شود و به جای نق‌زدن راه بروند. آنها جلو می‌رفتند و من عقب قدم‌هاش سرعت گرفته بودم، و من طبق معمول این مواقع برای اینکه سورپریزشان کنم و در حالی که آنها فکر می‌کنند من پشت سرشان هستم یک باره از مقابلشان سر در بیاورم و آنها با تعجب بپرسند که از کجا آمده‌ام و من هم به جای لو دادن مسیر بنای مسابقه‌ای دیگر را با آنها بگذارم، تصمیم گرفتم از مسیر کنار رودخانه بروم که می‌دانستم در نقطه‌ای نه چندان دور



جمع کردم و گفتم: فقط کوله کمی سنگین است، فکر کنم تا آخرش را خواند و به سرعت به کمکم آمد کوله را از پشتم گرفت و من توانستم با قرار دادن پا در جای پای او به پل برسم پلی که باور کنید چند متری بیشتر با من فاصله نداشت و من اصلاً آن را نمی‌دیدم.

اما این حسی که آن روز داشتم بسیار شبیه حسی است که این روزها دارم. حس می‌کنم ما ایرانیان چطور مسیر را می‌بینیم آنانی که با عاقبت و سلامتی از آن عبور می‌کنند نظاره می‌کنیم حتی خودمان هم چند صباحی در آن قدم زده‌ایم اما اکنون چقدر از دسترسمان دور است چقدر دور به نظر می‌رسد آنقدر دور که همه‌ی روشنفکران و نخبگان ما را در شرایطی آچمز مانند فرو برده است. راهی که برایمان در برهه‌هایی از تاریخ مانند مشروطه، دوران نهضت ملی شدن نفت و یا انقلاب و بعدها دوم خرداد آنچنان نزدیک و دست یافتنی شده این روزها دوباره اینقدر دور می‌آید. راهی که به جای تعمیق و تعریض آن با به جان یکدیگر افتادن‌ها خرابش کردیم. روشنفکران، دانشجویان، صاحبان قلم، روزنامه‌نگاران و خلاصه همه‌ی آنانی که دستی بر این عرصه داشتند به جای گرد آمدن حول این محور که شرایط را پایدار و ثابت نگه داشته و با تدبیر و دوراندیشی آزادی‌های به دست آمده را برای تاثیر بخشی‌شان در سایر حوزه‌ها از جمله فرهنگ نهادینه نمایند به جان یکدیگر افتاده و مانند روزگار دوران مشروطه و یا دوران نهضت ملی شدن نفت و یا همین دوران دولت اصلاحات به جان رهبران نضت افتاده و باور داشتند که باید محرومیت‌های تاریخی خود و جامعه را چند ساله از حلقوم آنان بیرون کشید. حالا در این شرایط که چند سالی بیشتر از آن آخرین روزهای تجربه‌ی دولت عقل‌گرا در ایران نمی‌گذارد حس می‌کنم آزادی و سعادت و زیست براساس معیارهای پذیرفته شده در عرف انسانی و جهانی چقدر از ما دور است و زمانی چقدر به ما نزدیک بود.

تا قبل از این بسیار در تابستان و بهار چشم نواز و دل انگیز می‌نمودند با تیغ‌هایی که به لباس و کوله‌ام می‌افکنند حرکت را پیش از پیش کند و سخت می‌کردند. باورم نمی‌شد که در چنین شرایطی قرار گرفته‌ام در حالی که مسیر همیشگی در چند متری‌ام قرار داشت و از این پایین شاهد عبور بچه‌ها (که حالا خیلی از من دور شده بودند) و سایر کوهنوردان بودند حالا من این پایین مانند چی در گل مانده بودم. مسیر کوتاه تا پل بسیار طولانی می‌نمود و پاهایم توانایی رفتن نداشتند، به پشت روی برف‌ها افتادم و در اوج درماندگی به معنای واقعی‌اش داشتم مسیر را که در چند متری‌ام قرار داشت و من قادر به رسیدن به آن نبودم نگاه می‌کردم شرایطم در نظرم رقت بار می‌آمد چون هم خنده‌ام گرفته بود و هم مستاصل شده بودم. خنده‌ام گرفته بود از اینکه چگونه من با آن همه ادعای کوهنوردی در یک چنین شرایط سهل و آسانی در فاصله‌ی چند متری از یک مسیر وامانده بودم که حتی توجیه ای برای کمک خواستن نداشتم و نگران از اینکه هم بچه‌ها را گم کرده بودم و هم اینکه بیرون آمدن از این مخمصه در نظرم به غایت سخت می‌رسید مانند آن سوسک یا لاک پشت که به پشت افتاده است و من در یکی از داستان‌ها خوانده بودم دست و پا می‌زدم بدون اینکه بتوانم دیگر قدمی از قدم بردارم نیرویم به کل تحلیل رفته بود و یک دستی برف مسیر را در نظرم آنچنان طولانی کرده بود که فکر می‌کردم خلاصی از آن وجود ندارد.

مدتی این جدال ادامه داشت چند قدم رفتن ایستادن نظاره کردن و با ناباوری شرایط را در ذهن مرور کردن، حس مسخره‌ای هم نمی‌گذاشت تا فریاد برارم و کمک بخواهم، تا اینکه یکی از کوهنوردان که از مسیر بالا در حال عبور بود متوجه شرایط من شد فریاد زد کمک می‌خواهی با صدای که سعی کردم از دور خنده به نظر بیاید ولی خودم می‌دانستم که بغض است گفتم، نه ممنون، طرف داشت می‌رفت که بالاخره قوایم را

# روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

## ۱۱ خرداد تا ۹ تیر

### June 2014

بهره برداری و نقل قول از این روز شمار فقط برای همکاران شاغل در رسانه‌ها (اجرای، رادیو، تلویزیون‌ها و سایت‌های خبری و تحلیلی) با ذکر ماخذ مجاز است.



#### ۱۱ خرداد (۱ ژوئن)

۱۳۰۳ خورشیدی (۱۹۲۴ میلادی)  
انتشار روزنامه‌ی اتحاد اسلام - در تهران - به مدیریت شیخ حسین لکنرانی  
۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)  
تصویب اساسنامه نخستین فرهنگستان ایران به وسیله هیئت وزیران  
۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)  
زادروز علی محمد حق شناس، زبان شناس و پژوهشگر  
۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)  
درگذشت سیدحسین میرخانی، خوشنویس و نوازنده کمانچه  
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)

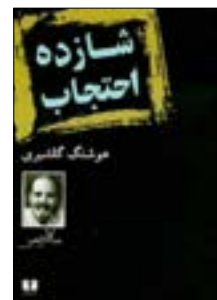
درگذشت حسین ملک مؤلف، متفکر و پژوهشگر مسایل ایران در پاریس  
درگذشت پروین سلیمانی بازیگر پیشکسوت سینمای ایران به دلیل عارضه تنفسی و ایست قلبی در تهران. وی متولد سال ۱۳۰۱ در تهران بود.  
۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)

#### ۱۶ خرداد (۶ ژوئن)

۱۲۸۹ خورشیدی (۱۹۱۰ میلادی)  
نکاءالملک به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شد.  
۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی)  
انتشار روزنامه آزادی در تبریز توسط شیخ محمد خیابانی  
۱۳۰۴ خورشیدی (۱۹۲۵ میلادی)  
تصویب قانون خدمت نظام اجباری در مجلس  
۱۳۰۸ خورشیدی (۱۹۲۹ میلادی)  
زادروز نادر نادرپور - شاعر و اندیشه‌ورز سیاسی  
مجموعه کامل اشعار نادر نادرپور در دو جلد توسط شرکت کتاب منتشر شده است  
۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی)



درگذشت هوشنگ گلشیری، نویسنده و منتقد ادبی  
او نویسنده معاصر ایرانی و سردبیر مجله کارنامه بود. وی را بعد از صادق هدایت، تأثیرگذارترین داستان‌نویس ایرانی دانسته‌اند.  
او با نگارش رمان کوتاه شازده احتجاب در اواخر دهه چهل خورشیدی به شهرت فراوانی رسید. این کتاب را یکی از قویترین داستان‌های ایرانی خوانده‌اند.



وی با تشکیل جلسات هفتگی داستان‌خوانی و نقد داستان از سال ۱۳۶۲ تا پایان عمر خود نسلی از نویسندگان را پرورش داد که در دهه هفتاد خورشیدی به شهرت رسیدند. او همچنین عضو و یکی از موسسان کانون نویسندگان ایران و از بنیانگذاران حلقه ادبی جنگ اصفهان بود.  
آثار گلشیری: مجموعه‌های داستانهای کوتاه، جبهه‌خانه، حدیث ماهیگیر و دیو، نمازخانه کوچک من، پنج گنج، دست تاریک دست روشن، نیمه تاریک ماه، شاه سیاهپوشان

رمان‌ها: شازده احتجاب، آینه‌های دردار، کریستین و کید، چن‌نامه (۱۳۷۶)، نشر باران، سوئد، معصوم پنجم، بره گمشده راعی گلشیری به دریافت جوایز زیر نایل شد:  
جایزه صلح ارایش ماریا مارک در سال ۱۳۷۸  
جایزه لیلیان هلمت/همت در سال ۱۳۷۶

کتابهای هوشنگ گلشیری در شرکت کتاب موجود است.

#### ۱۲ خرداد (۲ ژوئن)

۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
درگذشت آیت‌الله حاج سیدمحسن طباطبایی حکیم - پیشوای شیعیان جهان  
۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)  
درگذشت عبدالله باقری - استاد تذهیب  
۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی)  
درگذشت فریدون قوانلو - فیلمبردار سینمای ایران  
درگذشت حسن شجاعی خواننده کوچه و بازار.

#### ۱۳ خرداد (۳ ژوئن)

۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۸ میلادی)  
زادروز کاظم سادات اشکوری، شاعر و محقق  
۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)  
برگزاری نخستین جشنواره سینمایی سپاس در تهران  
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت برهان ابن‌یوسف - ادیب، روزنامه‌نگار و فارسی‌نویس اصیل ایرانی در لوس آنجلس.

#### ۱۴ خرداد (۴ ژوئن)

۱۳۳۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)  
درگذشت علی اصغر تفکری - بازیگر تئاتر و سینما  
۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)  
درگذشت آخوند روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار حکومت استبدادی جمهوری اسلامی



## روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت نادر ابراهیمی، نویسنده، تصویرگر و سینماگر ایرانی در سن ۷۳ سالگی (زادروز: ۱۴ فروردین ۱۳۱۵) در بیمارستانی در تهران. از آثار او: «خانه‌ای برای شب»، «مردی در تبعید ابدی»، «صوفیانه‌ها و عارفانه»، «بر جاده‌های آبی سرخ» و «آتش بدون دود»

### ۱۷ خرداد (۷ ژوئن)

۱۲۸۴ خورشیدی (۱۹۰۵ میلادی)

انتشار نخستین روزنامه «اختر» در استانبول به مدیریت آقا محمد طاهر تبریزی

۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)

زادروز محمدجعفر پوینده، مترجم، در یزد

وی در اشکذر یزد در خانواده‌ای فقیر متولد شد. در شش سالگی به دبستان رفت و از ده سالگی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۹ دیپلم گرفت و در همان سال در رشته حقوق قضایی در دانشگاه تهران پذیرفته شد. فعالیت سیاسی را از دوران دانشجویی در تهران آغاز کرد و از سال ۱۳۵۳ هنگامی که برای ادامه تحصیل در دانشگاه سوربن به فرانسه رفت در خارج از کشور ادامه داد. در سال ۱۳۵۶ مدرک فوق لیسانس جامعه‌شناسی را از این دانشگاه دریافت کرد و در شهریور ۱۳۵۷ در بحبوحه انقلاب به کشورش بازگشت.

پوینده پس از انقلاب وقت خود را وقف ترجمه آثار مختلف فلسفی و ادبی کرد و کتاب‌های بسیاری را از زبان فرانسه به فارسی برگرداند که برخی از آنها هنوز منتشر نشده‌اند.

وی عاقبت قربانی ترورهای سیاسی‌ای شد که عوامل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در سالهای پایانی دهه هفتاد خورشیدی انجام دادند و بعدها به‌عنوان یک رسوایی امنیتی مطرح و به قتل‌های زنجیرهای معروف شد. آثار ادبی، فلسفی و اجتماعی که در طی عمر کوتاهش ترجمه نمود بالغ بر ۳۶ اثر است.

۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)

نصب مجسمه فردوسی در میدان فردوسی تهران.

۱۳۳۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)

درگذشت ربابه الهی نخستین زن ناشر ایرانی

۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)

درگذشت فرزانه نوایی، چنگ‌نواز برجسته ایرانی در اثر بیماری سرطان در چهل و هشت سالگی در شهر برگز (اتریش)

### ۱۸ خرداد (۸ ژوئن)

۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی)

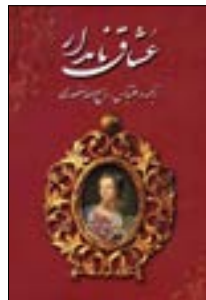
اعلام حکومت موقتی انقلابی در گیلان توسط میرزا کوچک خان جنگلی

۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی)

زادروز کامبیز روشن‌روان، آهنگساز و نوازنده

۱۳۶۵ خورشیدی (۱۹۸۶ میلادی)

درگذشت ذبیح الله حکیم‌اللهی معروف به ذبیح‌الله منصوری روزنامه‌نگار و مترجم ایرانی. آثار ترجمه وی به دلیل اقتباس از منابع دیگر و تغییر و افزایش متن اثر (در قیاس با متن زبان اصلی) مشهور است. برخی از آثار او عبارتند از: غرش طوفان (جلد ۷) (۱۳۳۶) - الکساندر دوما (پدر)، قبل از طوفان (جلد ۸) - الکساندر دوما (پدر)، مجموعه‌های از ۳ کتاب ملکه مارگو، مادام مونسورو و پاسداران ۴۵ گانه، سه تفنگدار (جلد ۱۰) (۱۳۳۶) - الکساندر دوما (پدر)، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان (جون بارک واشتن فنو) - ۱۳۴۳، عشاق نامدار (جلد ۳) (۱۳۴۶) - خواجه تاجدار (۱۳۴۷) - ژان گور، امام حسین و ایران (۱۳۵۱) - کورت فریشلر، مغز متفکر



جهان شیعه «امام صادق» (۱۳۵۴)، سقوط قسطنطنیه (۱۳۵۹) - میکا والتاری، خداوند الموت (حسن صباح) (۱۳۵۹) - پل آمیر، ملاصدرا (۱۳۶۱) - هانری کرین، عارف دهبیم دار (۱۳۶۲) - جیمز داون، غزالی در بغداد (۱۳۶۳) - ادوارد توماس، جراح دیوانه (۱۳۶۴) - ژارگن توروالد، سرزمین جاوید (جلد ۴) (۱۳۷۰) - رومن گیرشمن، زندگی خصوصی کاترین کبیر (۱۳۷۲) - جرج پی. کوچ، سینووه پزیشک فرعون (جلد ۲) - الکساندر دوما (پدر)، محبوس سنت هلن یا سرگذشت ناپلئون - اوکتاو اوهری، شاه طهماسب و سلیمان قانونی - آلفرد لابی آر، دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه تزاری - ژان یونیر، مکاتبات چرچیل و روزولت - وارن اف. کمبل، پتر کبیر (جلد ۲) - رابرت ماسی، عایشه بعد از بیغمبر - کورت فریشلر، ایران و بابر - ویلیام ارسکین، ملکه ویکتوریا - الیزابت لانفورد

است

۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی)

درگذشت غلامحسین نقشینه، بازیگر نئاتر (معروفترین نقش او دایی جان در سریال دایی جان ناپلئون)، سینما و تلویزیون (تولد ۱۲۷۸ خورشیدی) - سریال دایی جان ناپلئون در شرکت کتاب موجود

است

### ۱۹ خرداد (۹ ژوئن)

۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۲ میلادی)

سخنرانی تاریخی دکتر محمد مصدق در دادگاه لاهه

۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)

درگذشت عباس طریقتی کاشانی، استاد بافنده و نقشبند زری بافی

۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی)

درگذشت هراند قوکاسیان، مدرس زبان و ادبیات ارمنی

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت تورج فرازند مفسر سیاسی، روزنامه‌نگار، نویسنده، ادیب، برنامه‌ساز رادیو در لوس آنجلس. در سن ۸۲ سالگی.

۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت دکتر پرویز ورجاوند، از اعضای ارشد جبهه ملی ایران، فارغ‌التحصیل رشته باستانشناسی و هنر از دانشگاه سوربن فرانسه، وزیر فرهنگ و هنر در دولت مهدی بازرگان، استاد ممتاز باستان شناسی دانشگاه تهران، رئیس بخش ایالات و عشایر در مرکز مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران.

### ۲۰ خرداد (۱۰ ژوئن)

۱۳۱۸ خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی)

زادروز «شهین»، خواننده و بازیگر

۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)

زادروز علی بهروزی، مترجم، در آبادان

۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)

زادروز لاله پورکریم، خواننده، بازیگر سوئدی ایرانی‌الاصل

۱۳۷۴ خورشیدی (۱۹۹۵ میلادی)

درگذشت علی اصغر بهاری استاد کمانچه

آثار استاد بهاری در شرکت کتاب موجود است

۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)

درگذشت نعمت‌الله جهان‌نویی، مدیر مجله فردوسی - چاپ تهران و روزنامه‌نگار در تهران.



## روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

## ۲۱ خرداد (۱۱ ژوئن)

۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)

زادروز مفتون امینی، شاعر

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)

زادروز فریدون شهبازیان، آهنگساز

آثار فریدون شهبازیان در شرکت کتاب موجود است

۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)

زادروز سیاوش قمیشی (دزفول) ترانه‌سرا، خواننده و آهنگساز ایرانی مقیم لوس آنجلس، قمیشی تاکنون بیش از ۱۸ آلبوم موسیقی منتشر کرده‌است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد موسیقی در رشته جاز کلاسیک است

آثار سیاوش قمیشی در شرکت کتاب موجود است

۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)

زادروز حسین بهروزی‌نیا نوازنده ایرانی بریط

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۴)

درگذشت دکتر محمد خزائی، بنیانگذار انجمن حمایت از نابینایان و مدرس

۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)

درگذشت هدی رضازاده صابر (متولد ۲۶ اسفند ۱۳۳۸) روزنامه‌نگار، مترجم، فعال ملی مذهبی، عضو جنبش مسلمانان مبارز، زندانی سیاسی و از گردانندگان مجله توقیف شده «ایران فردا» بود.

وی که در ۱۲ خرداد ۱۳۹۰ در حالی که در اوین زندانی بود در اعتراض به مرگ مشکوک هاله سحابی در مراسم تشییع جنازه پدرش عزتالله سحابی اعتصاب غذای خود را به همراه امیر خسرو دلیر ثانی دیگر زندانی سیاسی ملی-مذهبی، آغاز کرده بود در ۲۱ خرداد پس از انتقال از زندان به بیمارستان مدرس بر اثر نارسایی قلبی درگذشت. منابع نزدیک به مخالفان حکومت ایران، علت مرگ هدی صابر را ضرب و شتم از سوی ماموران امنیتی زندان اوین، عنوان کرده‌اند.

## ۲۲ خرداد (۱۲ ژوئن)

۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)

تصویب قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور

۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)

درگذشت لوریک میناسیان بازیگر ارمنی سینما و تلویزیون در ایران-وی متولد سال ۱۳۲۲ در شهر تبریز و بازیگر فیلم‌ها و سریال‌های متعدد بود.

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

اعتراضات خیابانی مردم ایران در واکنش به اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران که در آن محمود احمدی‌نژاد به عنوان برنده از سوی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران معرفی شد.

## ۲۳ خرداد (۱۳ ژوئن)

۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)

انتشار نشریه‌ی ایران مصور

۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)

گشایش خانه مطبوعات ایران

## ۲۴ خرداد (۱۴ ژوئن)

۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)

زادروز سبا خوبی فعال حقوق بشر و مجری شبکه تلویزیونی تلویزیون «من و تو»

## ۲۵ خرداد (۱۵ ژوئن)

۱۳۱۵ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)

زادروز رضا بیک ایمانوردی، بازیگر و ورزشکار

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

کشته شدن سهراب اعرابی و حداقل شش نفر دیگر از معترضین به دست نیروی بسیج و نیروی انتظامی در جریان اعتراضات مردمی.

۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)

درگذشت حسن کسایی، نوازنده نی در سن ۸۴ سالگی در اصفهان. وی متولد سوم مهرماه ۱۳۰۷ بود.

## ۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن)

۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی)

زادروز کسرا عنقایی، شاعر

۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)

درگذشت مهندس جعفر شریف امامی، رجل سیاسی کتاب خاطرات مهندس جعفر شریف امامی، پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد از انتشارات ایران بوکز در شرکت کتاب موجود است

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

محمدرضا شجریان از صدا و سیما خواست تا از پخش آثارش خودداری کند؛ وی این عمل را در اعتراض به نتیجه انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری انجام داد؛ او قبلاً نیز نسبت به پخش غیرقانونی آثارش از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، اعلام نارضایتی کرده بود.

۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)

درگذشت مهتاب نوروزی، مشهورترین سوزن دوز بلوچستان ایران در سن ۷۸ سالگی.

## ۲۷ خرداد (۱۷ ژوئن)

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)

درگذشت عباس مسعودی، بنیانگذار و مدیر مؤسسه‌ی اطلاعات و نماینده مجلس شورای ملی (شش دوره)، و نماینده‌ی مجلس سنا.

عباس مسعودی، (۱۳۵۳-۱۲۷۴) روزنامه‌نگار و فعال سیاسی دوران محمدرضا شاه پهلوی بود و روزنامه اطلاعات را پایه‌گذاری کرد.

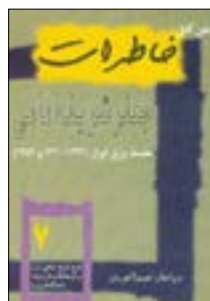
او ابتدا در روزنامه کوشش به مدیریت شکرالله صفوی با مرحوم ذبیح‌الله منصوره همکاری بود. با خروج از روزنامه کوشش ابتدا چند چاپخانه کوچک را تاسیس نمود و وقتی به خوبی با کار خود آشنا شد، روزنامه اطلاعات را راه اندازی کرد.

بعدها اطلاعات پرتیراژترین روزنامه کشور ایران شد و باعث شد تا عباس مسعودی با مقامات بزرگ کشور از نزدیک آشنا شود. و از این طریق به مجلس شورای ملی راه یافت. پس از وقایع شهریور بیست، مسعودی یکبار توسط افراد ناشناس مورد سوءقصد قرار گرفت و تا سر حد مرگ پیش رفت. با ورود رقیب جدیدی به نام روزنامه کیهان، مسعودی مجلات اطلاعات هفتگی، اطلاعات ماهانه، اطلاعات بانوان و مجله الاخرا را به زبان عربی انتشار داد.

نشریه اطلاعات سال‌های گذشته صحافی شده با جلد گالینگور و هم چنین کپی پی دی اف روزنامه‌ها از ۱۳۴۰ خورشیدی تا پایان سال ۱۳۹۰ بر روی سی دی در شرکت کتاب موجود است

۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)

درگذشت استاد محمود تاجبخش، از پیش کسوتان موسیقی سنتی ایران و نوازنده ویولون و سه تار (تولد ۱۳۰۴ خورشیدی)



## روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

داریوش مهرجویی کارگردان گاو (۱۳۴۸) استعداد انتظامی را کشف کرد و پروراند. بازی‌های او در دیگر آثار مهرجویی همچون آقای هالو، دایره مینا،



پستچی، اجاره نشین‌ها، هامون و بانو باعث بروز توانایی‌های بسیار او شد. انتظامی علاوه بر نقش آفرینی در آثار مهرجویی، در فیلم‌های کارگردانان دیگری چون علی حاتمی و محسن مخملباف نیز بازی کرده است

۱۳۲۶ خورشیدی (۱۹۴۷ میلادی)

زادروز شیرین عبادی، فعال سیاسی و حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل

کتاب‌های خانم شیرین عبادی به فارسی و انگلیسی در شرکت کتاب موجود است

۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)

زادروز هنگامه اخوان، هنرمند آواز

آثار خانم هنگامه اخوان در شرکت کتاب موجود است

۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)

اعدام سعید سلطانیور - شاعر، نویسنده و کارگردان تئاتر

۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)

زلزله‌ای به بزرگای ۷.۷ در مقیاس ریشتر، رودبار و منجیل را لرزاند و حدود ۴۰۰۰۰ کشته بر جای گذاشت

### تیر (۲۲ ژوئن)

۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی)

زادروز ثریا اسفندیاری بختیاری در اصفهان - درگذشته ۴ آبان ۱۳۸۰ در پاریس بر اثر سگته مغزی، دومین همسر محمد رضا شاه پهلوی و ملکه ایران بود.

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

زادروز عباس کیارستمی (تهران) فیلمنامه‌نویس، تهیه‌کننده و کارگردان سینمای ایرانی است که آثار وی اغلب با استقبال فراوان منتقدان روبه‌رو شده است. کیارستمی از سال ۱۹۷۰ میلادی در عرصه سینما فعالیت می‌کند و تاکنون بیش از ۴۰ فیلم سینمایی، کوتاه یا مستند را ساخته، نوشته، یا تهیه کرده است. از مهمترین آثار وی می‌توان به سه‌گانه زلزله، طعم گیلاس و باد ما را خواهد برد و زیر درختان زیتون اشاره کرد.

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)

زادروز اورنگ خضری، شاعر

### تیر (۲۳ ژوئن)

۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی)

به توپ بستن مجلس در میدان بهارستان به دست سرهنگ لیاخوف روسی.

۱۳۱۸ خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی)

زادروز صمد بهرنگی، داستان‌نویس، محقق، مترجم، و شاعر چپ ایرانی

آثار صمد بهرنگی در شرکت کتاب موجود است

۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)

زادروز پرویز پرستویی، بازیگر ایرانی سینما، تئاتر و تلویزیون

۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)

درگذشت عباس جلالی سوسن آبادی نگارگر و مینیاتوریست بزرگ ایرانی در لوس آنجلس (کالیفرنیا - آمریکا)



### ۲۸ خرداد (۱۸ ژوئن)

۱۲۷۳ خورشیدی (۱۸۹۴ میلادی)

زادروز دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) - ادیب و پژوهشگر

۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۸ میلادی)

زادروز فریده رازی، قصه‌نویس و محقق

آثار فریده رازی در شرکت کتاب موجود است

۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)

مجله‌ی «فرید» به صاحب امتیازی «راضیه امینی» منتشر شد

۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)

درگذشت حسن مشحون، موسیقی‌شناس و نویسنده

درگذشت قاسم نیک‌پور، نوازنده ویولون و پیانو

۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)

درگذشت سیاوش بشیری (نویسنده) در اروپا

### ۲۹ خرداد (۱۹ ژوئن)

۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی)

زادروز ابراهیم حامدی (ابی) خواننده موسیقی ایرانی در سال ۱۳۲۸ در میدان فوزیه تهران

۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۲ میلادی)

زادروز کامیار شاپور، شاعر

۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی)

درگذشت دکتر علی شریعتی - نویسنده و متفکر مذهبی

### ۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن)

۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی)

به دستور محمدعلی شاه از انتشار تمام روزنامه‌ها جلوگیری شد

۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی)

درگذشت سلیم فرزاد، نوازنده ویولون و قره‌نی

۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)

درگذشت محمد مهریار، مترجم و پژوهنده میراث فرهنگی

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

درگذشت ندا آقاسلطان: (متولد ۳ بهمن ۱۳۶۱ در تهران - ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در تهران) یکی از ده‌ها نفری بود که در جریان اعتراضات مردمی به نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ (۲۰ ژوئن ۲۰۰۹) در

محله امیر آباد تهران (خیابان کارگر شمالی، تقاطع خیابان شهید صالحی و کوچه خسروی) به ضرب گلوله کشته شد. انتشار فیلم کوتاهی از لحظات جان

سپردن وی که با تلفن همراه گرفته شد، بازتابهای فراوانی در رسانه‌های جهان به دنبال داشت. به نوشته هفته‌نامه تایم، لحظه جان سپردن وی پر بیننده

ترین مرگ یک انسان در تاریخ بشریت شد.

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

درگذشت اشکان سهرابی که در جریان تظاهرات اعتراضی معترضان به انتخابات کشته شد

۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

اعدام عبدالملک ریگی رهبر گروه جندالله توسط جمهوری اسلامی

### ۳۱ خرداد (۲۱ ژوئن)

۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی)

تأسیس حزب کمونیستی ایران به نام «عدالت» در بندر انزلی

۱۳۰۳ خورشیدی (۱۹۲۴ میلادی)

زادروز عزت‌الله انتظامی بازیگر پر سابقه تئاتر و سینمای ایران

## روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

### ۳ تیر (۲۴ ژوئن)

همدوره و هم‌عصر با ناصر تقوایی، علی حاتمی، بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی و عباس کیارستمی بود که در فاصله سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۶ تحصیلات عالی خود را در مدرسه پروفیسور کراوس وین در رشته سینما آغاز کرد و در فرانسه ادامه داد.

وی فعالیت در سینما را از سال ۱۳۴۵ با ساخت فیلم کوتاهی به نام «آیا» آغاز کرد. در بازگشت به ایران، در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و فیلم مستند ساخت.

کارش را به عنوان مترجم و نویسنده سینما بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ ادامه داد. در سال ۱۳۵۵ به دنبال درخشش فیلم‌های اول و دومش (یک اتفاق ساده (۱۳۵۲) و طبیعت بی‌جان (۱۳۵۴)) به آلمان مهاجرت کرد.

از جمله فیلم‌های او در آلمان می‌توان به فیلم‌های زیر اشاره کرد: «در غربت» (۱۳۵۴)، «قرنطینه» (۱۳۵۵)، «زمان بلوغ» (۱۳۵۵)، «آخرین تابستان‌نگار» (۱۳۵۹) و «یک زندگی، چخوف» (۱۳۶۰).

سهراب چند سال پیش از مرگش به آمریکا رفت و در شیکاگو اقامت نمود و از آن پس فیلمی نساخت. فیلم «گل‌های گل سرخ برای آفریقا» (۱۳۷۰) بسیار مورد توجه منتقدان غرب قرار گرفت و با جوایز زیادی همراه بود.

وی در دهم تیرماه سال ۱۳۷۷ بر اثر بیماری سرطان کبد در شیکاگو درگذشت. ۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)

انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی و قتل آیت‌الله بهشتی و ۷۲ نفر (به روایت خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی) دیگر

۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)  
درگذشت عبدالعلی وزیری، خواننده و نوازنده‌ی تار (تولد ۱۲۹۲ خورشیدی)

### ۸ تیر (۲۹ ژوئن)

۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)

درگذشت «دهقان» (حاج اسماعیل خان) - شاعر و آدابخواه

۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۳ میلادی)

درگذشت ویگن درریان - خواننده‌ی موزیک جاز ایران

آثار زنده یاد ویگن در رکت کتاب موجودند

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

درگذشت محمد حقوقی، شاعر و منتقد معاصر به علت نارسایی قلبی و کلیوی در اصفهان در سن ۷۲ سالگی. وی متولد سال ۱۳۱۶ در اصفهان بود.

### ۹ تیر (۳۰ ژوئن)

۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی)

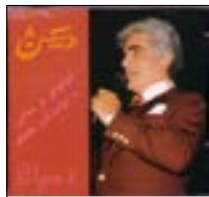
درگذشت سیداحمد ادیب پیشاوری - شاعر، دانشمند و ادیب

۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی)

زادروز امیر همایون خرم، نوازنده ویلون

۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)

درگذشت علی محمد آزاد - ادیب و شاعر



### ۵ تیر (۲۶ ژوئن)

۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)

تشکیل انجمن فرهنگی ایران و آلمان به ریاست استاد پورداوود

۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)

درگذشت مهدی نامدار - استاد دانشگاه تهران و رییس سابق دانشگاه اصفهان

در سن ۷۳ سالگی (بر اثر تصادف)

۱۳۵۰ خورشیدی (۱۹۷۱ میلادی)

درگذشت دکتر احمد متین‌دفتری، سناتور، استاد ممتاز دانشگاه و نخست‌وزیر

در سن ۷۳ سالگی

### ۶ تیر (۲۷ ژوئن)

۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی)

آغاز قیام مردم تبریز به رهبری ستارخان علیه استبداد محمدعلی شاه

۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)

در پی دعوت خانم ایران تیمورتاش (مدیر روزنامه رستاخیز) عده‌یی از مدیران جراید علیه دولت و حکومت نظامی قطعنامه‌یی صادر کردند.

۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)

تصویب قانون تأسیس دانشکده افسری

### ۷ تیر (۲۸ ژوئن)

۱۲۵۴ خورشیدی (۱۸۷۵ میلادی)

زادروز کیخسرو شاهرخ ملقب به ارباب کیخسرو، نماینده جامعه زرتشتیان در مجلس شورای ملی (مرگ ۱۱ تیر ۱۳۱۹).

۱۳۰۳ خورشیدی (۱۹۲۴ میلادی)

درگذشت ظهیرالدوله (داماد ناصرالدین شاه)، بنیانگذار و رییس انجمن اخوت

۱۳۲۲ خورشیدی (۱۹۴۳ میلادی)

زادروز سهراب شهیدتالت، آغازگر موج سینمای نو در ایران. وی کارگردان



بهره برداری و نقل قول از این روزشمار فقط برای همکاران شاغل در رسانه‌ها (جراید، رادیوها، تلویزیون‌ها و سایت‌های خبری و تحلیلی) با ذکر ماخذ مجاز است. کلیه عکس‌ها برگرفته از آرشیو شرکت کتاب است.





آغاز تدوین خاطرات شادروان خسرو پرویزی کارگردان فیلم بی ستاره‌ها به اهتمام همسرش:

## چگونه نام یک فیلمساز جاودانه می ماند؟



سینمای ایران است که یاد او را برای همیشه در نزد دوستداران سینما زنده و ابدی نگه می دارد کما این که چراغ محل کار او در وست وود لس آنجلس همچنان روشن و زنده است.»

\*\*\*

همراه با یادداشت مهین خانم پرویزی، شرح کوتاهی نیز از آن زنده یاد پیش از درگذشت در این زمینه آمده است که به شدت تاثیرگذار است. خسرو پرویزی نوشته است: «در بعد از ظهر آخرین روز آپریل ۱۹۹۶ وقتی تختخواب چرخدار مرا برای انجام جراحی قلب باز به پشت اتاق عمل بیمارستان می رانند، آن جا همسرم که کوهی از درد شده بود به اتفاق فرزندانم باید از من جدا می شدند. تصمیم گرفتم قبل از این جدایی گنگ، آرزویی که در سینه ام پریر می زد بر زبان آورم. وقت بسیار کوتاه بود و تا چند لحظه دیگر دو لنگه درهای بزرگ اتاق جراحی باز و بسته می شد و ارتباط مرا با عزیزانم معلوم نیست برای چه مدت زمانی قطع می کرد! در حالی که اشک پهنه صورتم را احاطه کرده بود خطاب به همسرم مهین گفتم: فقط یک آرزو دارم. اگر من برنگشتم، مجموعه خاطرات دوران زندگی فیلمسازی مرا از روی یادداشت های پراکنده که نوشته ام و با مراجعه به بریده مطبوعات جمع آوری و در قالب یک کتاب با نام «از بی ستاره‌ها تا چلچراغ» منتشر کن! هنوز جمله ام به پایان نرسیده بود که صدای چرخیدن لنگه های در اتاق جراحی به گوش رسید و با این حرکت ارتباطم با دنیای خارج قطع گردید.»

اگر چه درگذشت هنرمند و سینماگر مشهور خسرو پرویزی فرصت سر و سامان دهی به خاطرات او را به همت خودش به این چهره فرهنگی و هنری نداد. خوشبختانه مطلع شدیم خانم «مهین پرویزی» همسر گرامی او درصدد است آن خاطرات را آماده کند و به صورت کتابی منتشر نماید.

خانم پرویزی دلیل این تصمیم خود را به دست نوشته ای از مرحوم پرویزی مدلل می نماید که در آن شادروان پرویزی به همسرش مهین در این مورد سفارش کرده که با کمک دوستان یادداشت های ناتمام او را کامل کرده و به چاپ برساند.

خانم مهین پرویزی طی یادداشتی برای چاپ در جراید گوناگون فارسی زبان در ایالات متحده آمریکا ارسال کرده است، از تمام دوستان خسرو پرویزی به خصوص از سینماگران و روزنامه نگاران تقاضا کرده است تا هر گونه خاطرات خود درباره او برای چاپ در این کتاب را در اختیارش بگذارند. شایان ذکر است شادروان خسرو پرویزی در طول عمر خود ۲۷ فیلم بلند سینمایی و ۱۷ فیلم مستند ساخته است، که بی تردید عده ای در هنگام تهیه این فیلم ها از آن زنده یاد خاطراتی دارند که می توانند در دسترس مهین خانم همسر او بگذارند تا کتاب از «بی ستاره‌ها تا چلچراغ» خسرو تکمیل شود.

خانم پرویزی در یادداشت خود آورده است: «به ثمر رساندن کتابی وزین و در خور توجه به منزله قدردانی و سپاسی از زحمات کارگردان موج نوی

# غزل اول و حرف آخر

س. ملیکیان

چند سال پیش آقای ملیکیان به شرکت کتاب آمدند و مرا از پژوهشی که در غزل اول حافظ نموده‌اند باخبر کردند. برآستی من هم به مانند اکثر فارسی‌زبانان که عاشقانه حافظ و اشعار او را دوست داریم، در معنی کردن بیت دوم غزل اول در مانده بودم تا این که چراغ را ایشان به دست ما نیز دادند. به او اصرار کردم که چاپش کند. گفت، جایی را سراغ ندارد که در خور حافظ باشد. تا این که آوازه چاپ مجدد ایرانشهر را شنیده بود و بر ما منتی گذاشت که ما هم سهمی در آشکار شدن این راز سر به مهر ۷۰۰ ساله داشته باشیم. خون‌پنیده شعر حافظ در یکایک ما جاری است، باشد که فرزندان فرهنگ ایرانزمین به یاری آن راز و رازهای او را بر ما بکشایند.

بیژن خلیلی



فصلی کامل از کتاب خود را تخصیص به بررسی غزل اول حافظ بزرگ داده است. طی این بررسی گرچه نکاتی آموزنده را به تحریر آورده اما در شرح معنای بیت دوم مرتکب همان اشتباهی شده که همه دیگران شده‌اند. در صفحات بعد، باز هم به این فصل از کتاب ایشان بر خواهیم گشت، اما اکنون برای روشن شدن مطلب و مقصود اجازه دهید به کارها و نظرات «محققین» دیگر هم نگاهی اندازیم. پس از مطالعه کتاب مذکور و مشاهده تعریف نادرستی که ایشان از این بیت از غزل بدست داده‌اند، در حین شگفت‌زدگی و ناباوری (از عدم استنباط معنای روان و دلپذیر این بیت بوسیله محقق گرامی) اما بسیار برانگیخته و کنجکاو، در اولین فرصت جویای تحقیقات سایرین شدم و در این رهگذر شاید به بیش از ۳۰ (سی) کتاب و نوشته رجوع کردم. این جا بایستی اذعان کنم که در خلال پنجاه سال گذشته شاید بیشترین کتاب و مقاله در مورد حافظ بزرگ و

بیش از بیست سال پیش بنده مقاله‌ای نوشتم و در انتها بر حسب حال، و منباب حسن ختام بیت زیر را از غزل «اول» حافظ بزرگ به عاریت گرفتم:

به بوی نافه‌ای کاآخر صبا زان طره بگشاید

ز تاب جعد مشکین‌اش چه خون افتاد در دل‌ها

این گذشت تا بر حسب اتفاق (و کنجکاوی) کتاب خوب «ماجرای پایان ناپذیر حافظ»\* از محقق و استاد گرامی جناب دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن به دستم رسید و خواندم. هم این جا (و در تحقیق‌های بعدی) بود که متوجه شدم معنای درست (و بسیار شیرین و روان) این بیت را، کسی از محققین و حافظ پژوهان و دست‌اندرکاران شعر حافظ بزرگ، متوجه نشده، هر یک بر حسب دانش و ادراک خود سعی در وانمودن معنی کرده است.

استاد و محقق گرامی دکتر اسلامی ندوشن در بخش «افزودگی»‌ها

## در قلمرو فرهنگ



غزلیاتش از هر زمان دیگر در تاریخ ایران (و بلکه جهان) نوشته شده است: با مطالبی بسیار گوناگون و موضوعاتی بسیار متنوع. از بررسی‌های خوب دکتر سلیم نیساری گرفته تا هستی‌شناسی حافظ از آشوری: از نقش آفرینی‌های حافظ به قلم دکتر فرشید ورد تا مقاله اول «دو گفتار» از دلرام مشهوری (؟) و بسیاری دیگر.

بنده غیر از کتاب‌ها و مقالات فوق‌الذکر، برای حصول اطمینان و رفع شک و شبهه به کتاب‌های گوناگون دیگر نیز رجوع کردم: از رحیم ذوالنور تا حسین پژمان، هاشم جاوید (شرح دشواری‌های ابیات و غزلیات دیوان حافظ) هادی حائری و دکتر یحیی یثربی (تحلیل موضوعی دیوان حافظ)، حافظ علامه قزوینی و دکتر غنی، حافظ نائل خانلری، حافظ شاملو، حافظ مرحوم دکتر محمود هومن ویراسته اسماعیل خوبی کلمات و اصالت غزل‌های حافظ، به تعریف دکتر حسینعلی هروی (شرح غزل‌های حافظ) تا تألیف دکتر خطیب رهبر و تعدادی دیگر.

می‌گویم برای حصول اطمینان و رفع شک و شبهه: تا برای بنده محقق شد که از ایشان کسی معنای دقیق این بیت را (معنای درست و بسیار ساده و بی‌نهایت دلپذیر آن را) استنباط نکرده، آنان که کوشش در گشایش معنای آن کرده‌اند، از ابتدا مقصود حافظ بزرگ را سخت اشتباه گرفته‌اند و بدین جهت در پیچ و خم تعبیری عجیب، اضافات لغوی یا حذف نایجای لغات، هر قدر تکاپوی بیشتر کرده‌اند، ژرف‌تر به خطا افتاده‌اند و در انتها گنگی و ثقلتی بیشتر را باعث گشته‌اند. (اگر چه بایستی اذعان کنم که همگی زحمات بسیار کشیده کارهایی خوب ارائه داده‌اند.) اکنون، قدری موضوع را بشکافیم و چند مثال از این تعاریف گنگ و (متأسفانه) ناصواب را، اینجا بیاوریم:

دکتر حسینعلی هروی در کتاب خود «شرح غزل‌های حافظ» در صفحه ۲ بیت را اینگونه تعریف می‌کند:

«به امید آن که باد صبا گرهی از آن زلف بگشاید تا عطری از آن برای ما بیاورد چقدر دل‌ها از انتظار خون شد... و باد صبا به این علت نمی‌تواند بویی بیاورد (چرا) که زلف محبوب درهم پیچیده و زیر حجاب پوشیده است.»

ایشان معنایی عرفانی نیز برای این بیت آورده‌اند به شرح زیر: «عرفانی - به امید آن که رازی از اسرار خلقت را بگشاییم باید چه رنج‌ها و ریاضت‌ها بکشیم.»

دکتر خلیل خطیب رهبر بیت را اینگونه معنی کرده‌اند: «به امید ناهای بویا که عاقبت باد بهاری از خم گیسوی آراسته و مشکبوی بار بگشاید و دل‌های عاشقان از رنج انتظار سخت خون گشت.» همه این سروران عزیز سعی وافر نموده‌اند اما خواهیم دید که تعاریف فوق‌الذکر تا چه حد (و متأسفانه) بی‌مورداند.

اکنون ببینیم جناب دکتر اسلامی ندوشن چه گفته‌اند: ایشان پس از شرحی نسبتاً مفصل (و بجا) در مورد بیت اول این غزل یعنی: الا یا ایها الساقی ادرکاسا و ناولها - که عشق آسان نمود

اول ولی افتاد مشکلاها (در صفحات ۲۶۲ تا ۲۶۵ همان کتاب) در تعریف بیت دوم می‌گویند «این بیت توجیحی بر بیت اول و آوردن نمونه‌ای است از مشکل عشق می‌گوید: می‌بینید که برای دست یافت به بویی از زلف او چقدر باید صبر کرد و خون دل خورد.»

سپس ایشان شرحی مفصل نوشته آورده‌اند که: «بوی در این جا به معنای آرزو و رایحه هر دو، در بر دارنده ایهام است. از وجود خود معشوق خبری نیست که دست نیافتنی است. باید به رایحه‌ای از او قناعت کرد و چه بهتر که چنین باشد... ولی وجود او به حدی نافذ و عشق چنان در نیرو است که بادی که از دور بر تن او بوزد حضور او را ملموس خواهد کرد. بی تردید اشاره به داستان یوسف و یعقوب دارد... ناهه در ارتباط با زلف، گذشته از سیاهی و بوی افشانی، خاصیت فروبستگی و رمزش نیز مورد نظر است... حافظ به علت همین رمزش، زیاد با آن بازی ذهنی می‌کند.

«جعد و طره (که در لغت موی جلوی سر خوانده شده) هر دو پیچیدگی دارند... تاب دارای ایهام رنج و پیچش هر دوست. رابطه میان خون ناهه و خون دل عاشق نیز بخوبی روشن است...» بدین ترتیب، این بیت دوم در این غزل والای حافظ بزرگ، درین





ایشان در ابتدای فصل مذکور از کتاب خود\*\* تحت عنوان «غزل اول و حرف آخر» (که بنده نیز عنوان این نوشته را با اجازه غیابی ایشان، همین آورده‌ام) نوشته‌اند که:

«غزل اول دیوان عزیز در جای خود نیست. زیرا اگر رعایت ترتیب الفبایی می‌شد می‌بایست در شمار آخرین حرف الف قرار گیرد (شماره ۱۲ چاپ قزوینی)

«چون در همه نسخه‌های خطی و چاپی، این غزل بر همان جای نابجای خود نشسته، این سؤال پیش می‌آید که چرا در مورد آن استثنا به کار رفته. اگر تصور کنیم که کسی که نخستین گرد کننده دیوان بوده این ترتیب را اتخاذ کرده و دیگران هم از او پیروی نموده‌اند، ناگزیر باید بیندیشیم که حکمتی در کار بوده. این حکمت چیست؟ آیا جامع دیوان که حافظ را از نزدیک می‌شناخته، از زبان خود شاعر درباره آن حرفی شنیده بوده که حاکی از اولویت باشد؟

آیا این غزل در زمان خود شهرتی خاص به دست آورده بوده و یا محتوا و صورت آن اقتضای چنین مقامی را داشته؟ نمی‌دانیم.

«... همین شعر هفت بیتی پنج مضمون اصلی دیوان که نزدیک به کل جهان‌بینی خواجه را شامل می‌شود در خود جمع دارد.» بنده با نظر جناب استاد دکتر اسلامی ندوشن کاملاً موافقم و پس از دریافتن معنی و مفهوم درست بیت دوم این غزل، چه بسا که این نظر صائب‌تر شود.

براستی، معنای درست بیت دوم این غزل چیست؟ حافظ در این

شاهکار غزلسرای حافظ، چرا باید این همه معنای بی‌ربط، بی‌مورد، گنگ و ثقیل داشته باشد و شرح معنای آن حدود ۳ صفحه دربرگیرد؟ بنده بعنوان دوستدار حافظ بزرگ، یک نکته را خوب دریافته‌ام (البته آن هم با خواندن نوشته‌های مرحوم دکتر محمود هومن درباره حافظ): این که حافظ از گنگ و دشوار بودن میراست. اشعارش لطیف و روان و گرچه ابیات در پاره‌ای از غزل‌های او به نظر دشوار و نامفهوم می‌نماید، لیکن در بسیاری موارد، با تدقیق و حوصله بیشتر، مفاهیم و معانی ابیات لزوماً و بسادگی نمایان خواهند شد. شاهد. همین معنای بیت دوم از غزل اول حافظ بزرگ است که خواهیم دید. باری، بنده برای اطمینان بیشتر به چند کتاب و مقاله دیگر هم رجوع کردم به امید این که شاید بتوانم کسی را پیدا کنم که معنای درست این بیت را به تحریر آورده باشد.

درین راستا به کارهای جناب مسعود فرزاد نیز رجوع کردم. ولی خود غلط بود آنچه پنداشتم. ایشان نه فقط توضیحی یا شرحی اندر معنای این بیت نداده‌اند، بلکه اذعان نموده‌اند که «آوردن ز تاب جعد مشکینش» صحیح نیست. تاب و جعد تکرار در تکرارند و به عقیده ایشان، درین بیت: «جعد» بایستی «مو» باشد یعنی «ز تاب موی مشکین‌اش» خوانده شود. به همین سادگی. (بدون این که لاف‌ل یک نسخه خطی را شاهد گیرند که «جعد» را «مو» نوشته باشد.)

درین جا بی‌مورد نیست که قبل از پرداختن به معنای درست این بیت، یک نکته بجا از کتاب جناب دکتر اسلامی ندوشن را بیاوریم.

## در قلمرو فرهنگ

بیت چه می‌گوید؟ کمی دقت کنیم:

موضوع بیت اول این غزل «عشق» است: چنان که مصرع دوم می‌گوید: «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها». در بیت دوم شاعر موضوع عشق را بسط داده است. در واقع، چنان که در پیش آوردیم، آن‌جا که دکتر اسلامی ندوشن اظهار کرده‌اند که «بیت دوم توجیهی بر بیت اول است» بنده می‌گویم نه تنها توجیه، بلکه مکمل بیت اول هم هست.

حافظ در بیت دوم نیز از عشق سخن می‌گوید: با آوردن چند صفت دلپذیر وصف عشق را کرده است: اما نه بار معنای عشق را، بلکه «کلمه» عشق را. مصرع اول می‌گوید: «به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید»، این طره (یعنی موی تابدار پیشانی) چیزی نیست جز اشاره به حرف «ع» (عین) در کلمه عشق: «ع» که بر پیشانی کلمه عشق نشسته تا این جا، پس، مصرع اول بدین گونه معنی می‌شود که «از بوی خوش نافه که باد صبا از آن طره (یعنی ع و باز نمودن پیچش بالایی این حرف) می‌گشاید، تا... و حالا مصرع دوم بیت را در نظر گیریم: ز تاب جعد مشکینش... این «تاب جعد مشکینش» (تاب موی مجعد مشکین‌اش) اشاره است به حرف «ق» (قاف) کلمه عشق.

حال، می‌بینیم که مفهوم و معنای بیت دوم چقدر روشن و آسان می‌شود: از بوی خوش نافه گون که باد صبا از باز نمودن طره کلمه عشق (یعنی حرف ع) می‌پراکند، گرفته تا موی تابدار و مجعد و مشکین‌اش (یعنی حرف ق از کلمه عشق) چه خون افتاد در دل‌ها. پس، سخن از عشق است از کلمه و حروف عشق. والسلام!

اکنون با بازگشت به تعاریف و توضیحات دور و دراز و گنگ (که نافه ماده‌ای است خوشبو که از آهو گیرند... زلف آراسته یا پیچیده یار... و از معشوق خبری نیست... تنها بوی اوست که می‌آید... زلف یار در حجاب پیچیده... در انتظار این که باد صبا بوی یار را بیاورد... عاشقان چه خون دل باید خورند یا که به امید گشودن رازی از اسرار خلقت... و --- علیهذا) درمی‌یابیم که نه هیچ این حرف‌ها نبوده، و با اندکی دقت بیشتر درمی‌یابیم که معنی این بیت چقدر به سادگی و روانی جلوی دیدگان ما بوده است و ما در درک معنای آن چگونه در اشتباه بوده‌ایم.

همین جا به عرض برسانم که بنده نه محقق ادبی هستم و نه ادعای حافظ شناسی دارم. شهود یا اشراقی هم در کار نبوده است. بنده فقط و فقط یکی از ارادتمندان و دوستداران حافظ بزرگ و اشعار اویم. وقتی غزلیات این شاعر نابغه را می‌خوانم، می‌خواهم که درست بفهمم. نه کج و کوله و ناقص و یا نادرست.

در این جا، اما، چند نکته را قابل ذکر می‌دانم و یادآوری‌شان را صواب. نخست این که با پی بردن به معنای درست این بیت بخصوص، به عقیده بنده ارزش این غزل حافظ نزد دوستداران و خوانندگان، بسیار بیشتر می‌نماید. چرا که نهایتاً درمی‌یابیم که حافظ بزرگ چقدر و چگونه عشق را، این شریف‌ترین و پاک‌ترین احساس بشری را گرمی و والا داشته است.

این نیز بسیار اشتباه است که به پنداریم اینجا و در این بیت حافظ «بازی با کلمه» کرده است. خیر، این بیت بسیار بجا نشسته و بنظر



بنده حافظ با سرودن این بیت و با اشاره به (حتی) کلمه و حروف عشق، مقام آن را بالاتر برده است (به گمانم این همان سوبلیم بودن اشعار حافظ را می‌رساند).

دیگر این که، حالا درمی‌یابیم نمی‌شود به آسانی کلمات غزل‌های حافظ را جابه جا و عوض کرد: جعد را «مو» یا «زلف» یا «رنج» را «درد» کرد، و بسیاری نمونه‌های دیگر که از حوصله این مقال خارج است.

دیگر این که با وانمودن معنی درست این بیت، شاید پاسخی داده باشیم به پرسش بجای جناب دکتر اسلامی ندوشن: مبنی بر این که چرا این غزل (از لحاظ رعایت ترتیب الفبایی) در جای درست نشسته و همه جا و همه کس این غزل را در اول دیوان آورده است. گفتم شاید و در این مورد ادعایی هم ندارم. فقط حدسم این است: چرا که بنا به اظهار خود استاد (و حتم دارم دیگر محققان) این غزل را حافظ در دوران پختگی و والایی نبوغش سروده است. ابیات اول و دوم غزل (که دیدیم چگونه سخن از عشق دارند) چکیده افکار حافظ در مورد اعتقاد او به والایی و زیبایی عشق‌اند و عشق، به همراه آزادگی، شاید اصلی‌ترین مضامین غزل‌های او باشند.

همین، که زیاده، عرض بندگی ماست خواجه بزرگ را.

پانویس:

\*: صفحات ۲۶۶ تا ۲۷۷ کتاب «ماجرای پایان ناپذیر حافظ» - چاپ سوم.

\*: بخش افزودگی. فصل نخست. صفحه ۲۶۱. چاپ دوم



طنز نوشته ای از: حمیدرضا رحیمی

www.hazl.com

# فدوی نامه

## نوروز و حضرات

فدوی نمی‌داند که چرا مؤمنین، سری را که درد نمی‌کند، چفیه بسته و با طرح پرسش‌های سفیهانه، خواب قیلوله‌ی حضرات آیات عظام و حجج اسلام اعلی الله مقامهم اجمعین را آشفته، و آن بزرگواران را وا می‌دارند که در پاسخ به آن پرسش‌های مستبعد، شدیداً تیره و تار بگویند؟

فدوی در مرور خبرهای جراید شریفه‌ی دارالخرافه، به نقل از خبرگزاری وابسته‌ی مهر، دید که در استفتائی از

آیت الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی در مورد نوروز پرسیده‌اند: بفرمائید نظر شرع مقدس درباره نوروز چیست و آیا می‌توان آن را به عنوان عید تلقی کرد؟!

و پاسخ معظم له، البته چیزی در حدود همان پرسش است!، یعنی: اعیاد شرعی و مذهبی بزرگ اسلامی، عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روزهای ولادت حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است!!!

والسلام، نامه تمام! خوانندگان محترم ضد انقلاب ملاحظه می‌کنند که از نوروز هیچ خبری نیست؛ تو گوئی حضرات نه ایرانی‌اند و نه در ایران زندگی می‌کنند. البته به مصداق «چو در بندی سر از روزن درآرد»، در ادامه‌ی سنگاخ مذکور، سر و کله‌ی نوروز، بناگزیز لبخند زنان پیدا می‌شود:

«در عید نوروز هم اگر مؤمنان برنامه‌های دینی!، مانند دیدار با برادران مؤمن یا عیادت بیماران و رسیدگی به حال مستمندان داشته و برنامه‌های بدآموز نداشته باشند، مناسب است.»!

پس بر این پایه، عجلالتا دریافتیم که عیدی هم بنام نوروز وجود



دارد؛ چند لحظه بعد اما پشیمان می‌شود!:

« هر روزی که در آن معصیت خدا نشود، آن روز عید است! » اندکی بعد، دوباره یادش می‌رود و نوروز که قرار بوده است اصلاً نباشد، عمری ازلی می‌یابد :

نوروز، یعنی روز نو. روز اولین فصل بهار مثل خود فصل بهار یک امر واقعی و تکوینی است و به جمشید ارتباط ندارد \*، خدا می‌داند چند هزار یا چند میلیون سال پیش از جمشید بوده است! فدوی شانس آورده که مرجع تقلیدش معظم له نیست!..

پانویس:

\* به جمشید بر گوهر افشاندند

مر آن روز را روز نو خواندند

سر سال نو هرمز فرودین

بر آسود از رنج دل تن زکین

بزرگان به شادی بیا راستند

می و جام و رامشگران خواستند

چنین روز فرخ از آن روزگار

بمانده است از آن خسروان یادگار

فردوسی

## اختر چرخ ادب



در مورد این که شعر زنانه معاصر، وامدار فروغ فرخزاد است، به نظر نمی‌آید تردیدی وجود داشته باشد. تا پیش از فروغ، صدای شعر زنانه در عرصه شعر ایران به گوش نمی‌رسید و یا این که گوش فدوی سنگین بوده است! باری - این البته بدان معنا نیست که در آن روزگار، شاعر زن وجود و حضور نداشته است؛ اما ساختار درونی و سپس جلوه‌های شعرشان به گونه‌ای بوده که گوئی شاعر از طرح نگاه و حس زنانه خود در شعرش بیم یا پرهیز داشته و ادبیات مرد سالار نیز به خفقان موجود در این زمینه، دامن می‌زده است، چه بسا شأن و امتیاز شعر برخی زنان شاعر را حتا به سود خود، مصادره کرده باشد!

ذکر نمونه‌ای جالب در این مورد شاید خالی از لطف نباشد:

زننده یاد استاد ملک الشعراء بهار، دیباچه‌ای بر چاپ اول دیوان «پروین اعتصامی» نگاشته که در چاپ‌های بعدی نیز عیناً تکرار شده است. نگاهی گذرا، به بخش‌هایی از این دیباچه، موقعیت شعر زنانه را که در سیطره‌ی ادبیات مردانه دست و پا می‌زده است، آشکار می‌کند:

«...در این مدت اشتغال، ساختن دیوانی با این زیبایی‌ها و با این آب و رنگ دلفریب، خاصه با این یک دستی و فصاحت و روانی و مزایائی که شمه‌ای از آن گوشزد گردید، کار مردان فارغبال نیست تا چه رسد به مخدره‌ای! که کمتر از درس و بحث فارغ بوده و شاید مشاغل (خانوادگی بسیار نیز داشته است)<sup>۱</sup>

و یا در فراز دیگری، آنگاه که از ظهور پروین به عنوان شاعری زن حیرت کرده، می‌گوید: «در ایران که کان سخن و فرهنگ است اگر شاعرانی از جنس مرد پیدا شده‌اند که مایه حیرت‌اند، جای تعجب نیست! اما تاکنون شاعری از جنس زن که دارای این قریحه و استعداد باشد و با این توانائی و طی مقدمات تتبّع و تحقیق اشعاری چنین نغز و نیکو بسراید از نوادر محسوب و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید و تحسین است!<sup>۲</sup>

عشق با آنکه «تنها چاشنی شعر است» اما شاعر زن رخصت ورود به آنرا نداشته، مگر در خارج از مناطق ممنوعه:

«شاید خواننده شوریده سری از ما بپرسد: - پس این دیوان درباره عشق که تنها چاشنی شعر است، چه می‌گوید؟ آری نباید این معنی را از یاد برد. زیرا هر چند شاعره مستوره را عزت نفس و دورباش عصمت و عفاف رخصت نداده است که یک قدم در این راه بردارد، اما باز چون نیک بنگری، صحیفه‌ای از عشق تهی نمانده است لکن نه آن عشقی که در مکتب لیلی و مجنون درس می‌دادند!<sup>۳</sup>

استاد البته در ادامه، «عشقی که به حقایق و معنویات و معقولات وابسته است» را اساس شعر پروین می‌داند و در جایی دیگر می‌افزاید: «دائماً در فکر است، بیشتر نگران وظائف مادریست. وقتی که از این اندیشه‌ها خسته می‌شود، بیاد لطف خدا می‌افتد و قطعه «لطف

حق» را مردانه می‌سراید!<sup>۴</sup>

(تأکیدها همه جا از نویسنده است)

استاد در این مقدمه البته از گناه سهمگین پروین که «به قول نظامی عروضی دوازده هزار بیت شعر از اساتید را» از حفظ نداشته است نیز سخاوتمندانه می‌گذرد!

باری - طنز قضیه اما اینجاست که وقتی پروین قطعه «لطف حق را مردانه می‌سراید!»، لذا هیچ استبعادی ندارد که سایر آثار او از جمله برخی قصائد و مثنویات، با آن که امضاء پروین را بر تارک دارد، معدالک جامعه ادبی مرد سالار این آثار را به حساب «مرد» منظور نفرماید تا آنجا که پروین به ناگزیر در ردّ این اتهام، یک رباعی سروده و توسط پدر (یوسف اعتصامی) به چاپ می‌رساند. آن رباعی چنین است:<sup>۵</sup>

از غبار فکر باطل، پاک باید داشت دل  
تا بدانند دیو، کاین آئینه جای گرد نیست

مرد پندارند پروین را، چه برخی زاهل فضل  
این معما گفته نیکوتر، که پروین مرد نیست!

ملاحظه می‌کنید که این نگاه به زن و شعر او، متعلق به دوران مثلاً منوچهری دامغانی یا پیش از آن نیست بلکه مربوط به همین دوران معاصر است که تازه طرح مسأله زن و دفاع از حقوق حقه او، وجهه همت روشنفکران گرانقدری چون بهار بوده است.<sup>۶</sup>

باری - فدوی نمی‌داند این که مرگ پروین در نیمه شب ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ در سن ۳۴ سالگی را بیماری ذکر کرده اند<sup>۷</sup>، واقعاً درست است و یا این که آن بزرگوار در اثر درک این اوضاع، دق کرده است!  
زیاده عرضی نیست....

پانویس:

۱ و ۲ و ۳) مقدمه دیوان چاپ هفتم

۴) دوره دوم مجله ی بهار ص ۱۵۰ به نقل از ص ۲۶۸ دیوان

۵) برای توضیحات بیشتر در این باب، رجوع کنید به کتاب یادی از فرخی یزدی، نوشته حمیدرضا رحیمی چاپ آلمان - انتشارات گستره ۱۳۷۰ صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۰.

۶) زیر نویس ص ۲۷۳ دیوان

تا درودی دیگر، بدرود

# هنر و تاریخ

محمد رضا شریف



است. مثلا اگر شاعری در فراق معشوق ندا سر می دهد، عوام تصور دارند صرفا واقعه زندگی شخصی یا مربوط به اعتقادات او می باشد؛ بعضا ممکن است چنین باشد اما اغلب مرتبط به واقعیت های موجود در جامعه است که به انگیزه محدودیت بیان صراحت در زمان وقوع، نمی تواند به وصال معشوق (آزادی، رفاه، حقوق و...) خود برسد، به این صورت ناله سر می دهد.

همچنین در آثار نقاشان، مجسمه سازان، معماران و تئاتر، رقص، موسیقی و ... می توان موارد بسیاری را بیان کرد که واقعیت های جامعه زمان را در خود نهان دارد.

با این توصیف مختصر می توان گفت که هنر آینه جامعه است، تک تک پدیده های فرهنگی به وسیله آن بارز و حتی ساخته می شود. صداقتی که از وجود هنر تراوش می کند در بروز هنر، پدیدار می شود. به همین سبب «از دل برمی آید، لاجرم به دل می نشیند.» درحقیقت تعهد هنر و هنرمند همین است. پس وقایع نگاری صحیح و خالی از خلل، از آثار هنری نمایانده می شود. اگر بنا باشد تحقیق درستی از رویداد برهه ای از زمان داشته باشیم، بهتر است آثار هنرمندان آن زمان را بررسی کنیم چون نمایانگر واقعیت ها و دگرگونی های اجتماعی در جامعه است. صداقت و زیبایی هنر موقعیت زمان و مکان را به درستی نشان می دهد و حقیقت را روشن می کند.

ساده اندیشان، چنین تصور می کنند که تاریخ از آثار مردان سیاسی و تاریخ نگاران زمان به جا می ماند و آیندگان از این متون تحت عنوان تاریخ بهره می برند، در صورتی که حقیقت نمایش سرگذشت جامعه چنین نیست. با اینکه آثاری از این دست به وجود می آید و بعضا باقی می ماند، اما واقعیت تاریخ این نیست، زیرا سیاستمداران و رهبران و به تبع آنان تاریخ نگاران آنچه مورد پسندشان است و بهروری از آن را مناسب و مطلوب خود می بینند با آب تاب می نگارند که چنین آثاری نمی تواند حقیقت باشد و واقعیت را آن چنان که بوده است بیان نماید. حال این سوال پیش می آید، چگونه واقعیت ها به آیندگان می رسد؟ و پس از سال ها حتی قرن ها دیده می شود که تاریخ واقعی قومی به درستی به منصف ظهور می رسد و در زمینه آن تجزیه و تحلیل می شود، از چه منابعی این حقایق انتقال پیدا می کنند؟

پاسخ این است که تاریخ صحیح از لابه لای آثار هنرمندان پیدا می شود. این عظمت و قدرت هنر است که صداقت تاریخ را در خود نهفته دارد و بعدها بارز می گردد. هنر دارای صداقت است و هنرمند روشنگر حقایق بسیاری از رویدادها چنان که واقعیت دارند به وسیله هنر درک می شوند و چون عموما هنرمندان دارای شخصیت برجسته، ضریب هوش بالا و صاحب تفکر و اندیشه والا هستند، درک آنان در مقابل وقایع، نسبت به دیگران بهتر، صادقانه تر و به حقایق نزدیکتر





ضمیمه رایگان اقتصادی و سیاست بین الملل

# اقتصادی

و سیاست بین الملل

شماره نخست

# ایرانشهر

# رقابت سیاسی-اقتصادی چین، روسیه و آمریکا



مذاکرات پکن و مسکو در مورد این قرارداد حدود یک دهه پیش آغاز گردید و دو طرف بر سر تعیین قیمت نهایی گاز صادراتی روسیه بارها دچار اختلاف و عدم توافق شده بودند. اما ولادیمیر پوتین از سه ماه پیش که بر سر بحران سیاسی اوکراین درگیر رویارویی شدیدی با آمریکا و اتحادیه اروپا گردید، ناگهان بر تلاش همه جانبه خود برای نزدیکی بیشتر به چین افزود و نهایتاً در سفر رسمی به پکن با همتای چینی‌اش - شی‌ژی‌پینگ - بر سر امضای این پیمان اقتصادی به توافق نهایی دست یافت.

گزارش‌های منتشره در این زمینه حاکیست پوتین با اعطای امتیازاتی برای تخفیف در قیمت گاز صادراتی به چین موافقت کرد و عجله داشت این قرارداد فوراً به امضا برسد. ظاهراً پوتین می‌کوشد با توسعه مناسبات تجاری و سیاسی روسیه با چین از این همکاری‌ها به عنوان برگ برنده‌ای در برابر آمریکا و متحدان اروپایی‌اش استفاده کند. آمریکا و اتحادیه اروپا از یک ماه پیش روسیه را به خاطر اقدامات تهدیدآمیز و تجاوز ارضی به اوکراین، مورد تحریم‌های محدود تجاری و سیاسی قرار دادند، که احتمال دارد میزان و ابعاد این مجازات‌های اقتصادی افزایش یابد. اما پوتین متقابلاً می‌گوید روسیه از توانایی کافی برای مقابله با هر گونه تحریمی برخوردار است و

امضای قرارداد هنگفت ۴۰۰ میلیارد دلاری صدور گاز روسیه به چین به عنوان تحولی بسیار مهم مورد توجه تحلیلگران جهانی قرار گرفته و برخی می‌گویند در شطرنج ژئوپولیتیک شرق و غرب، مرزبندی‌ها در حال تغییر است.

به موجب قراردادی که توسط ولادیمیر پوتین و پرزیدنت شی‌ژی‌پینگ، رهبران روسیه و چین، در پکن به امضا رسید، این دو کشور یک همکاری گسترده و طولانی را در

عرصه تامین انرژی از سال ۲۰۱۸ آغاز خواهند کرد. به این ترتیب طی یک دوره ۳۰ ساله روسیه در چهارچوب قراردادی به ارزش کل ۴۰۰ میلیارد دلار گاز طبیعی به چین صادر می‌کند و مسکو نقشی مهم در تامین انرژی مصرفی چین خواهد داشت.

این پروژه عظیم صادرات انرژی که پس از عملیات احداث خط لوله طولانی از منطقه سبیری نهایتاً چهار سال دیگر به مرحله اجرایی خواهد رسید، منجر به عرضه سالانه ۳۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به کشور چین خواهد شد.



امین اکبریان  
allenakbari@yahoo.com

# پیروزی راستگرایان اروپا با حمایت ناراضیان اقتصادی



از تهدیدهای واشنگتن هیچ هراسی ندارد. مشخصاً عقد یک قرارداد هنگفت اقتصادی با چین، نوعی مانور سیاسی برای مسکو در برابر آمریکا تلقی می‌شود و پوتین می‌خواهد به غرب نشان دهد که با کمک گرفتن از چین می‌تواند قدرت اقتصادی و سیاسی آمریکا را خنثی سازد.

در این میان به نظر می‌رسد که برنده اصلی در رویارویی ماه‌های اخیر نه روسیه است و نه آمریکا، بلکه برنده اصلی در این ماجرا لاقط از لحاظ اقتصادی چین بوده که با استفاده از موقعیت آسیب پذیر مسکو توانست با کسب تخفیف در قیمت گاز روسیه، قرارداد مناسبی برای تامین نیازهای گسترده انرژی خود منعقد سازد.

نکته قابل توجه دیگر وضعیت حساس اقتصادی روسیه است. این کشور پهناور که با فروپاشی شوروی دچار نوعی «سقوط اقتصادی» گردید، پس از روی کار آمدن پوتین بر اثر سیاست‌های شدید و نیمه استبدادی او در عرصه اقتصادی تا حدودی سروسامان گرفت و گرچه حال و هوای آشفته آن کاملاً برطرف نشد، ولی لاقط اکنون بسیار بهتر از گذشته است. همچنین ۵ برابر شدن قیمت نفت حدود یک دهه قبل میزان درآمد ملی روسیه را مانند سایر کشورهای نفت‌خیز سریعاً افزایش داد. اما اقتصاد روسیه منهای نفت توان زیادی ندارد. تولید اقتصادی (GDP) روسیه که سالانه حدود ۲ تریلیون دلار برآورد می‌شود، از اوائل امسال دچار رکود گردید و فاقد رشد و شکوفایی است. اصولاً صنایع و شرکت‌های مالی روسیه به جز در عرصه نفت و گاز در سایر زمینه‌ها بسیار ضعیف، محدود، فرسوده و فاقد توان رقابت در عرصه بین‌المللی هستند. به طور کلی می‌توان گفت که تنها نقطه قوت اقتصاد روسیه فقط به امور تولید و صادرات مواد خام، غلات و نفت و گاز وابسته است. علاوه بر این تحریم‌های اخیر جهان غرب به همراه تنش‌های سیاسی موجب خروج رقم قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌های ارزی، معادل حدود ۶۲ میلیارد دلار از بورس سهام و سایر موسسات مالی و بانکی روسیه گردید.

\*\*\*

نهایتاً می‌توان گفت که رویارویی پوتین با جهان غرب علاوه بر ابعاد سیاسی و ژئوپولیتیک، جنبه‌های پیچیده و مهم اقتصادی نیز دارد که زوایای پنهان و آشکارش بستگی به آن دارد که رهبران روسیه، آمریکا و چین در این شطرنج پیچیده سه جانبه تا چه میزان قادر به کسب امتیاز از طرف مقابل خواهند بود.

ناراضیاتی شدید مردم اروپا از وضعیت اقتصادی و سیاسی این قاره بار دیگر منجر به تقویت احزاب رادیکال و افراطی در پای صندوق‌های رای شد. نتایج انتخابات پارلمان اروپا صحت پیش‌بینی‌ها و نظر سنجی‌های قبلی را به اثبات رساند و نشان داد احزاب رادیکال که سابقاً بسیار کوچک و محدود بودند، سریعاً در حال گسترش هستند و شمار طرفداران آن‌ها رو به افزایش است. احزابی مانند **جبهه ملی** در فرانسه به رهبری خانم مارین لوپن و حزب «استقلال» در انگلیس شاهد افزایش چشمگیر درصد آراء خود در انتخابات پارلمان اروپا بودند.

همین روند نیز در اتریش، دانمارک و یونان تکرار شده به این ترتیب شمار نمایندگان متعلق به احزاب افراطی در پارلمان اروپا به طرز چشمگیری افزایش یافته، گرچه این گروه‌ها، هنوز در اقلیت هستند و احزاب میانه‌رو همچنان از اکثریت برخوردارند. این احزاب همگی شدیداً مخالف حضور میلیون‌ها مهاجر خارجی در کشورهای اروپایی هستند و خواستار کاهش قدرت ساختار اتحادیه اروپا و حتی طرفدار لغو این اتحادیه سیاسی می‌باشند. آن‌ها ورود موج عظیمی از مهاجران خارجی و تشکیلات عظیم و پرهزینه اتحادیه اروپا را دو عامل مهم بروز مشکلات اقتصادی اروپا می‌دانند. شهروندان اروپایی نیز که به دلیل بحران سال‌های اخیر از اوضاع سیاسی و اقتصادی بسیار ناراضی‌اند، ظاهراً بیش از پیش به این گروه‌های افراطی ضد خارجی روی خوش نشان می‌دهند.

# دزدان واقعی در جمهوری اسلامی کدامند؟

امین اکبریان

همچنین در پروژه نفتی کرسنت نیز اتهامات زیادی متوجه چند تن مقام‌های مرتبط با جناح اطلاع طلب و از جمله بیژن زنگنه شد. ولی این پرونده پس از جنجال‌های فراوان در ایران مسکوت ماند.

به این ترتیب دو جناح مخالف دائمی یکدیگر را متهم می‌کنند که دچار فساد مالی هستند.

از سوی دیگر پس از ماه‌ها اتهامات و جنجال‌های فراوان در مورد بدهکاران «دانه درشت» بالاخره معاونت امور نظارتی بانک مرکزی اعلام داشت ۳۳ درصد از کل بدهی‌های سنگین و معوقات مالی به بانک‌ها مربوط به ۵۰ شرکت است. همچنین ۲۰۰ بدهکار بزرگ ۵۵ درصد کل بدهی را برعهده دارند و سه نفر هستند که هر کدام بیش از هزار میلیارد تومان به بانک‌ها بدهکارند!

با توجه به اینکه بخش اعظم این وام‌های هنگفت حدود سه چهار سال پیش و زمانی که نرخ دلار ۱۲۰۰ تومان بود، اعطا شده، به نظر می‌رسد سه نفری که از آنها به عنوان وام‌گیرندگان هزار میلیارد تومانی یاد شده، هر کدام حدود یک میلیارد دلار وجه نقد از بانک‌ها گرفته بودند که اکنون قادر به باز پرداخت آن‌ها نیستند.

به گزارش روزنامه شرق، حمید تهرانفر، معاون نظارتی بانک مرکزی، همچنین گفته: مطالبات معوق بانک‌های دولتی ۳۲۳ هزار میلیارد ریال (معادل ۱۰ میلیارد دلار) مطالبات بانک‌های خصوصی ۲۵۰ هزار میلیارد (معادل ۸ میلیارد دلار) و مطالبات بانک‌های نیمه خصوصی ۲۳۴ هزار میلیارد (معادل ۷/۵ میلیارد دلار) است.

با ادامه کشمکش‌های گوناگون جناح‌های رقیب حکومتی، ابعاد تازه‌ای از عمق فساد مالی و بحران اقتصادی که جمهوری اسلامی را فرا گرفته آشکار می‌شود و جدیدترین مورد از این افشاگری‌ها مربوط به سوءاستفاده‌های عظیم چند میلیارد دلاری و از جمله جنجال بازداشت بابک زنجانی است.

حسن روحانی، رئیس‌جمهور اسلامی طی هفته‌های اخیر طی سخنانی در دو مورد صریحاً گفت:

«عده‌ای در کشور با نام این که باید در برابر ابرقدرت‌ها بیایند، جیب مردم را زدند و اموال مردم را غارت کردند! با شعر و شعار استقلال درست نمی‌شود.»

این سخنان خشم جناح مقابل را برانگیخت و حمید رسایی، نماینده مجلس، ضمن اعتراض به رئیس‌جمهور اسلامی بار دیگر ماجرای سوءاستفاده‌های خاندان رفسنجانی که متحدان جناح میانه‌رو قلمداد می‌شوند، را مطرح کرد. او بدون ذکر نام رفسنجانی گفت:

«آقای روحانی، جیب مردم را آن‌هایی زدند که سر در پرونده‌هایی مانند کرسنت و استات اوایل داشتند.»

در ماجرای مذاکرات فروش نفت و گاز به کمپانی نروژی استات اوایل که قرارداد آن نافرجام ماند و با جنجال‌های فراوانی همراه شد، پسر هاشمی رفسنجانی تقاضای دریافت «کمسیون» چند میلیون دلاری از نروژی‌ها داشت، اما با افشای این مسئله کل مذاکرات شکست خورد و دولت نروژ به خاطر نقض قانون ممنوعیت رشوه روسای کمپانی استات اوایل را تحت محاکمه و مجازات قرار دادند.

## اعدام سرمایه‌دار متهم در اختلاس ۲/۵ میلیارد دلاری

دستگیر و محاکمه شدند که متهم اول پرونده مه‌آفرید امیر خسروی بود. او پس از سه سال زندان هفته گذشته اعدام شد. وی دارای چندین شرکت بزرگ تجاری بود و از جمله مالک باشگاه فوتبال «داماش» به شمار می‌رفت، که اکنون در آستانه تعطیلی کامل قرار دارد.

برخی نشریات تهران، از جمله روزنامه اعتماد، بطور ضمنی از عمل اعدام به عنوان وسیله‌ای برای مقابله با فساد اقتصادی انتقاد و تاکید کردند متخلفین و کلاهبرداران بزرگ با حمایت مراکز درون حکومت مرتکب جرائم بزرگ می‌شوند و راه‌حل موثر برای کاهش ابعاد فساد مالی مستلزم توجه به ماهیت ریشه‌دار و «نهاده‌ی شده» فساد مالی (درون حکومت) است.

اعدام امیر خسروی پرونده جنجالی دیگر، مربوط بابک زنجانی، را نیز مجدداً زیر ذره‌بین افکار عمومی و رسانه‌های داخل کشور قرار داده و معلوم نیست اکنون این پرونده اختلاس ۳ میلیارد دلاری چه سرنوشتی خواهد یافت.



انتشار خبر اعدام سرمایه‌داری که مرتبط به پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بود، بار دیگر بحث داغ مسئله فساد مالی را در مطبوعات ایران و محافل سیاسی بیش از پیش داغ‌تر ساخت.

این سرمایه‌دار زندانی به نام مه‌آفرید امیر خسروی متهم بود که به همراه چندین نفر دیگر و از جمله محمود خاوری، رئیس سابق بانک ملی با کلاهبرداری و جعل اسناد بانکی، رقم عظیمی معادل ۳ هزار میلیارد تومان از بانک صادرات وجه نقد دریافت داشتند و حتی گفته شد که بخشی از این مبلغ هنگفت به ارج از کشور منتقل شده است. این ماجرا حدود سه سال پیش و زمانی روی داد که بهای دلار هنوز حدود ۱۲۰۰ تومان بود، بنابراین میزان مبلغ ۳

تریلیون تومانی این کلاهبرداری در واقع معادل ۲/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود! پس از افشای این ماجرا در سال ۱۳۹۰ مدیر بانک ملی، خاوری، به کانادا گریخت و ظاهراً همچنان ساکن آن کشور است. در ایران نیز حدود ۲۰ نفر

# «اقتصاد مقاومتی» چیست؟

## هزینه سنگین «حق مسلم ما»



وزیر کار در دولت سابق با تایید گزارشی هایی که قبلا جنبه غیررسمی داشتند، گفت که تحریم های جهانی ناشی از پروژه هسته ای سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار به اقتصاد کشور خسارت می زند.

به گزارش سایت نامه نیوز، محمد جهرمی، وزیر کار در دولت احمدی نژاد گفت بر اثر تحریم های جاری هر سال ۱۶۰ میلیارد دلار به کشور ضرر خورده و تاکید کرد که مذاکرات کنونی با کشورهای غربی باید ۱۸ سال پیش انجام می گرفت. با توجه به این که مجموع تولید اقتصادی ایران سالانه حدود ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود، رقم ۱۶۰ میلیاردی ضرر بسیار هنگفتی تلقی می شود و این امر بار دیگر نشان می دهد که اقتصاد ایران چه خسارت سنگینی بر اثر رویارویی جمهوری اسلامی با جامعه جهانی متحمل می شود.

حکومت تهران اصرار دارد که صنعت هسته ای برای پیشرفت ایران جنبه حیاتی دارد و این موضوع را به نمادی از غیرت ملی ایران تبدیل ساخته تا آنجا که شعار «انرژی هسته ای، حق مسلم ماست» در واقع به سیاست رسمی و حکومتی تبدیل شده. این در حالی است که انرژی هسته ای با این ابعاد و شیوه مخفی که جمهوری اسلامی بر آن اصرار می ورزد اصولا نقش مهمی در پیشرفت اقتصاد و صنعت ندارد. برای نمونه کشورهای پیشرفته ای مانند آلمان، ژاپن، سوئد، کانادا و... چند دهه پیش از ایجاد صنایع غنی سازی مواد اتمی خودداری کردند و این امر مانع پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک آنها نگردید. متقابلا کشورهایی مانند پاکستان، عراق، کره شمالی و لیبی که به دنبال تولید سوخت اتمی بودند، الزاما به پیشرفت علمی و صنعتی نرسیدند.

اصولا تکنولوژی و فناوری هایی بسیار مهم تر از انرژی هسته ای در ایجاد روند پیشرفت اقتصاد و صنعت مدرن برای کشورها تاثیر گذارند. زمینه هایی مانند: دانش کامپیوتری، الکترونیک و ارتباطات، صنایع تولید ماشین آلات صنعتی، امور داروسازی و بیوشیمی، صنایع غذایی و کشاورزی.

این سوال همچنان بی جواب مانده که چرا جمهوری اسلامی این چنین بر توسعه صنعت هسته ای با چنین هزینه سنگینی آن هم با زوایای پنهان و مخفی پافشاری می کند.

اصطلاح اقتصاد مقاومتی دو سه سالی است که در ایران توسط مقامات حکومتی به عنوان یک شیوه جدید در ساختار اقتصادی مطرح و دائما تبلیغ می شود. رهبر و سایر مقامات جمهوری اسلامی دائما از لزوم اجرای ساختار جدید «اقتصاد مقاومتی» سخن می رانند و حتی گفته شد که اصول این مکتب جدید اقتصادی بزودی در دانشگاه های کشور به عنوان رشته تحصیلی رسمیت خواهد یافت.

این اصطلاح نوظهور که در ابتدا نوعی واژه سازی سیاسی و تبلیغاتی بود، تدریجا شاخ و برگ زیادی یافت و اکنون در سخنان نمایندگان مجلس، هیات دولت، مجمع تشخیص مصلحت و تمام ارکان حکومتی به عنوان یک سیاست رسمی دائما مورد تاکید قرار دارد.

اما به راستی اقتصاد مقاومتی چیست؟ آیا پس از پیدایش نمونه های اقتصاد سرمایه داری، اقتصاد کمونیستی و سوسیالیستی، اکنون یک مکتب اقتصادی جدید در جهان ابداع شده؟

پاسخ این سوال در بیانیه رسمی آشکار گردید که رهبر جمهوری اسلامی به صورت بخشنامه ای به دولت روحانی دو ماه پیش ابلاغ نمود.

خامنه ای در نامه رسمی خود خطاب به دولت اعلام داشت که تمام نهادهای دولتی و قوای سه گانه باید رؤس اقتصاد مقاومتی را به شرح زیر تدوین و اجرا کنند:

- تلاش برای ایجاد توان و استقلال بیشتر در اقتصاد کشور  
- حمایت از فن آوری داخلی و بومی و ایجاد زمینه های اقتصادی «دانش بنیان»  
- توجه بیشتر به تامین کالاها و مواد خام استراتژیک مانند غلات و مواد غذایی مورد نیاز کشور

- افزایش توانایی کشور برای مقابله با مشکلات اقتصادی داخلی و خطرات احتمالی خارجی.

- حمایت از تولیدات داخلی و افزایش میزان صادرات  
- ارتقاء توان اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمد نفتی.

به طور کلی مجموع تمامی مندرجات این بیانیه آشکار می سازد که چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اصولا وجود ندارد! و رؤس این برنامه دولتی فقط چند جمله شعارگونه است که می گوید باید تلاش کرد کشور به استقلال اقتصادی برسد.

اما این جملات مبهم نه هیچ ارتباطی با شیوه و مکانیسم پیچیده ایجاد اقتصاد نیرومند در یک کشور دارد و نه راه حلی برای مقابله با بیکاری، تورم، ضعف تولید، فساد اقتصادی و سایر چالش های علم اقتصاد ارائه می کند. هدف های مطرح شده در این دستورالعمل حکومتی البته مطلوب و مثبت می باشند، ولی موضوع تازه ای نیستند و هر شخصی طبیعتا علاقمند به قدرتمند شدن اقتصاد ملی است، اما نکته اصلی این است که چگونه می توان به این اهداف رسید که در این زمینه هیچگونه راهکار موثری بر اساس اصول علم اقتصاد مطرح نشده است.

# برزیل: سرزمین فوتبال و رقص و اقتصاد ضعیف

امین اکبریان



برزیل تا حدود سال ۲۰۱۱ یک دوره رشد بسیار خوب اقتصادی را تجربه کرد و ناظران بین المللی برزیل را در کنار چین، روسیه، هند مهمترین کشورهای نوظهور (Emerging) اقتصادی لقب دادند. اما مشکل برزیل سابقه بسیار طولانی فقر گسترده، فساد مالی و اختلاف شدید طبقاتی است. در این کشور پهناور که بزرگ ترین مجموعه جنگل و حیات وحش (آمازون) را در خود جای داده، برای چند دهه دیکتاتوری های نظامی حاکم بودند و شرایط اقتصادی هیچ گاه در سطح جامعه سر و سامان نگرفت.

برزیل با تولیدات اقتصادی سالانه ۲ تریلیون دلار، همپراز کشورهایی مانند روسیه و هند است. میزان رشد اقتصادی برای حدود یک دهه در سطح بسیار خوبی قرار داشت و حتی به حدود ۸ درصد رسید که این یک عملکرد کاملاً مثبت تلقی می شد.

یک نکته مهم اختلاف شدید طبقاتی است، به این معنا که به رغم ثروت های عظیم طبیعی مانند معادن طلا، نقره، آهن و سایر فلزات، به همراه امکانات کشاورزی، و زیربنای صنعتی نسبتاً قوی، یک اقلیت کوچک و بسیار ثروتمند

بخش اعظم ثروت ملی را در کنترل دارند اما درصد افراد فقیر در جامعه بسیار زیاد است. تا حدی که در شهرهای بزرگ مانند ریودژانیرو، محلات فقیر نشین مملو از مهاجران روستایی شکل گرفته است.

برزیلی ها مردمی بسیار شاد هستند و رقص و آواز و ورزش فوتبال به نکات مشخص و آشکار در هویت ملی و فرهنگی آن ها تبدیل شده.

اما حتی همین برزیلی های فوتبال پرست اکنون نسبت به جشن بزرگ فوتبال تردیدهایی دارند.



از روز دوازدهم ماه جون مسابقات جام جهانی فوتبال در بزرگ ترین کشور امریکای لاتین آغاز می شود ولی مجموعه ای از مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی سایه سنگینی بر این گردهمایی مهم ورزشی و جهانی افکنده است.

کشور پهناور برزیل با حدود ۲۰۳ میلیون نفر جمعیت دومین قدرت اقتصادی در قاره آمریکا به شمار می رود. این کشور پس از پایان دوره دیکتاتوری های نظامی در آغاز دهه ۹۰ یک روند استقرار دموکراسی و شکوفایی اقتصادی را به طور همزمان تجربه کرد و تا حدود سه سال پیش از رشد چشمگیری برخوردار بود. اما اخیراً سرعت رشد اقتصادی در برزیل به طرز چشمگیری کاهش یافته و این امر مشکلاتی مانند بیکاری، میزان فقر و اختلاف طبقاتی را بیش از گذشته برجسته ساخته است.

دولت برزیل که بسیار علاقمند است میزبانی جام جهانی ۲۰۱۴ با موفقیت برگزار شود، بودجه های عظیمی برای احداث و نوسازی استادیوم های فوتبال، احداث جاده ها و شبکه ارتباطی مدرن و کلاً ایجاد ساختار بهتر اختصاص داده که این سیاست ها حدود ۱۱ تا ۱۵ میلیارد دلار هزینه «رسمی» داشته است.

این امر اعتراض های گسترده ای از جانب اتحادیه های کارگری، طبقات کم درآمد و افراد فقیر حاشیه نشین شهرها برانگیخته است. منتقدان به خانم دیلمار و سوف، پرزیدنت برزیل، معترض هستند و می گویند در شرایط ضعف اقتصادی کنونی دولت نباید این همه ریخت و پاش مالی انجام می داد و حتی میزبانی این جشن بزرگ ورزشی از لحاظ مالی و اقتصادی شاید اصولاً به صلاح کشور نبود، زیرا هنوز بخش بزرگی از مردم برزیل گرفتار فقر شدید هستند و این بودجه های کلان می بایست به مصرف بهبود زندگی طبقات آسیب پذیر می رسید.

# کمپانی گوگل صنعت اتومبیل سازی را متحول می‌کند



اختراع یک سیستم فوق مدرن کامپیوتری-راداری توسط کمپانی گوگل رویای قدیمی خودروهای بدون راننده را یک گام دیگر به واقعیت نزدیک ساخت. مهندسان گوگل در کالیفرنیا پس از چند سال پیگیری یک پروژه بسیار جالب کامپیوتری بالاخره نمونه آزمایشی اتومبیل‌های کاملاً مستقل بی‌راننده را رونمایی کردند. این اتومبیل کوچک که عملکرد حیرت‌انگیز آن برای خبرنگاران به نمایش گذارده شد، اصولاً فاقد فرمان، دنده، پدال گاز و ترمز می‌باشد، و فقط یک دکمه برای روشن و خاموش کردن موتور دارد.

سیستم هدایت این اتومبیل کاملاً مستقل و اتوماتیک و با استفاده از کامپیوتر، و دستگاه‌های مدرن رادار و لیزر مسیر حرکت، حدفاصل لازم و سرعت مناسب را در خیابان و شاهراه‌ها با ایمنی کامل طی می‌کند. این خودرو که دقیقاً مانند نمونه اتومبیل‌ها در فیلم‌های علمی-تخیلی عمل می‌کند.

سرنشینان پس از سوار شدن به خودرو فقط مسیر و مقصد مورد نظر خود را به کامپیوتر مربوطه ابلاغ می‌کنند و این اتومبیل هوشمند، به طور کاملاً خودکار و اتوماتیک به مقصد حرکت می‌کند.

یک چنین فناوری پیشرفته‌ای در صورتی که از مراحل آزمایشی به حد تولید عملی توسط کمپانی‌های خودرو سازی برسد می‌تواند صنعت اتومبیل سازی را کاملاً متحول سازد. کارخانجات اتومبیل بخش بزرگ و مهمی از مجموعه صنعت مدرن را در تمام جهان تشکیل می‌دهند و در صورت تحقق عملی و موثر این تکنولوژی جدید اقتصاد جهانی می‌تواند شاهد بروز نوعی انقلاب صنعتی نوین باشد.

# پرزیدنت اوکراین: میلیاردر شکلاتی!



با انجام انتخابات دشوار در اوکراین که با تنش‌های سیاسی و رویارویی شدید با روسیه همراه بود، بالاخره یک میلیارد دلار سرشناس به عنوان رئیس جمهور این کشور بحران زده اروپای شرقی برگزیده شد.

**پترو پوروشنکو**، یک میلیاردر متنفذ است که علاوه بر گرایش‌های سیاسی ناسیونالیستی سابقه روابط دوستانه‌ای نیز با ولادیمیر پوتین، رهبر روسیه، دارد. او در تبلیغات انتخاباتی خود تاکید کرده که هم اقدامات شورشیان تجزیه طلب شرق اوکراین را متوقف خواهد کرد و هم در عین حال راهی برای آشتی با مسکو خواهد یافت. این کارخانه‌دار ثروتمند که صاحب یک شرکت بزرگ تولید شوکولات می‌باشد، ثروتی معادل ۱/۶ میلیارد دلار در اختیار دارد. او همچنین وعده داده با فساد شدید در ساختار اقتصادی و دستگاه قضایی که سابقه طولانی در اوکراین دارد مقابله کند تا زمینه سرمایه‌گذاری خارجی موثر درون اوکراین فراهم گردد.

انقلاب پنج ماه پیش اوکراین با شعارها و هدف برکناری ثروتمندان که متهم به غارتگری مالی و گسترش فساد بودند، شکل گرفت و منجر به برکناری دولت **یانوکوویچ** شد که او نیز در زمره ثروتمندان متنفذ قلمداد می‌شد. اما اکنون رای دهندگان اوکراین یک ثروتمند دیگر را به امید اصلاح وضعیت بحرانی داخلی و بین‌المللی کشورشان برگزیده‌اند. پوروشنکو در اوکراین لقب سلطان شکلات دارد.

# چرا این همه ظلم به دختران؟



## امین اکبریان

پس از گذشت حدود یک ماه از گروگانگیری حدود ۲۷۰ دختر دانش آموز توسط گروه افراطی «بوکو حرام» در نیجریه و تبدیل شدن این اسرای بی گناه بگزارندا!

این جنایت آشکار و غیرانسانی موجی از اعتراضات جهانی را برانگیخت و حتی سازمان ملل متحد نیز خواستار اقدام فوری برای نجات جان این دختران بی گناه شد.

رهبر «بوکو حرام» این دختران را که اکثرآ مسیحی هستند مجبور کرد که با نفی دین خود مسلمان شوند و فیلمی از دختران را نیز با حجاب اسلامی منتشر کرد.

چندین دولت آفریقایی به همراه کشورهای اروپایی، امریکا و سازمان ملل اقدامات هماهنگی برای یافتن این دختران اسیر آغاز کرده اند اما نتیجه احتمالی این تلاش ها فعلا نامعلوم است و خانواده های دختران همچنان نگران سرنوشت فرزندان شان هستند. تقریبا تمامی افراد فعال در زمینه



به بردگان مذهبی، تلاش های جهانی برای نجات آنها تاکنون بی نتیجه مانده است.

گروه تروریستی، «بوکو حرام» که ظاهرا بخشی از شبکه جهانی القاعده به شمار می رود با پیروی از دیدگاه های شدید افراطی می کوشد نوعی خلافت اسلامی را در نیجریه و سایر کشورهای غرب آفریقا ایجاد کند. ابوبکر شکانو، که پس از کشته شدن رهبر قبلی این گروه، اکنون فرماندهی آن را بر عهده دارد در یک پیام ویدیویی با افتخار اعلام کرد:

درس خواندن دختران حرام است. و مجرد ماندن دختران حرام است. و هرگونه شیوه زندگی که شباهتی به زندگی مدرن و غربی داشته باشد، خصوصا برای دختران حرام است!

حقوق زنان، از جمله همسر پرزیدنت اوپاما، زنان سرشناس در سیاست و



# دختری که بدست پدر سنگسار شد!



جنایت هولناکی که در پاکستان منجر به قتل دلخراش یک زن جوان باردار توسط پدر و برادرانش شد، بازتاب گسترده جهانی یافت و حتی مقامات سازمان ملل با ابراز انزجار از چنین اعمال غیرانسانی خواستار اقدامات موثر برای دفاع از جان و حقوق زنان و مقابله با جنایت‌های ناموسی شدند.

فرزانه پروین، زن ۲۵ ساله‌ای که نوه‌روس و سه ماهه باردار بود در برابر ساختمان دادگاه شهر لاهور مورد حمله پدر و برادران بی‌رحم خود قرار گرفت و بر اثر ضربات پیاپی با سنگ و آجر شدیداً مجروح شد و در پیاده‌رو خیابان جان سپرد. این پدر جنایتکار خود را به پلیس تسلیم کرد و با کمال افتخار گفت که دخترش را به دلیل نافرمانی‌اش مجازات کرده و با کشتن دختر خود در واقع از شرف و آبروی خانواده دفاع کرده است!

جرم نابخشودنی این زن پاکستانی، به گفته پدرش، آن بوده که او «دستور» پدر را برای ازدواج با یکی از پسران فامیل نپذیرفته و در عوض با مرد دیگری که به او علاقمند بوده، ازدواج کرد.

پدر فرزانه علیه داماد مغضوب به دادگاه شکایت می‌کند و او را متهم ساخته که دخترش را ربوده و به زور به عقد خود درآورده. نهایتاً زن و شوهر جوان در دادگاه حاضر شده و هر دوی آن‌ها اتهامات پدر عروس را تکذیب کرده و می‌گویند آن‌ها عاشق هم بودند و به رغم مخالفت فامیل، رسماً و قانوناً با هم ازدواج کرده بودند. اما پدر خشمگین این عمل دختر خود را گستاخی و اهانت به آبروی خانواده تلقی می‌کند و همان روز محاکمه دختر بی‌پناه را که تنها جرمش ازدواج با مرد محبوبش بوده در برابر ساختمان دادگاه شهر لاهور در خیابان سنگسار کرد و کشت! این جنایت در روز روشن و در برابر حضور مأموران پلیس که فقط تماشاگر این قتل خونین بودند، روی داد.

محمد اقبال، شوهر فرزانه در حمله دسته‌جمعی پدر و برادران فرزانه مجروح شد، و توانست همسر باردارش را نجات دهد. گزارش بی‌بی‌سی به نقل از رسانه‌های خبری و فعالین حقوق بشر پاکستان حاکیست در این کشور فقیر و پرجمعیت در سال ۲۰۱۳ حداقل ۸۶۹ مورد قتل ناموسی زنان گزارش شده بود. ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، با محکوم کردن این جنایت هولناک خواستار اقدامات موثر قانونی و اجرایی برای دفاع از زنان در برابر چنین خشونت‌های مرگباری شد.

امور اجتماعی و همچنین **ملاله یوسف‌زای** کمپین گسترده‌ای برای کمک به این دختران مظلوم آغاز کرده‌اند و شعار این کمپین بسیار صریح و ساده است: **دخترانمان را بازگردانید.**

ملاله دختر اهل پاکستان که در تلاش جهانی کمک به دختران اسیر نیجریه‌ای بسیار فعال بوده، خودش نیز قربانی حمله تروریستی افراطیون اسلامی بود که مدرسه رفتن را حرام می‌دانند و به خاطر اصرار ملاله و خانواده‌اش برای ادامه تحصیل دبیرستانی، او را در زمانی که ۱۵ ساله بود در حمله مسلحانه ترور کردند. ملاله بر اثر حمله مذکور شدیداً مجروح گردید و در آستانه مرگ قرار داشت ولی پس از معالجات دشوار و طولانی از مرگ نجات یافت، گرچه هنوز هم در نیمی از بدنش دچار نوعی حالت فلج است. افراطیون مذهبی در افغانستان و پاکستان نیز سال‌هاست که تحصیل دختران را حرام و ممنوع اعلام کرده و طی سال‌های اخیر در حملات مرگبار تروریستی ده‌ها مدرسه را آتش زده و تخریب کرده‌اند و صدها کودک محصل را نیز کشته‌اند!

این اقدام تروریستی در نیجریه بار دیگر این سوال را در افکار عمومی جهان مطرح ساخته که چرا افراطیون مذهبی تا این حد به زنان ستم می‌کنند و با تحصیل و سوادآموزی دختران دشمنی دارند. ملاله در پاسخ این سوال می‌گوید:

دخترانی که امروز باسواد می‌شوند، مادران باسواد و آگاه دنیای فردا خواهند بود و مادران باسواد هم فرزندان آگاه و به دور از جهل و تعصب تربیت خواهند کرد. در نتیجه دختران و زنان با کسب تحصیل و سوادآموزی می‌توانند سرنوشت یک جامعه را عوض کنند و این همان چیزی است که تروریست‌ها و متعصبین از آن وحشت دارند، یک جامعه جدید، باسواد و عاری از تعصب و خرافات.

## اسامی پذیرفته شدگان ایرانی تبار دریافت پروانه وکالت کالیفرنیا

1. ABDIZADEH, AMIR ABBAS	Apple Valley	CA	92307	1. امیرعباس عابدی زاده	<b>پذیرفته شدگان از نگاه آمار:</b> تعداد کل پذیرفته شدگان <b>۲۰۷۳</b> تعداد کل ایرانی تباران <b>۷۹</b> نفر، که به ترتیب زیر از مناطق مختلف امریکا به شرح زیر پذیرفته شده‌اند: ۱۰ نفر از ایالت‌های نیویورک، تگزاس، مریلند، واشنگتن، دلور و واشنگتن دی سی ۶۹ نفر کالیفرنیا ۱۳ نفر شمال کالیفرنیا ۵۶ نفر جنوب کالیفرنیا به این ترتیب، درصد کل ایرانی تباران پذیرفته شده، <b>۳۰٫۸٪</b> است، با یادآوری این که درصد ایرانی تباران پذیرفته شده سال گذشته <b>۲۲٫۲٪</b> بوده است. در نتیجه درصد قبول ایرانی تباران رشدی معادل <b>۷۰ درصد</b> را داشته است. با سپاس از پشتیبانی هیئت مدیره کانون وکلای رسمی کالیفرنیا: <b>رُشی رهنما</b> - پرزیدنت <b>هژیر اردبیلی</b> - پرزیدنت انتخابی <b>فیروزه نیا</b> - خزانه دار <b>کاتا کیم</b> - سکرتری <b>کریستوفر اردلان</b> - مسئول اجرایی <b>ظاهر فلاحی</b> - مسئول اجرایی <b>آرش هاشمی</b> - مسئول اجرایی <b>نیکو مهرپو جیکوبسون</b> - مسئول اجرایی
1. AFSHAR, ZOYA	Monte Sereno	CA	95030	۱. زویا افشار	
2. AHMADIAN FARD, ASHLEY	San Diego	CA	92128	۲. اشلی احمدیان فرد	
3. AKHAVAN, SHAMIM STEVEN	West Hollywood	CA	90069	۳. شمیم استیون اخوان	
4. AKHOUNDZADEH, SHABNAM	Valencia	CA	91355	۴. شبنم آخوندزاده	
5. AMELI, CHANTELLE SHIRIN	Pacific Palisades	CA	90272	۵. شانتل شیرین عاملی	
6. AMINI, MONA	Fullerton	CA	92835	۶. مونا امینی	
7. AMINI, NEEMA	Austin	TX	78701	۷. نیما امینی	
8. ARSHI, LAYLA	Mission Viejo	CA	92692	۸. لایلا عرشی	
9. BARZIN, ABTIN	Mission Viejo	CA	92692	۹. آبتین برزین	
10. BAYATI, RENAN	Laguna Beach	Ca	92651	۱۰. رنان بیاتی	
11. BEYZAEI, MARAL	South Pasadena	CA	91030	۱۱. مارال بیضائی	
12. BORDBAR, MAZIAR	Irvine	CA	92612	۱۲. مازیار بردبار	
13. DARVISH, ADRIEL MORDAKR	Los Angeles	CA	90048	۱۳. آدریل مردخای درویش	
14. EMRANI, MICHELLE M.	Beverly Hills	CA	90210	۱۴. میشل عمرانی	
15. GOLSHANI, SHERVIN	Palmdale	CA	93551	۱۵. شروین گلشنی	
16. HAGHIGHI, SHAHRAM	Los Angeles	CA	90064	۱۶. شهرام حقیقی	
17. HASHEMI, TANNAZ HAMIDI	Beverly Hills	CA	90210	۱۷. طناز حمیدی هاشمی	
18. HEDAYATI, SHIRIN	Richmond	CA	94804	۱۸. شیرین هدایتی	
19. HEIDARI, SAEID ALI	Ladera Ranch	CA	92694	۱۹. سعید علی حیدری	
20. HEJAZI, ASHKAN	Mission Viejo	CA	92692	۲۰. اشکان حجازی	
21. HOSSEINPOUR, ARDALAN	San Diego	CA	92128	۲۱. اردلان حسین پور	
22. JAVANFARD, DORNA	Beverly Hills	CA	90211	۲۲. درنا جوانفرد	
23. JAVID, MAHDIEH	Rockville	MD	20852	۲۳. مهدیه جاوید	
24. KAHEN KASHANI, JACOB	Encino	CA	91316	۲۴. جیکوب کاهن کاشانی	
25. KARAMIAN, MELINA	Castaic	CA	91384	۲۵. ملینا کرمیان	
26. KASHANI, MELODY	Beverly Hills	CA	90212	۲۶. ملودی کاشانی	
27. KASHANI, ROBIN YAHYA	Tarzana	CA	91356	۲۷. روبین یحیا کاشانی	
28. KHAJAVI, MARYAM ZAHRA	Pinole	CA	94564	۲۸. مریم زهرا خواجهوی	
29. KOKABI, KASRA	Woodland Hills	CA	91364	۲۹. کسرا کوکبی	
30. KOUROSHNIA, ANAHITA	Bethesda	MD	20817	۳۰. آناهیتا کوروش نیا	
31. MADADI, SHAHAB MICHAEL	Calabasas	CA	91302	۳۱. شهاب مایکل مددی	
32. MADHANI, BIJAN NOORUDDIN	Washington	DC	20008	۳۲. بیژن نورالدین مدحانی	
33. MADJIDI, MAHRU	Los Angeles	CA	90049	۳۳. ماهرو مجیدی	
34. MALEKAN, MOJDEH	Flushing	NY	11367	۳۴. مژده ملک‌ان	
35. MALEKIMOJARAB, AFSANEH	Chula Vista	CA	91913	۳۵. افسانه ملکی مجرب	
36. MIRHOSSEINI, BAHAR	Brooklyn	NY	11205	۳۶. بهار میرحسینی	
37. MOHAJERJASBI, HEDIYEH HOPE	Issaquah	WA	98027	۳۷. هدیه مهاجرجاسبی	
38. MONTAKAB, RAMIN TODD	Newport Beach	CA	92660	۳۸. رامین منتخب	
39. MONTAZERI, RAMIN	Forest Hills	NY	11375	۳۹. رامین منتظری	
40. MOTTAHEDEH, RAFI WILLIAM	Oakland	CA	94607	۴۰. رافی ویلیام متحده	
41. NAJAFI, MOJDA	San Diego	CA	92101	۴۱. مژده نجفی	

## ایران شهر اقتصادی و سیاست بین الملل

42. NAVAB, SANAM	Los Angeles	CA	90024	۴۲. صنم نواب
43. NIKKHOO, SANAM ALICIA	Dana Point	CA	92629	۴۳. صنم آلیسیا نیکخو
44. PALABOD, LADAN	Santa Clarita	CA	91350	۴۴. لادن پالابد
45. PARTOVI, ERIC ELI	Tarzana	CA	91356	۴۵. اریک الی پرتوی
46. PARVIZI, NASTERAN	San Diego	CA	92128	۴۶. نسترن پرویزی
47. POURFALLAH, BARDIA ALI	San Diego	CA	92131	۴۷. بردیا علی پورفلاح
48. POURHASSANIAN, AMBER MARIE	Yorba Linda	CA	92887	۴۸. ماری پورحسنیان
49. RAJABZADEH, NICHOLAS ALAN	Palo Alto	CA	94303	۴۹. نیکولاس آلن رجب زاده
50. RAZAVI, SEYED A	Irvine	CA	92602	۵۰. سید رضوی
51. REJALI, OMID	San Diego	CA	92131	۵۱. امید رجالی
52. REZVANPOOR, NILOOFAR	Mission Viejo	CA	92692	۵۲. نیلوفر رضوان پور
53. SABUR, MOHAMED HUSEIN	Oakland	CA	94612	۵۳. محمدحسین صبور
54. SADEGHIBAHARI , SOHEIL	Los Angeles	CA	90025	۵۴. سهیل صادقی بهاری
55. SAGHIAN, BAHAREH	Los Angeles	CA	90025	۵۵. بهاره ساقیان
56. SAGHIAN, SAMAN	Houston	TX	77096	۵۶. سامان ساقیان
57. SAMADI, NEILUFAR	San Jose	CA	95134	۵۷. نیلوفر صمدی
58. SARABI, MOHAMMAD	Tustin	CA	92782	۵۸. محمد سرابی
59. SARBAZ, ARASH	Beverly Hills	CA	90211	۵۹. آرش سرباز
60. SEDIGHZADEH, SHADI	Porter Ranch	CA	91326	۶۰. شادی صدیق زاده
61. SHAHABI, SHAHRIAR	Scotts Valley	CA	95067	۶۱. شهریار شهابی
62. SHAHBAZIAN, MELINA	Glendale	CA	91203	۶۲. ملینا شهبازیان
63. SHAKOORI, SABA	Saratoga	CA	95070	۶۳. سبا شکوری
64. SHAKOORY, BABAK	Rancho Cordova	CA	95670	۶۴. بابک شکوری
65. SHARIF, YASAMAN	Chula Vista	CA	91913	۶۵. یاسمن شریف
66. SHARIFZADEH, MONA	Saratoga	CA	95070	۶۶. مونا شریف زاده
67. SOOFI, OLIVIA NARGES	Jamul	CA	91935	۶۷. نرگس اولویا صوفی
68. TABIEI, OMEED	Washington	DC	20001	۶۸. امید تابعی
69. TAHMASIAN, SARMEN	Glendale	CA	91201	۶۹. سارمن تهماسیان
70. TALAISHAHIR, ALI	Woodland Hills	CA	91367	۷۰. علی طلایی شهیر
71. TAMARI, BABAK	Encino	CA	91316	۷۱. بابک تماری
72. TEHRANI, ITAMAR	Encino	CA	91316	۷۲. ایتامار تهرانی
73. TORSHIZI, SAMIRA FAGHIH NIA	Wilmington	DE	19801	۷۳. سمیرا فقیه نیا ترشیزی
74. VATANI, BAHARAM DENISE	Newport Beach	CA	92663	۷۴. بهرام دنیس وطنی
75. YAHYAI, ARASH	Encinitas	CA	92024	۷۵. آرش یحیایی
76. YAMINI, SHAYDA	Tarzana	CA	91356	۷۶. شیدا یمینی
77. YAZDI, POURIA AKBARZADEH	San Francisco	CA	94116	۷۷. پوریا اکبرزاده یزدی
78. ZADEH, NATASHA N	Irvine	CA	92620	۷۸. ناتاشا زاده
79. ZAMANPOUR, NIRVANA	Irvine	CA	92606	۷۹. نیروانا زمان پور

**ایران شهر موفقیت این عزیزان را به یکایک ایشان، خانواده هایشان و  
جامعه ایرانیان کالیفرنیا شادباش می گوید**

# فرصت شادی و رقص با حضور تیم ملی در جام جهانی



خیابان‌ها به این مبارزه علنی خود با استبداد و انجماد فکری صاحبان قدرت در ایران ادامه داده‌اند که می‌توان نمونه‌های آن را بارها در گستره‌های گوناگون به وضوح دید. از جشن آب بازی در پارک گرفته که بیش از ۱۵۰ نفر بازداشت شده، داشت تا شرکت در مراسم باستانی چهارشنبه سوری که همه‌ساله علی‌الرغم بگیر و ببندهای حاکمیت، پر شکوه‌تر و شادمانه‌تر، کف خیابان‌های شهرها و روستاهای ایران را با ضرب آهنگ رقصان پای جوانان وطن آشنایم کند.

بار دیگر حضور تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل فرصتی است که جوانان ایران از آن بهره خواهند برد تا با پایکوبی و شادمانی خود، سیلی دیگری بر سیمای سیاه تفکر مرده پرستی و شادی ستیزی مورد نظر حاکمان تهران بکوبند. اگرچه از مقامات عالی رتبه سیاسی گرفته تا مسئولان نوکر مآب ورزشی که نه به واسطه شایستگی و عقلائیّت که به صرف سرسپردگی به منصب و مقامی رسیده‌اند، در ظاهر خواهان پیروزی و سرفرازی تیم ملی فوتبال هستند، اما بر هیچ کس پوشیده نیست که هیچکدامشان در حقیقت خواهان دست‌یابی تیم ملی ایران به پیروزی نیستند.

و این نکته نه ادعایی بی اساس که موضوعی واضح مقارن با رفتارهای اجرایی آنان است، عدم حمایت نهادهای مسئول از بازیکنان و مربیان، عدم تامین آرامش روانی برای بازیکنان و استعفای نابه‌هنگام مربیان تیم ملی و حتی عدم تامین نیازهای اصلی آنان مانند موضوع تقلبی بودن لباس اعضای تیم ملی، خود مستندات برای این ادعاست.

با این حال فراموش نکنیم میلیون‌ها جوان ایرانی خود را برای شادی و رقص در پس هر پیروزی و یا بازی خوب و جوانمردانه تیم ملی آماده کرده‌اند. رفتاری که از هر مبارزه سیاسی دیگر در ایران امروز تاثیر گذارتر است.

برای نخستین بار در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ میلادی بود که پس از پیروزی تیم ملی ایران بر استرالیا که موجب صعود تیم ملی ایران به جام جهانی را پدید آورد به ناگهان موجی از شادی و پایکوبی سراسر ایران را فرا گرفت. آن سال مردم ایران این فرصت را یافتند که برای نخستین بار پس از وقوع انقلاب و استیلای تفکر شادی ستیز جمهوری اسلامی، به خیابان‌ها بیایند و در فضای کمی بازتر اجتماعی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ بتوانند به صورت دست جمعی در مواجهه با یک پیروزی ملی به رقص و پایکوبی دست جمعی بپردازند.

اتاق‌های فکر در دالان‌های سیاه و منجمد ایدئولوژی تمامیت‌خواهی که از حوزه‌های علمیه به عنوان منابع فکری پشت سیاست رسمی در ایران به فعالیت مشغول بوده و هستند، از فردای همان روز متوجه این مهم شدند که نسل جدیدی که در ایران و البته در زیر سایه سنگین انتشار و گسترش فرهنگ مرده پرستی و شادی ستیزی رشد کرده‌اند، راه خود را یافته‌اند و علی‌الرغم همه تلاش‌های مذبح‌خانه دین فروشان و عوامل پیدا و پنهانشان در بدنه جامع قدرت سیاسی در ایران، این نسل تازه نه تنها با تفکر متحجر ایشان سر دوستی ندارد بلکه از هر فرصتی برای ابراز آرا و تحقق خواسته‌های خود که به تبع، درست در نقطه مقابل خواسته آنان بوده و هست بهره خواهد برد.

در سال‌های بعد پدیده شادمانی اجتماعی با عناوین مختلف و در لوای نمایه‌های اجتماعی گوناگون به شدت مورد ستیز حکومت قرار گرفت و در کنار همان اتاق‌های فکر و پس‌گرا، دوباره اجرایی حکومت در حوزه اجتماعی یعنی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و قوه قضائیه حکومت اسلامی، به سرکوب و مبارزه علنی باشادی‌های اجتماعی در ایران پرداختند.

با این حال مردم ایران بارها و بارها در مقاطع گوناگون با رقص پایکوبی در





ضمیمه رایگان علمی، بهداشتی

# ایران پزشکی

ضمیمه علمی، بهداشتی «ایران شهر پزشکی» بخشی از نشریه جامع ایران شهر است که به صورت مستقل تلاش دارد تا رابطه بهتری بین مخاطبان فارسی زبان جراید در آمریکا و پزشکان و متخصصان سلامت، تغذیه، دارو و درمان ایجاد نماید. در صورت تمایل به همکاری با تحریریه «ایران شهر پزشکی» و یا درج آگهی در این بخش از نشریه ایران شهر با تلفن ۸۱۸,۹,۰۸,۰۸,۰۸ تماس حاصل فرمایید.

ضمیمه دوازدهم. جون ۲۰۱۴ - ضمیمه در مجله ایران شهر

# بزرگترین دروغی که به انسان گفته شده: سحر خیز باش تا کامروا شوی



موارد، سحرخیزی نه تنها تأثیری بر رشد کارکرد ذهنی افراد ندارد بلکه موجب کاهش راندمان فعالیت ذهنی سحرخیزان شده و از توانایی‌های آنان در ساعات متماز بیولوژیکی برای مغز که در افراد گوناگون متفاوت است می‌کاهد.

محققان با توجه به ساعات خواب و نحوه زیست دیگر جانوران پستاندار متوجه این امر شدند که در اکثر پستانداران با توجه به نوع رژیم غذایی آنان خواب پدیده‌ایست که می‌تواند متغییر باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌داد که طول مدت آرامش مطلق در میان جانداران مختلف بسیار متفاوت است و بیشتر حیوانات با جثه متوسط و نزدیک به انسان با رژیم غذایی گوشتخوار به خواب بیشتری نیاز دارند.

شامپانزه‌ها به عنوان نزدیک‌ترین همزاد نسلی انسان در میان حیوانات تقریباً ۱۰ ساعت از شبانه روز را به خواب می‌روند که بیش از نیمی از این زمان به پس از طلوع خورشید و در طی روشنایی روز مربوط می‌شود در حالی که گوسفندان تنها به چهار ساعت خواب نیاز دارند و ترجیحاً این خواب به پیش از آغاز سحر و طلوع

تحقیقات علمی نشان می‌دهد که انسان به عنوان زیر گونه‌ای از پستانداران در چرخه طبیعت نیاز به ساعات خواب معینی دارد که از قضای روزگار برای پایان آن، به آغاز صبح نیازی نیست.

در حقیقت آنچه برای قرون متمادی رمز دست‌یابی به موفقیت در بیدار شدن زود هنگام از خواب در ساعات اولیه بامداد عنوان شده است، هیچ‌گونه تناسبی با زندگی گونه جانوری انسان ندارد.

محققانی از ۲۲ دانشگاه در آمریکای شمالی و بریتانیا طی تحقیقات گسترده‌ای که در خلال سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ در بیش از ۱۵۰ هزار نمونه تحت آزمایش از جانواران مختلف از جمله انسان در محیط‌های طبیعی و شبیه سازی شده انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که ساعت بیولوژیکی بدن انسان بر اساس نوع مواد غذایی مصرفی، محیط زیست و دمای آن، همچنین میزان روشنایی و تاریکی محیط زندگی و با توجه به عوامل وراثتی، مهمترین معیار تعیین میزان خواب و ساعات آغاز و پایان آن است.

نتیجه کلی این تحقیقات نشان می‌دهد که در قریب به اتفاق

## ایران شهر پزشکی



خورشید مربوط می‌شود در حالی که ساعت آغاز خواب آنها نیز تا ساعت‌ها پس از غروب افتاب به تعویق می‌افتد.

فیل‌ها، گاوها و اسب‌ها حدود سه ساعت و زرافه‌ها حتی با دو ساعت خواب برای ادامه فعالیت روزانه آماده می‌شوند که همه این گونه‌های پستاندار از علفخواران هستند اما گربه سانان بیشتر می‌خوابند به طوریکه ببرها روزانه تقریباً ۱۶ ساعت می‌خوابند و گربه‌های خانگی حداقل ۱۲ ساعت در شبانه روز را در خواب سپری می‌کنند.

خفاش‌ها می‌توانند حتی ۲۰ ساعت در شبانه روز، خاریشت‌های معمولی بیش از ۱۷ ساعت و موش بیش از ۱۳ ساعت می‌توانند بخوابند.

به نظر می‌رسد در مورد حیوانات خواب برای تجدید قوای جسمانی است و مشاهده می‌شود حیواناتی که زمان کمتری را به خواب اختصاص می‌دهند معمولاً در طول روز چرت می‌زنند.

ارتباط مستقیمی میان میزان سوخت و ساز بدن و خواب وجود دارد. حیوانات کوچک که تحرک بیشتری دارند و انرژی بیشتری مصرف می‌کنند در مقایسه با حیوانات بزرگ جثه که روند سوخت و ساز کندتری دارند مدت زمان طولانی‌تری می‌خوابند.

انسان نیز در این مجموعه از وضعیتی تقریباً مشابه با سایر گونه‌ها برخوردار است.

محققان در پژوهش یاد شده اثبات کرده‌اند که کاهش مصرف مواد خوراکی گوشتی و جایگزینی رژیم غذایی گیاهی نیاز به خواب را در انسان کم می‌کند اما رژیم غذایی نرمال برای انسان چیزی در حدود هشت تا ده ساعت خواب را برای تنظیم ساختار متابولیسمی بدن این گونه‌ی جانوری می‌طلبد که البته به دلایل وراثتی این میزان در حال حاضر در سطح نرمال با کاهش یک ساعته بین ۸ تا ۹ ساعت برآورد می‌شود.

محققان در این پژوهش عوامل وراثتی را در بیش از سه هزار موش آزمایشگاهی در محیط‌های باز سازی شده مطابق با محیط زیست انسان از لحاظ میزان گرما، رطوبت، آلودگی‌های محیطی و نور و صدا مورد توجه و مطالعه قرار داده‌اند که نتایج نشانگر ساعات تمایل ژنتیکی به خواب در دو پرئود مشخص است:

نخست از حدود ساعت ۴ صبح یعنی پیش از سحر و رو به روشنایی گذاشتن آسمان که هوا به طور طبیعی به نقطه کاهش دمای محیطی می‌رسد تا ساعت ۱۰ صبح که آغاز روند گرمایش نیمروزی آغاز می‌شود.

و مرحله دوم از ساعت ۴ بعد از ظهر که روند گرمایش نیمروزی در اوج، رو به کاهش می‌گذارد تا ساعت ۷ عصر که آغاز کاهش نور در شبانه روز است.

در ادامه این پژوهش با تربیت سه نسل پیاپی از موارد آزمایشگاهی برای خواب در ساعات معین و سحر خیزی موش‌ها مطابق زیست معمول انسانی برای خواب در پرئود شبانه و برخاستن از آن در صبحگاه تربیت شدند که نتایج حاصل پس از سه نسل تربیت شده به انتقال ژنتیکی این تربیت در نسل‌های بعد بدون دریافت آموزش

مشابه دلالت داشته است.

دانشمندانی که بر این پرئود فعالیت داشته‌اند با بررسی کامل نتایج این تحقیقات گسترده یادآور شده‌اند که ساعت بیولوژیک درونی انسان برای خواب در دو پرئود روزانه متناسب بوده است و علاقه افراد به خواب صبحگاهی نه نشانه تبلی آنها که بیانگر نیاز طبیعی بدن انسان بر اساس موضوعت تکاملی انسان به عنوان یک موجود جاندار از تیره پستانداران است.

بخش دیگری از این تحقیقات جامع بر پرئود خواب در دیگر جانداران غیر پستاندار از جمله پرندگان، حشرات، دوزیستان و برخی گونه‌های گیاهی متمرکز بوده است که بر اساس نتایج آن پرندگان، خزندگان، دوزیستان و ماهی‌ها هم می‌خوابند البته از تفاوت‌هایی نسبت به پستانداران برخوردار هستند.

بر اساس تحقیقات انجام شده نوع خواب خزندگان و دوزیستان با پرندگان و پستانداران متفاوت است. ماهی‌ها هم می‌خوابند و معمولاً برای خواب در جستجوی جای مطمئن و امنی هستند.

ماهی‌ها معمولاً هنگام خواب عکس العمل چندانی نسبت به تحریکات بیرونی از خود نشان نمی‌دهند.

بی‌مهرگانی همچون حلزون‌ها و حشرات هم می‌خوابند. مگس‌های جوان همچون پستانداران جوان بیشتر از پیرترها می‌خوابند.

یک عامل مهم در میزان ساعات خواب تاثیر شب و روز یا تاریکی و روشنی بر خواب است. این ریتم تقریبی که در واقع با نور خورشید ایجاد می‌شود در مورد گیاهان نیز صدق می‌کند.

# بهداشت خواب



میزان نیاز خود به خواب را مشخص نمایید. زمانی به رختخواب بروید که احساس خستگی می‌کنید و از خوابیدن در ساعات عصر خودداری کنید.

در طول روز و بخصوص در ساعات بعدازظهر در معرض نور آفتاب قرار بگیرید مواجهه با نور در ساعات بیداری به تنظیم ساعت زیستی کمک می‌کند.

یکی دیگر از نکاتی که در فراهم کردن یک خواب راحت موثر است بهبود محیط فیزیکی خواب است.

دکتر اصغری در این خصوص می‌گوید اگر اتاق خواب فرد راحت و رضایت‌بخش باشد، خواب وی نیز رضایت‌بخش خواهد بود. توصیه‌های مورد نظر در این خصوص این است که از تشک‌هایی استفاده کنید که خیلی سفت یا خیلی نرم نباشد.

در مورد مناسب بودن دمای اتاق اطمینان حاصل کنید، اتاق خواب شما باید به اندازه کافی تاریک باشد.

اتاق خواب باید ساکت باشد اگر نمی‌توان سرو صدا را کنترل کرد (مثل همسایه‌های پرسر و صدا یا صدای پارس سگ‌ها) بهتر است از گوش‌بند استفاده کنید.

بهداشت خواب مجموعه اقداماتی است که به افراد کمک می‌کند، خواب راحت و آرامی داشته باشند به بیان دیگر بهداشت خواب عادت سالم خوابیدن است. این عادت‌ها بسیار ساده هستند و اکثر افراد از آن آگاهی دارند اما در موقع خواب به آن عمل نمی‌کنند.

دکتر «علی محمد اصغری» عضو هیات مدیره انجمن پزشکی خواب در این خصوص می‌گوید بسیاری از اختلالات خواب به دلیل عدم رعایت این عادت‌ها در دراز مدت ایجاد می‌شوند.

یکی از اصول مهم بهداشت خواب همراهی با ساعت زیستی بدن است بسیاری از فرآیندهای بدن انسان (مثل دما و ترشح هورمون‌ها) با یک دوره فیزیولوژیک تقریباً ۲۴ ساعته تنظیم می‌گردد شرط لازم برای داشتن یک خواب خوب همراهی با این ساعت زیستی است.

عضو انجمن علمی و پزشکی خواب می‌گوید توصیه‌های مهمی در خصوص اصول بهداشت خواب وجود دارد که به کارگیری آنها در فراهم کردن یک خواب راحت موثر است.

از جمله اینکه هر روز در یک ساعت مشخص بیدار شوید. این کار به تنظیم ساعت زیستی کمک می‌کند و پس از مدتی شما در ساعت مشخصی می‌خوابید و بیدار می‌شوید.



## ایران شهر پزشکی



### نقش رژیم غذایی در خواب

با تغییر در رژیم غذایی می توان خواب بهتری را تجربه نمود از جمله اینکه کاهش مصرف کافئین در فاصله ۴ تا ۶ ساعت قبل از خواب به علت اینکه حدود ۵۰ درصد کافئینی که ساعت ۷ عصر مصرف می شود تا ساعت ۱۱ شب در بدن باقی می ماند.

توجه داشته باشید کافئین در قهوه، چای، نوشابه و بسیاری از مواد غذایی و دارویی وجود دارد.

مصرف غذاهای سنگین قبل از خواب توصیه نمی شود. این غذاها موجب سوزش سردل و بازگشت مواد غذایی از معده به مری می شوند که هر دو می توانند خواب را مختل نمایند.

اگر گرسنگی و معده خالی باعث بیدار شدن شما از خواب می شود، بهتر است از غذاهای سبکی مثل شیر و بیسکویت، فرنی، سوپ و یا ماست قبل از رفتن به رختخواب استفاده کنید.

از مصرف مایعات در فاصله ۹۰ دقیقه قبل از خواب خودداری کنید. چون حدود ۹۰ دقیقه طول می کشد که مایعات مصرفی به ادرار تبدیل شود. احساس دفع ادرار، بویژه در افراد مسن موجب بیدار شدن از خواب و اختلال خواب می شود.

برخی از افراد با خوردن مواد غذایی حاوی اسید آمینه تریپتوفان (مانند موز) راحت تر به خواب می روند. اسید آمینه تریپتوفان، پیش ساز سروتونین است. سروتونین نیز خواب را تسهیل می نماید

دکتر «علی اکبر نجاتی صفا» عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی

از اتاق خواب، تنها برای خوابیدن استفاده کنید. اگر از اتاق خواب برای تماشای تلویزیون یا مکالمه تلفنی با دوستان استفاده کنید ذهن شما برای این کارها شرطی می شود و به محض ورود به اتاق خواب به یاد این کارها می افتید.

دکتر اصغری با بیان اینکه برای داشتن یک خواب راحت باید از مصرف دارو خودداری کرد می افزاید بسیاری از مردم فکر می کنند که مصرف دارو یا برخی مواد باعث بهبود خواب آنها می شود.

برخی اشتباهات رایج در این خصوص سیگار، الکل و قرص های خواب است.

بسیاری از افراد سیگاری فکر می کنند که سیگار باعث آرامش آنها می شود، غافل از اینکه نیکوتین یک ماده محرک و دارای عوارضی مانند افزایش ضربان قلب و فشار خون است، که باعث می شوند فرد برای بخواب رفتن مدت بیشتری را صرف کند.

الکل، ماده ای است که باعث کندی کار سامانه اعصاب مرکزی می شود و مصرف آن قبل از خواب به ظاهر ممکن است خواب را تسهیل نماید اما الکل ریتم خواب و بیداری را به هم می زند و فردی که الکل مصرف می کند روز بعد احساس کسالت می کند. مشکل دیگر الکل، بیدار شدن مکرر برای دفع ادرار است.

یکی دیگر از عواملی که منجر به اختلالات خواب می شود مصرف قرص های خواب آور است. عوارض این قرص ها شامل خواب آلودگی در طی روز، نامشخص ماندن علت بیخوابی و بازگشت شدیدتر بیخوابی به دنبال قطع مصرف آنهاست.

این داروها باید طبق نظر پزشک و تنها برای مدت کوتاهی مورد استفاده قرار گیرد.

### آرام سازی و تاثیر آن در راحت خوابیدن

یکی از علل بی خوابی نگرانی و دلشوره است. کاهش نگرانی می تواند زمینه را برای یک خواب راحت فراهم نماید. توصیه هایی که در این خصوص وجود دارد عبارتند از:

اگر شما جزء افرادی هستید که هنگام خواب نگرانی ها به سراغشان می آید، طوری برنامه ریزی کنید که نیم ساعت قبل از رفتن به رختخواب را به فکر کردن ارادی در مورد نگرانیها اختصاص دهید بدین ترتیب زمان رفتن به رختخواب شما قبلا فکرهاي خود را در مورد روز بعد کرده اید.

از تمرینات آرام سازی استفاده کنید. این تمرینات شامل آرام سازی عضلانی، تصورات خوشایند ذهنی و تمرکز بر آنها، استفاده از کاست های آرام سازی، ماساژ و دوش آب گرم است.

همچنین تمرینات ورزشی روزانه به بهبود وضعیت خواب کمک شایانی می کند.

**وقتی که جسم فرد خسته باشد، راحت تر به خواب می رود.**

در خصوص ورزش نیز توصیه هایی وجود دارد از آن جمله، ورزش منظم بخصوص در عصرها باعث تسهیل خواب می شود اما ورزش شدید در فاصله دو ساعت قبل از خواب باعث کاهش توانایی فرد در به خواب رفتن می شود.

## ایران شهر پزشکی



تهران در این خصوص می‌گوید یکی از شایعترین علل اختلالات خواب و بی‌خوابی و بدخوابی رعایت نکردن اصول مربوط به بهداشت خواب است.

نجاتی صفا می‌افزاید به کارگیری نکات مربوط به بهداشت خواب که به صورت تغییرات کوچکی در شیوه زندگی است اثرات بزرگی در بهبود کیفیت خواب دارد.

دکتر نجاتی صفا با اشاره به اینکه مهمترین نکته در خصوص بهداشت خواب همراهی با ساعت زیستی بدن است افزود: چرخه‌های خواب و بیداری هر فرد توسط ساعت زیستی بدن او تنظیم می‌شود.

به گفته این روانپزشک برخی افراد برای سرحال شدن باید ۹ ساعت و یا بیشتر بخوابند و برخی به ۶ ساعت و یا کمتر خواب نیاز دارند ولی اکثر افراد به حدود ۷ تا ۸ ساعت خواب نیاز دارند.

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌گوید قرار گرفتن در معرض نور خورشید در بعد از ظهرها و مواجهه با نور در ساعات بیداری به تنظیم ساعت زیستی کمک می‌کند.

وی با اشاره به اینکه فرد باید سعی کند در زمان خستگی به رختخواب برود افزود: اگر فرد پس از ۲۰ تا ۳۰ دقیقه از زمان رفتن به اتاق خواب همچنان در شروع خواب مشکل داشت باید به اتاق دیگری برود و با انجام کارهایی مثل مطالعه یا گوش دادن به رادیو تا حد امکان دچار خواب آلودگی شود و بعد برای خواب به رختخواب برود.

وی با بیان اینکه بهبود محیط فیزیکی خواب در خواب راحت تاثیر دارد افزود: استفاده از تشک‌هایی که خیلی نرم و خیلی سفت نباشند، مناسب بودن دمای اتاق خواب، تاریکی اتاق خواب، آرام و ساکت بودن محیط خواب و در موارد نیاز استفاده از گوش بندها در بهبود خواب نقش مهمی دارند.

وی گفت: نیکوتین موجود در سیگار ماده‌ای محرک و دارای عوارضی مانند افزایش ضربان قلب و افزایش فشار خون است که باعث می‌شود فرد برای به خواب رفتن مدت زمان بیشتری را صرف کند.

استفاده از تمرینات آرام‌سازی شامل آرام‌سازی عضلانی، تصورات خوشایند و تمرکز بر آنها، استفاده از نوارهای آرام‌سازی، ماساژ و دوش آب گرم قبل از خواب در داشتن یک خواب سالم و آرام نقش اساسی دارند.

مصرف غذاهای سنگین قبل از خواب موجب سوزش سردل و بازگشت مواد غذایی از معده به مری می‌شود که منجر به ایجاد اختلالات خواب می‌شود.

### میزان خواب مورد نیاز

نیاز به خواب در افراد مختلف متفاوت است. برخی افراد برای سرحال شدن باید ۹ ساعت بخوابند برخی دیگر نیاز به ۶ ساعت خواب دارند اما بیشتر افراد به حدود ۷ تا ۸ ساعت خواب نیاز دارند.

میزان خواب مورد نیاز افراد متفاوت است به گونه‌ای که می‌توان گفت، مهمترین عامل در تعیین میزان خواب طبیعی در افراد مختلف «وراثت»

است و بر همین اساس میزان خواب در افراد تعیین می‌شود. دکتر «محمد اربابی» استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران در این خصوص می‌گوید برخی افراد به طور ژنتیکی کم خواب و بعضی هم پر خواب هستند اما تحقیقات نشان داده که خواب کمتر از ۶ ساعت و بیشتر از ۹ ساعت در سلامت فرد اثر منفی می‌گذارد.

به گفته وی بر اساس مطالعات مختلف، اختلالات خواب در افراد چه بصورت کم خوابی و چه بصورت پر خوابی در کاهش طول عمر آنها نقش دارد.

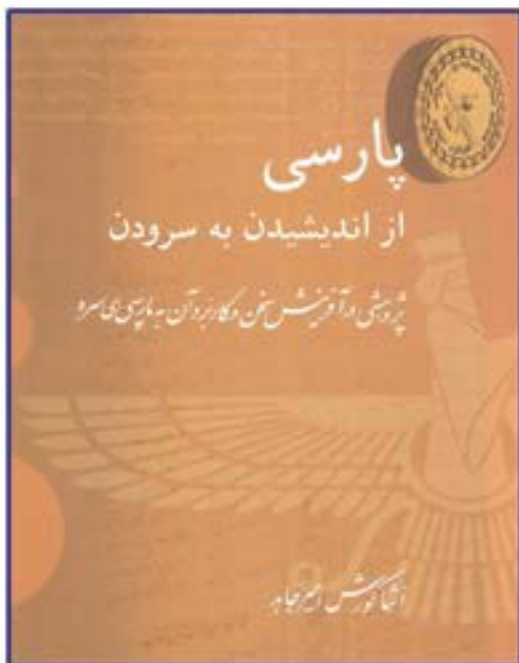
وی با اشاره به اینکه خواب طبیعی در رفع خستگی جسمی و روحی موثر است افزود: بهترین زمان خواب طبیعی خواب شبانه و میزان آن بطور میانگین هشت ساعت در شبانه روز است که البته ساعت شروع و پایان خواب اصولاً ربطی به معنا داری به ساعت آغاز شب و آغاز صبح ندارد بلکه به نوع تنظیم بیولوژیکی بدن انسان باز می‌گردد.

ممکن است برخی از افراد با ۶ یا ۷ ساعت خواب هم سرحال باشند و احساس خستگی و خواب آلودگی نداشته باشند. بهترین میزان خواب پیشنهادی برای افراد در روزهای معمولی هفته تا هفت و نیم ساعت و در روزهای پایانی هفته و روزهای تعطیل هشت تا حتی ده ساعت است. دکتر اربابی با بیان اینکه خواب نیمروزی بعد از ساعت چهار بعد از ظهر و بیشتر از یک ساعت نباید باشد، افزود: بهتر است برای بهبود خواب شبانه و راحت خوابیدن در شب از خواب نیمروزی پرهیز کرد.

وی می‌گوید چنانچه افراد خواب شبانه خوبی داشته باشند بطور معمول دیگر نیازی به خواب نیمروزی نخواهند داشت این در حالی است که کیفیت و بازدهی خواب شبانه بسیار بیشتر و موثرتر از خواب نیمروزی است.

بدن انسان در هر هشت ساعت خواب چیزی حدود ۵۰ کیلو کالری انرژی ذخیره می‌کند این انرژی تقریباً معادل انرژی دو برش نان سوخاری یا یک سیب کوچک است.





کتاب

پارسی

از اندیشیدن به سرودن



شرکت کتاب

Phone: (310) 477-7477

www.ketab.com

1419 westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024, USA

ketab1@ketab.com

در این پژوهش بنیاد های زبان شناسی، انگاره ی نوین پیدایش سخن، دستور زبان پارسی سره بی ویژگی های تازی، شناخت پارسی از تا پارسی، روش های پارسی گوئی و پارسی نویسی، ویر رسی سنجشگرانه ی سرودگان پارسی از گزیده سخنسرایان باستان و همزمانان گرد آمده است. دوستان پارسی سره میتوانند آن را از شرکت کتاب در لوس آنجلس [ketab.com](http://ketab.com) و یا از [amazon.com](http://amazon.com) خریداری نمایند.

خبره نغمه‌ها  
گزیده‌های از: غزلیات

موسیقی متن: عباس بختیاری  
تدوین و درهم آمیزی صدا و موسیقی: کاوه ادیب  
تجهیز و اجرا: فریدون فرح‌اندوز

فردین فرح‌اندوز  
Fereidoun Farahandouz

ffarahandouz@yahoo.com  
(310) 477-7477  
www.ketab.com

ایرج پزشک زاد



به یاد یار و دیار



شرکت کتاب

[www.ketab.com](http://www.ketab.com)

(310) 477-7477

(818) 908-0808

1419 Westwood Blvd., Los Angeles CA 90024



# الهه یوسفیان

مشاور خانواده

Elaheh Yousefian M.A.

Marriage and Family Therapy

مشاور در زمینه مسائل فردی، زناشویی، امور خانوادگی

درمان بحران های عاطفی، سردگی، اضطراب

ایجاد اعتماد بنفس با استفاده از هیپنوتیزم

Registered Licensed MFT #MFC 47314

Phone: **310-721-9886**

Fax: **310-472-0333**

520 S. Sepulveda Blvd., # 406, Los Angeles, CA 90049

با تعیین وقت قبلی



## شناخت و درمان بیماری های چشم به زبان ساده

نویسنده: دکتر رضا رضا  
پور  
ناشر: شرکت کتاب

۳۱۰,۴۷۷,۷۴۷۷

۸۰۰.FOR.IRAN

FAX: ۳۱۰,۴۴۴,۷۱۷۶

www.ketab.com

بیش از ۳۰ سال تجربه انتشاراتی شرکت کتاب

## در خدمت انعکاس فعالیت های فرهنگی شما

منطبق بر تمامی استانداردهای بین المللی چاپ کتاب  
چاپ کتاب از حروفچینی تا پخش با رعایت حقوق قانونی  
نویسنده و ناشر

۳۱۰,۴۷۷,۷۴۷۷

تلفن رایگان برای خارج از لس آنجلس

۸۰۰.FOR.IRAN

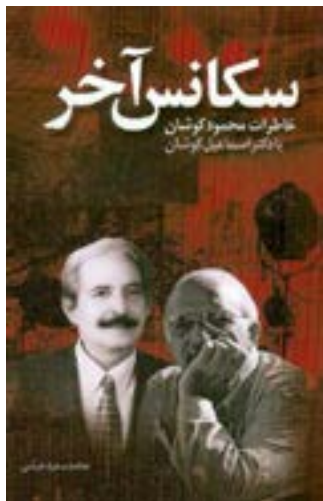
FAX: ۳۱۰,۴۴۴,۷۱۷۶

۱۴۱۹ Westwood Blvd.

Los Angeles, CA ۹۰۰۲۴

www.ketab.com

ketab@ketab.com



## آخرین سکانس

نویسنده: محمود کوشان  
بر اساس خاطرات  
مشترک نویسنده و دکتر  
اسماعیل کوشان  
ویراستار: محمد سعید  
حبشی

310.477.7477

800.FOR.IRAN

FAX: 310.444.7176

www.ketab.com



## من یک الاغ هستم

نویسنده: علیرضا میر  
سپاسی

ناشر: شرکت کتاب

310.477.7477

800.FOR.IRAN

FAX: 310.444.7176

www.ketab.com

در قلب وست وود

Persian Square



شرکت کتاب  
شنبه شب تا آ ۱۱ شب

پذیرای خریداران و دیدارکنندگان است.

کتابفروشی شرکت کتاب

• آخرین کتاب های منتشر شده ایران

• آخرین جدول یاد مجلات چاپ ایران

• کتاب های نمونه در ایران (چاپ اروپا و آمریکا)

• کتاب های امتحانات شرکت کتاب

• DVD, CD های بهترین مترجمان ایرانی داخل و خارج کشور

• دو هفته نامه ایرانشهر - مطالب سیاسی اجتماعی و پیش از ۵۰ جدول

از یاری و همکاری مشاغل زیر که آبخانیز تا دیر وقت شب برای خدمت به هم میهنان پذیرای شما هستند سپاسگزاریم.

سطحی روست وود کالری، سوپر توپال، رستوران شجرزاد، رستوران شعله، رستوران دلمی، رستوران شیرینی، کافه مینو، بستنی فروشی گل و بلبل، کافه پرپولیس و کافه گلار.

PERSIAN BOOKS & MU

KETAB CORP

310-477-7477

1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024

هر هفته  
مراج کتاب - جدول  
DVD و CD

۷ روز هفته

یکشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۸ شب

شنبه تا ۱۰ صبح تا ۱۱ شب



James Asaf, DDS

Encino  
SMILE CENTER

## دکتر جمشید آصف

جراح - دندانپزشک

متخصص در دندان پزشکی زیبایی و ایمپلنت  
با بیش از سی سال سابقه  
عضو انجمن دندان پزشکان آمریکا

انجام کلیه خدمات دندانپزشکی

با همکاری متخصصین  
با رعایت کامل و دقیق استریزاسیون

[encino-smile-center.com](http://encino-smile-center.com)

**(818) 789-8823**

16661 Ventura Blvd., Suite 401, Encino, CA 91436



لیزر بلیچینگ

جراحی

NIGHT GUARD, TMJ

زیبایی دندان شامل

روت کانال

ایمپلانت

# ACE Brick & Hardware

EST. 1950

- Fireplaces
- Mantels (Wood, Marble, Precast)
- Brick & Block
- Sand & Cement
- Stones
- Bar B Que
- Gas Logs
- Precast Molding

عرضه کننده زیبا ترین Mantels از قبیل

چوب، مرمر و فایبر گلاس (گچ)

**(818) 781-1755 (800) 781-ACES**

6023 Sepulveda Blvd., Van Nuys, CA 91411

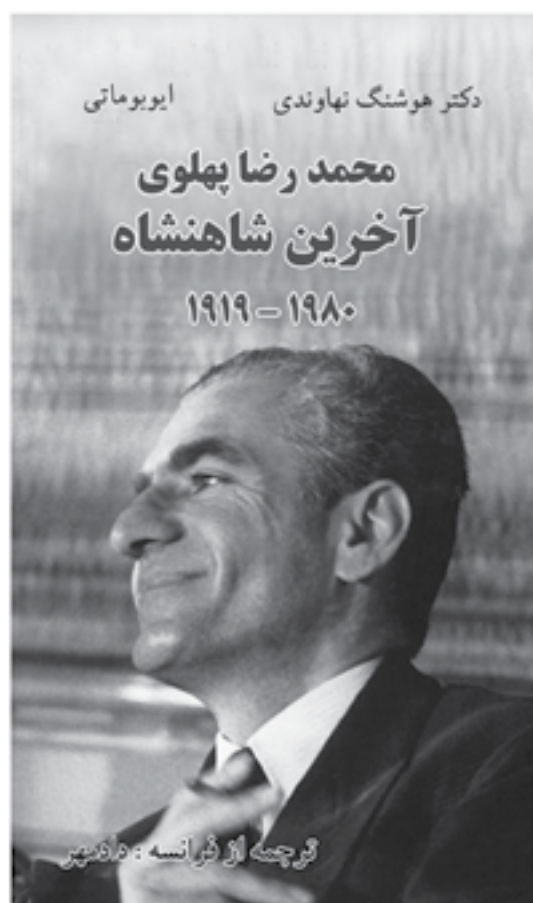
[www.acemantels.com](http://www.acemantels.com)  
[www.acebricks.com](http://www.acebricks.com)

We Deliver

VISA-M/C  
Discover & AMEX

محمدرضا پهلوی  
**آخرین شاهنشاه**  
دکتر هوشنگ نهاوندی

در 880 صفحه همراه با عکس‌های تاریخی و نمایه کامل



شرکت کتاب

[www.ketab.com](http://www.ketab.com)

**(310) 477-7477**

**(818) 908-0808**

1419 Westwood Blvd., Los Angeles CA 90024



نشان های شیر و خورشید  
نشان های دوران پادشاهی  
در شرکت کتاب



شرکت کتاب

www.ketab.com

(310) 477-7477

1419 Westwood Blvd,

Los Angeles, CA 90024



از فروشگاههای ایرانی محل زندگی خود این محصولات را بخواهید

# موسیقی سرای

در شرکت کتاب

آموزش پیانو با روش کوشا توسط سوسن کوشادپور

مؤلف مجموعه کتاب‌های

“آهنگ‌های آسان برای نوآموزان پیانو”

آموزش کلیه سازهای ایرانی و غربی توسط

استادان مجرب دانشگاهی

تعمیر و فروش کلیه سازهای ایرانی

فروش کلیه لوازم جنبی سازهای ایرانی



موسیقی سرای شرکت کتاب

310-477-7477

1419 Westwood Blvd., Los Angeles CA 90024

# ره آورد

فصلنامه آزاد اندیشان ایران

سر دبیر: شعله شمس (شهباز)

## فصلنامه ره آورد

مطالعات ایران شناسی

باسابقه ۲۹ سال انتشار در لس آنجلس، کالیفرنیا

و گروه مشاوران از استادانی معروف ترین دانشگاه های دنیا

جهت اشتراک

۱۷۳۳-۲۷۳-۴۲۴

Rahavard@Rahavard.com

www.Rahavard.com

# Persian Radio

## پرشین رادیو

[www.epersianradio.com](http://www.epersianradio.com)

[info@epersianradio.com](mailto:info@epersianradio.com)

**Hotbird New!**

Frequency 11200 Horizontal

SymbolRate 27500

FEC Automatic

**Eutelsat W3A**

Frequency 10721 Horizontal

Symbol Rate 22000

FEC 1/2

**Telstar 5**

Frequency 11966 Horizontal

Symbol Rate 22000

FEC Automatic



Studio: **(818) 981 - 1200**

Office: **(818) 817 - 7700**

Address: 15720 Ventura Blvd., #228, Encino, CA 91436

برای نخستین بار، محصولی بی نظیر و بدون رقیب

**DANYAL ELECTRONIC DICTIONARY**

دیکشنری، مترجم و سخنگوی ۴ زبانه الکترونیکی

## دانیال

عبری

اسپانیایی

فارسی

انگلیسی



با قابلیت آموزش و کارآیی یکساله در آمریکا

با قیمتی باور نکردنی

# \$ 229

بخش و فروش در آمریکا و کانادا: شرکت کتاب

**(310) 477 - 7477**

[www.KETAB.com](http://www.KETAB.com)

1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024



## QUALITY SAT

فروش - تنظیم و نصب ستلایت ایرانی  
کانالهای فارسی، ارمنی، عربی، ترکی، افغانی

نصب انواع تلویزیون های LED , LCD

نصب انواع سیستم های صوتی و تصویری ساندیسستم

نصب دوربین های مداربسته Cameras & Digital videos recorders

**818-397-4848**

نصب حرفه ای همراه با خدمات پس از فروش



سمفونی  
سرگذشت یک  
قوم

جهانگیر صداقت فر

ناشر: شرکت کتاب

**310.477.7477**  
**800.FOR.IRAN**

FAX: 310.444.7176

www.ketab.com

## کتاب

**ولی امر مسلمین جهان**

روایت توهم ولایی، جهانگشایی

تخیلی و جباریت مقدس

نگاهی به کارنامه رهبری

سید علی خامنه‌ای

به قلم مجید محمدی

از انتشارات شرکت کتاب

**برنامه رادیویی**

**پرژن اسکوتر**

**هر یک شبه از ساعت**

**۱۱ تا ۱۲ ظهر**

**در رادیو ایران ۶۷۰ AM**

**شنونده این برنامه شاد**

**و آگاهی دهنده از سوی**

**مشاغل پشتیبان وست وود**

**در پرژن اسکوتر باشید.**

# Westside Pharmacy

## داروخانه وست ساید نوروز پیروز

### به مدیریت دکتر فرزاد جک پیروز

با همکاری دکتر جواد فردوسی - دکتر ژانت آحادی و دکتر هما سعادت و تکنیسین های مجرب

واقع در سانتا مونیکا بلوارد ، بین سانتا مونیکا کاشرمارکت و رستوران جوان

- قبول کلیه بیمه ها - مدیکل و مدیکر
- انواع ویتامین ها و داروهای گیاهی
- تحویل رایگان دارو به منازل و محل کار
- پذیرش نسخه های ترکیبی و هورمون های طبیعی
- نماینده کلیه محصولات دکترسهراب خوشبین در لوس آنجلس

### سفارشات پستی پذیرفته می شود

۷ روز هفته : دوشنبه تا جمعه ۹:۰۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

شنبه ۱۲ ظهر تا ۵ بعد از ظهر

یکشنبه ۱۲ تا ۲:۳۰ بعد از ظهر ( با وقت قبلی )



**(310) 479 0200**

11504 SANTA MONICA BLVD, LOS ANGELES, CA 90025

نشانی: ۱۱۵۰۴ سانتا مونیکا بلوارد

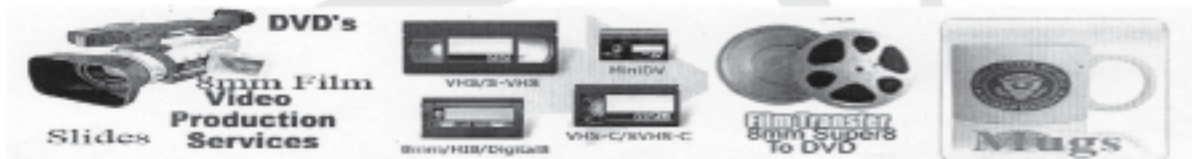
# لابراتوار عکس مهندسی گلدن کالر بورلی هیلز

Golden Color Engineering Beverly Hills



عکس برتر با کیفیت عالی با تضمین تحت نظر مهندس فتوگرافیک

ظهور و چاپ عکس های رنگی سیاه و سفید و اسلاید



رتوش عکس های قدیمی و تبدیل نوار ویدئو- عکس های پاسپورت و گرین کارت  
برای عکس یادگاری خوب از عکاسان مجالس خود بخواهید که از لابراتوار حرفه ای

**گلدن کالر** برای ظهور و چاپ عکس استفاده کنند

برای اطمینان خاطر از لابراتوار ما با دستگاه های مدرن مجانا بازدید بفرمائید

**Digital, Duratrans, B+W Wallets to Wall Size Photos (6x14)**

**Wedding, Sports and School/Packages**

**"Wholesale Accounts, Photographers and Photo Labs Welcome"**

[www.goldenColor.com](http://www.goldenColor.com)

**8562 W. Pico Blvd., Beverly Hills/ Los Angeles**

**Tel: (310)274 3445**



# کتاب فتنه چای بی مویز

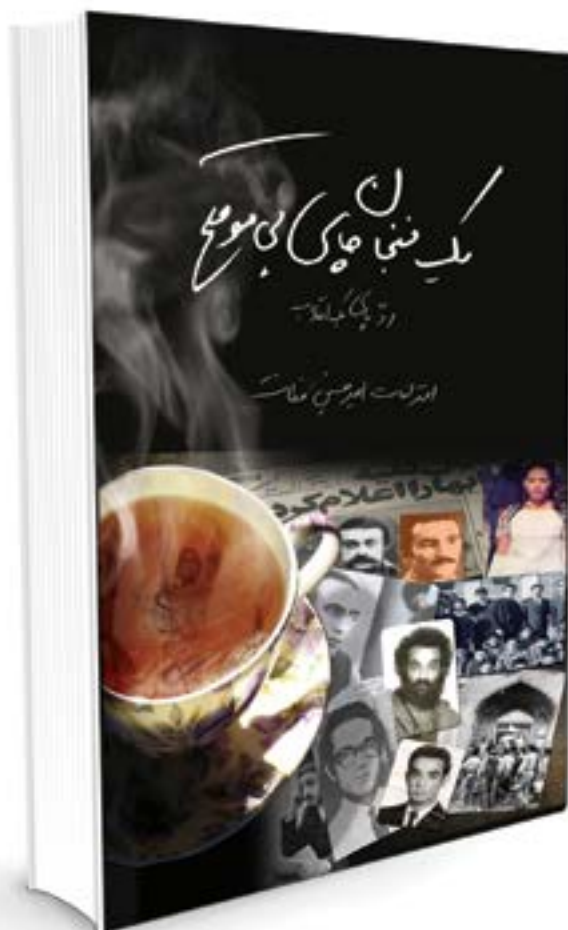
رژیم پانزده خرداد

## اعترافات امیر حسین فطانت

گروگانگیری ولیعهد چقدر حقیقت داشت و چه کسی با بزرگنمایی آن تیشه به ریشه ایران و ایرانی زد؟

برجسته ترین چهره مسول سقوط پادشاهی در ایران چه کسی بود؟

این کتاب به بازگشایی پرونده شگفت انگیز گروگانگیری ولیعهد "شاهزاده رضا پهلوی" می پردازد و خسرو گلسرخی و کرامت الله دانشیان و مآلاً سقوط شاهنشاهی ایران نتیجه آن یعنی اعدام



امیر حسین فطانت در نوجوانی به جرم اقدام برای هواپیماریانی به دو سال زندان محکوم گردید و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به اتهام «خیانت» در یکی از جنجالی ترین پرونده های سیاسی زمان شاه موسوم به «توطئه گروگانگیری ولیعهد و ترور اعضای خاندان سلطنتی گلسرخی - دانشیان» از طرف نیروهای چپ غیاباً به اعدام محکوم شد.



شرکت کتاب

[www.ketab.com](http://www.ketab.com)

(310) 477-7477

(818) 908-0808

1419 Westwood Blvd., Los Angeles CA 90024





کلینیک شنوایی

# دکتر شهرزاد کوهن

مرکز توانبخشی شنوایی و درک بهتر

مطلع و مجهز به آخرین متد و تکنیک و  
تجهیزات شنوایی  
با کلینیک مخصوص اطفال و بزرگسالان و  
تجویز سمعک‌های نامرئی

**درمان اختلالات در تشخیص**

**صوتی و درک مغزی**

**شنوایی درمانی**

**رفع مشکلات تعادلی**

**پیرگوشی و پیشنهاد سمعک**

**درمان صداهاى ناهنجار و**

**زنگ زدن گوش**

**818.98.99.001**

**APCCenters.com**

# AAA Satellite by Robert فروش ، نصب و تنظیم

جدیدترین و پیشرفته ترین رسیورهای دیجیتال  
با کمترین قیمت ، تعمیر دیش های ایرانی و غیره ...

## با پرداخت فقط یک بار



برنامه های اصل ترکی ، عربی و ایرانی  
با بیش از ۵۰۰ کانالهای مختلف  
از طریق اینترنت تماشا کنید:



نصب دیش های مجانی

تلویزیون های آمریکایی را با  
ارزان ترین قیمت تماشا کنید



کیبل های خود را قطع کنید و با ما تماس بگیرید  
پکیج های مختلف از \$24.99 در ماه

# 818.669 2076



## مرجان روانبخش

C.P.A.

Certified Public Accountant

## انتقال ارز ارزان دریافت جواز انتقال پول از ایران

- ما گواهی انتقال ارز از ایران را که در موافقت با قوانین و مقررات وزارت خزانه داری آمریکا (OFAC) می باشد را دریافت می کنیم
- هم چنین دفتر ما مشورت های لازم را در مورد عواقب مالیاتی انتقال ارز از ایران از دیدگاه IRS را در اختیار شما قرار می دهد

We obtain the license required to transfer funds from Iran.  
This license is in compliance with OFAC regulations.  
Our offices also consult with you about the tax  
consequence (IRS) of such money transfers.

# Tel: 818-530-2263

*The Best of the Best*

From our Family to Yours for 25 years!

محصولات غذایی گلچین

با بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت

**GOLCHIN**

به شما و خانواده شما.

Phone: (818)534-5050

[www.GolchinProducts.com](http://www.GolchinProducts.com)

# AMIRCO

حمل چمدان با هر وزنی به تهران قیمت ویژه (به مدت محدود) فقط \$65

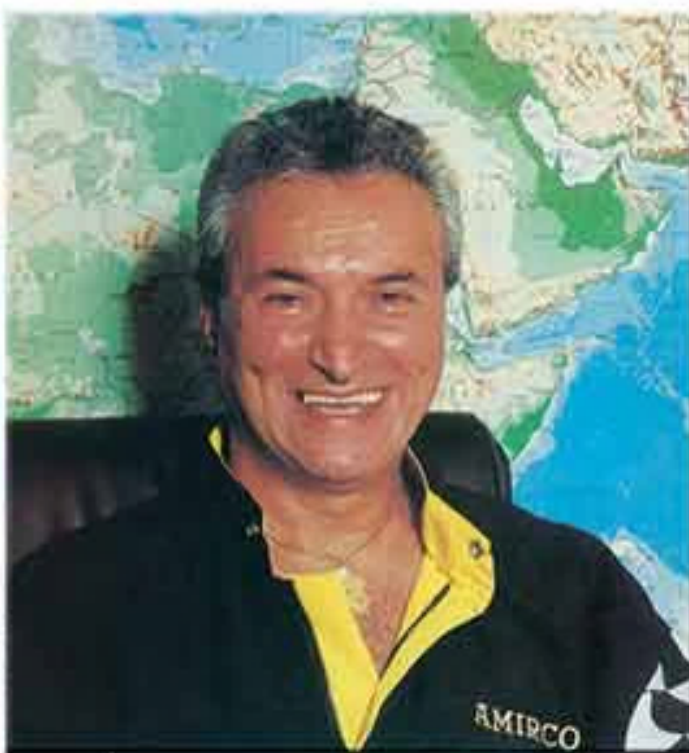
فقط یک نام

# امیرکو

پست اکسپرس دارو، مدارک و هدایا به تمام نقاط ایران بین 5 تا 7 روز

حمل وسایل شخصی و کالاهای تجاری به ایران و سایر نقاط جهان تحت قوانین دولت آمریکا (OFAC)

اینترنشنال



حمل مستقیم کانتینرهای 20 و 40 فوتی به تمام نقاط ایران بصورت هفتگی در اسرع وقت با نازلترین قیمت

با 36 سال سابقه درخشان و بیمه معتبر

فقط کفایت تشریف بیاورید اجازه دهید در خدمتتان باشیم.

OVERSEAS

SHIPPING

9083 S. LA Cienega Blvd., Inglewood, CA 90301

New Location P. 310-842-8000 F. 310-276-6040 محل جدید

Toll Free: 800-826-IRAN (800-826-4726)

amircointl@aol.com

ورودی  
رایگان

# جشنواره مهرگان

وست لوس آنجلس - CIVIC CENTER

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۴

برای تهیه غرفه و اطلاعات بیشتر با 08 ایرانیان تماس بگیرید

818.908.0808



سالن غذاخوری  
و غرفه های غذا

تالار  
شعله